

PARGAR MAGAZINE



ماهنامه تحلیلی
فرهنگی اجتماعی

سال یازدهم | تیر ۱۴۰۳ | پیاپی ۲۳۳
دوره جدید ۲۰۰ | ۷۰ هزار تومان

پرونده‌ای برای مسجد جامع یزد

قلب شهر



با مطالبی از:

- حمیدرضا امیری ■ پیام شمس الدینی ■ مهدی صادق احمدی ■ سامان قاسمی
- حسین گرگویی و ■ حسین مسرت



فهرست

- دلربای بالابلند؛ درباره مسجد جمعی که هویت یک شهر است
- مسجد جامع یزد، میراث زنده شهر تاریخی
- نمادها و جلوه‌های اساطیری مسجد جامع یزد
- یادی از دختران فرامرز در تختگاه کویر
- هفت سند تاریخی درباره مسجد جامع یزد
- مسجد جامع کبیر یزد و کارهای بایسته
- بازارهای سنتی یزد با رونق گردشگری زنده می‌شوند
- مسجد جامع از محور گردشگری یزد حذف شده است؟
- مسجد جامع، قلب شهر است
- مسجد جامع یزد، جایی میان زمین و آسمان
- شاهکار فیروزه‌ای کویر
- مسجد جامع یزد، یک موزه تمام‌عیار است
- یادی از یک دوست

صاحب امتیاز:

نسرین زمان زاده

مدیر مسئول:

زهره شاه شوازی

قائم مقام مدیرمسئول:

مهدی زمان زاده

سرمدبیر:

عاطفه ابراهیمی

دبیر ویژه نامه:

حمیدرضا امیری

مجری انتشار:

هنر و تجربه ویرگول

نشانی:

یزد، محله فهادان

خانه تاریخی حیرانی

انتشار آگهی:

۰۹۱۹-۴۹۶-۳۷۲۳۴

از تمامی علاقه مندان برای

همکاری در پرگار دعوت میشود

مطلب خود را به ایمیل نشریه

ارسال کنند. مطالب منتشر

شده لزوما دیدگاه پرگار

نیست. پرگار منتظر نظرات

و انتقادات خوانندگان

است.

پرگار نشریه مستقل و متعلق

به بخش خصوصی است.

پست الکترونیک

info@pargarnews.ir

دانلود نسخه الکترونیک

www.pargarnews.ir



سخن نخست؛

دلربای بالابلند؛ درباره مسجد جامع که هویت یک شهر است

عاطفه ابراهیمی

در کنار هم زیستی مسالمت‌آمیز انسان و کاهگل و همسایگی مهربانانه مسجد جامع و کنیسه ملا آقا بابا، در میان هیاهوی راسته بازار، آبی فیروزه‌ای‌های مسجد جامع دلبری کنند. مسجد باشکوهی که قلب این شهر شده است، هویت این شهر. گفتن و نوشتن از مسجد جامع چیزی شبیه شعرهای سعدی است سهل و ممتنع؛ مثل تعریف آب که همه می‌دانیم چیست و نمی‌توانیم توصیفش کنیم. مسجد جامع جایی که گره زندگی در آنجا باز می‌شود و درعین حال منطقه بی‌واسطه‌ای است که پیوند میان مردم و بازار و بافت تاریخی است.

از مسجد جامع یزد بسیار گفته‌اند، طرح زده‌اند، نقاشی کرده‌اند و شعر گفته‌اند اما انگاری این تکه از زمین خدا همیشه حرفی برای گفتن و جایی برای دیدن دارد؛ از آبی‌های چشم‌نواز سردر تا کاشی‌کاری‌های داخلی و محراب و کتیبه‌ها و شمشه معروف آن. مسجدی که فقط بعد مذهبی‌اش پر رنگ نیست بلکه بازتابی از سلیقه و درک هنری نیاکان ما از گذشته‌های دور است. مسجدی که همواره در طول تاریخ پایگاه اجتماعی و فرهنگی مردم این شهر بوده است.

مسجد جامع کبیر یزد بدون تردید یکی از شاهکارهای بدیع معماری مساجد ایران به شمار می‌آید که تزیینات زیبا و منحصر به فرد آن جلوه‌ای ستودنی به آن داده است. این مسجد دربرگیرنده مجموع هنرهایی است که یک بنا می‌تواند در خود داشته باشد از معماری شگفت‌انگیز تا هنر خوشنویسی و گچ‌کاری و کاشی‌کاری. چندی است که نورپردازی نیز به آن اضافه شده و دیدنش در شب تاریک نیز چشم‌نواز است. پرونده این شماره پرگار درباره همین مسجد است مسجدی که نه فقط یک عبادتگاه که متر و معیار گردشگری شهر یزد است. کوشیده‌ایم تا از زوایای مختلفی به مسجد جامع بپردازیم از نقش آن در تقویت گردشگری و بازار تا ویژگی‌های معماری آن، از آداب و رسوم خاص مسجد تا حضورش در سفرنامه‌ها و مقالات، از بعد اسطوره‌ای آن تا حضورش در هنرهای متفاوت. آنچه پیش روی شماست گوشه‌ای از ارادت ما به مسجد جامع یزد است، مسجدی که ورای نقش مذهبی‌اش، پایگاه محکم آیین‌های ما نیز هست. تکه‌ای منحصر به فرد، سنجاق شده به دامن بافت تاریخی یزد. کوشش‌ها و همراهی حمیدرضا امیری و تمامی نویسندگان و تحریریه پرگار برای به ثمر نشستن این شماره، ستودنی است. امید آنکه آنچه درباره مسجد جامع ثبت و ضبط شده آغازگر راهی برای پاسداشت این اثر باشکوه باشد.

”

پرونده‌ای برای
مسجد جامع یزد

“

“

مسجد جامع یزد، میراث زنده شهر تاریخی

مهدي صادق احمدی | عضو هیئت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای

یک تفاوت عمده بین بناهایی که هنوز کاربری دارند و بناهای مخروبه وجود دارد. بناهای در حال استفاده، هنوز هم در حال اضافه کردن به تاریخ خود هستند؛ آنها «زنده» هستند. اما مخروبه‌ها مُرده‌اند و تاریخ آنها به پایان رسیده است. این تعریفی است که چارلز پیر، بازرس ارشد آثار باستانی بریتانیا در ۱۹۲۳م. درباره «بناهای تاریخی زنده» گفته است. مهمترین ویژگی مسجد جامع یزد این است که نمونه کامل و قابل توجه «میراث زنده» است.

میراث زنده با مفهوم «تداوم» شناخته و معرفی می‌شود؛ به‌ویژه تداوم عملکرد اصلی یک سایت میراثی یا هدفی که از ابتدا برای آن در نظر گرفته شده است. مفهوم تداوم در مسجد جامع یزد تا سال‌های اخیر به شکل اعلای آن جاری بوده است. این مسجد از ابتدای تأسیس تا به امروز، در همه عمرش به طور پیوسته علاوه بر جایگاه برپایی نماز، محل حضور و رجوع مردم در رویدادهای مختلف اجتماعی مذهبی بوده است

وحدت، بنیان معماری مسجد



تصویر ۱ - ایوان مسجد جامع یزد

مسجد جامع کنونی یزد در دوره ایلخانی در توسعه مسجدی قدیمی‌تر ساخته شده و در دوره‌های بعد تا دوره شاهزاده میرزا ولی قاجار تغییراتی در آن صورت گرفته است. آخرین تغییرات مسجد به طور عمده به تعمیرات مسجد در زمان مرحوم وزیری در حدود هشتاد سال پیش باز می‌گردد. این مسجد امروزه نیز همچنان در قلب بافت تاریخی شهر، میزبان نمازگزاران و تشنگان مکان امن و قدسی آن است. از نکات قابل توجه معماری این مسجد، تداوم «وحدت» و انسجام فضای قدسی آن، علی‌رغم تغییرات در طول تاریخ است. این وحدت نشان از آن

دارد که روح کلی مقدس بنا چه در زمان معمارانی که در دوره ایلخانی طاق گنبد مسجد را برپا می‌داشتند و چه در دوره قاجار که رواق صحن آن را می‌ساختند، جاری بوده و تداوم داشته است. در مقام مثال، مسجد به ارکستری می‌ماند که کار معماران و طراحان در ادوار مختلف جزئی هماهنگ از آن بوده است و سیطره مفهوم وحدت بر نظر کلیه بنیان، معماران و استادکاران بنا باعث شده است، امروزه یکی از زیباترین و درخشان‌ترین بناهای معماری ایرانی - اسلامی، همچون نگینی در مرکز شهر تاریخی یزد بدرخشد.

تاریخچه مسجد

بنای اصلی مسجد کنونی از آثار سید رکن‌الدین محمد بن قوام‌الدین محمد بن نظام حسینی یزدی قاضی (متوفی در ۷۳۲) است. مؤلف تاریخ جدید یزد می‌نویسد که سید رکن‌الدین محمد در سال ۷۲۴ در جهت قبلی مسجد قدیم «قطعه‌ای زمین بخرد و طرح مسجد نو بینداخت و صفه و گنبد و مقصوره و غرفه‌ها بنا کرد.» (افشار، یادگارهای یزد، ۱۳۷۴: ۱۱۶) اما تاریخ

کاشی‌کاری و تزیینات ایوان گنبد مربوط به قرن بعد است. «در سال ۸۰۹ چون پیر محمد عمر شیخ بر شیراز مسلط شد [...] جهت گنبد و مسجد جمعه شهر و صُفه «انافتحنا» به کاشی تراشیده و بعضی ثبت کرد و اندرون گنبد تمام کاشی کرد و منقش ساخت و محرابی مرمر نهاد.» (افشار، یادگارهای یزد، ۱۳۷۴: ۱۱۶) در تاریخ یزد آیتی ذکر شده است که «در زمان میرزا شاهرخ گورکانی، شاه نظام کرمانی بفرمانداری یزد آمد و مسجد را که گنج اندود بود به کاشی بتراشیده الوان مزین ساخت و سوره فتح را به خط بهاءالدین هزار اسب که سرآمد خوشنویسان عصر بود کتیبه کرده بر جلوه مسجد چندین برابر افزود و... به آجر و کاشی مزین ساخت...» (آیتی، ۱۳۱۷: ۳۵) چنانچه نام «شاه رخ بهادر خان» تیموری، در کتیبه مرکز سردر مسجد جامع به چشم می‌خورد و تاریخ آن ۸۱۹ ه. ق. است. در کتیبه دیگر سردر نام «مظفر سلطان جهانشاه» آمده است که در پایان کتیبه سال ۸۶۱ به کتابت محمد حکیم دیده می‌شود. همچنین بانو ستی فاطمه همسر امیرچقماق بخشی از کف مسجد را به سنگ‌های مرمر مزین ساخت. (افشار، یادگارهای یزد، ۱۳۷۴: ۱۱۸) در کتیبه دو طرف ورودی مسجد در ارتفاع دید انسانی در زیر یکی از پاره‌های اشعار زیبای پارسی به خط نسخ، تاریخ ۸۹۱ ه. ق. قابل خواندن است. زیباترین ابیات این اشعار در وصف مسجد جامع یزد دو بیت زیر است:

پیشگاه قبله صدق و صفا / پیشطاق مسجد اقصاء ما

طاق و ایوان و رواق از بهر چیست / تا بدانی اندرون خانه کیست؟

این اشعار به معنای اهمیت بسیار بالای این مسجد برای سازندگان و بانیان آن است و بیان‌کننده آن است که طاق و ایوان رفیع و رواق مزین و کاشی‌کاری شده از آن رو ساخته شده که خانه‌ای در خور صاحب‌خانه اصلی باشد.

الگوی تقرب به مسجد جامع از میان بافت تاریخی

مسجد جامع یزد در میانه بافت تاریخی در مجاورت بازار کهنه و چهارسوق شاهی، مدرسه علمیه شاهزاده (امام خمینی)، مدرسه و بقعه سید رکن‌الدین از بانیان مسجد و بافت مسکونی و تعدادی ابنیه دیگر واقع شده است. حمام تاریخی و قسمتی از بازار متصل به جلوخان اصلی مسجد در اثر خیابان‌کشی اوایل دوره پهلوی از بین رفته و مقیاس فضای جلوخان برهم‌خورده است. (توسلی، ۱۳۸۱، ۱۲)

پیش از احداث خیابان مسجد، نحوه تقرب به مسجد و ادراک آن پیش از ورود به جلوخان با نحوه ادراک امروزی از خیابان مسجد جامع کاملاً متفاوت بوده است. در آن زمان مسجد در دل بافت شهری مخفی بوده و تنها گنبد یا مناره‌های بلند آن در مسیرهای منتهی به مسجد علامت مشخصه آن بوده‌اند. این نوع حضور بناها در شهرسازی سنتی اسلامی، نسبتی با سلوک عرفانی داشته است. اگر الگوی تقرب اصیل به مسجد را با الگوی امروزی آن مقایسه کنیم، می‌بینیم تقرب از خیابان جدید الاحداث مسجد جامع تنها مقام رجا را نمایندگی می‌کند، اما تقرب از میان کوچه‌های درهم‌تنیده بافت، تعادلی از خوف و رجا یا قبض و بسط را نمایان می‌سازد.

در گذر از بافت قدیم شهر یزد با عبور از کوچه‌های تنگ و باریک، مناره‌های مسجد، رهرو را به سوی نور فرامی‌خواند و باز پنهان می‌شوند سالک در مقام خوف از کوچه تاریکی می‌گذرد و باز با دیدن دوباره مناره‌ها امید و رجایش بازمی‌گردد تا در نهایت در یک لحظه در تضادی شدید میان تنگی و گشودگی، تاریکی و نور به جلوخان مسجد می‌رسد. چنان که سلوک عرفانی را در سه مرحله اساسی قبض، بسط و فنا خلاصه بدانیم؛ اگر قبض یا تنگی را معادل گذر از کوچه‌های باریک و تنگ و تاریک بدانیم، رسیدن به جلوخان و حیاط معادل بسط و انشراح است. به بیان سید حسین نصر تجربه معنوی فضای خالی در هنر اسلامی به نوعی بسط (انشراح) راه می‌برد چنانچه منتهی شدن ناگهانی گذرهای بافت‌های تاریخی به صحن وسیع یک مسجد، خانه یا میدان سنتی به طور بی‌واسطه شادی و انبساطی برای فرد مسلمان می‌آورد که این احساس همواره با تشدید آگاهی نسبت به حضور الهی همراه است که این امر همیشه نشاط‌آفرین است.» (نصر، ۱۳۷۵، ۱۸۴)

سلسله‌مراتب ورود و توجه به محور قبله

مسجد جامع یزد در دسته مساجد تک ایوانی قرار دارد و تناسبات حیاطش در میان مساجد جامع فلات مرکزی ایران، منحصر به فرد است. در واقع معماری مسجد به گونه‌ای است که فضای قطبی و محور قبله در آن بسیار روشن و محکم است. در صحن مسجد نیز به دلیل تناسبات کشیده آن در راستای قبله که در میان مساجد جامع منحصر به فرد است (پنجاهه، ۱۳۷۸: ۵۲) تک ایوان مسجد کاملاً در محور توجه قرار دارد. ارتفاع ایوان مسجد چند برابر سه جبهه دیگر آن است. همچنین کاشی‌کاری و رنگ تنها در جبهه قبله مسجد به کار رفته است و اضلاع

دیگر صحن مسجد تنها با رواق‌های آجری ساده شکل گرفته‌اند. این شرایط بر نقش ایوان در فضای داخلی صحن تأکید می‌کند. حتی ارتفاع گنبد نیز به اندازه‌ای است که آنچه در صحن بیشتر به چشم می‌آید، ایوان مسجد است.

لازم به ذکر است در مقایسه با سایر مساجد جامع فلات مرکزی ایران، تنها در مسجد جامع یزد، کشیدگی صحن (حیاط) مسجد در امتداد قبله با نسبت $۲/۶$ است. این تناسب در سایر مساجد جامع مرکزی ایران از $۰/۶۵$ تا ۱ و $۱/۲۵$ متغیر است و تعدادی از مساجد جامع صحن (حیاط) نزدیک به مربع دارند. (پنجاه‌ساله، ۱۳۷۸: ۵۲)



تصویر ۲ - ایوان در صحن مسجد جامع یزد

سلسله‌مراتب ورود به مسجد که از فضای جلوخان پیش از سردر رفیع مسجد آغاز می‌شود، نمازگزار را پس از عبور از فضای سردر، کریاس و راهرو و گذر از مراحل قبض به رواق متصل به صحن وسیع و گشاده مسجد می‌رساند که همراه با انبساط خاطر و «انصراف صدر» است (نصر، ۱۳۷۵: ۱۷۴) بدین ترتیب سلسله‌مراتب ورود در راستای سلسله مراحل تقرب به حضور قلب نمازگزار در مسجد قرار می‌گیرد. گنبدخانه ایرانی نقشی نمادین در معماری اسلامی مسجد بر عهده دارد. گنبدخانه اتصال‌دهنده

بستر مربع فضا که کنایه از زمین و دنیاست به سوی بالا و گنبد آسمان و بهشت است. از این رو سلسله مراتب نمادین تقرب نمازگزار، در نهایت وی را از زمین به آسمان (بهشت) متصل می‌سازد.

تسری ذکر در فضای قدسی مسجد

مسجد جامع یزد، مملو از کتیبه‌های قرآنی، آیات، روایات و حتی اشعار فارسی است که هر یک در جای خود به زبان اشاره و استعاره حکایت از رمز و رازی دارد و در ترکیب با معماری قدسی مسجد، فضایی پر جذب، آسمانی و آرامش‌بخش را برای اهل ذکر مهیا نموده است. نحوه به‌کارگیری کتیبه‌های قرآنی و احادیث در تعالی فضای قدسی مسجد، نیازمند آشنایی و وقوف معمار بنا بر رموز معنوی آیات و اسماء الهی است.



تصویر ۳ - نمونه‌هایی از گرافیک اسماء الهی سقف ایوان - از راست به چپ: المتعالی - الحی - المقسط

ایرج افشار متن اغلب کتیبه‌های مسجد را در کتاب یادگارهای یزد آورده است. (افشار، ۱۳۷۴: ۱۴۷) یکی از مهمترین کتیبه‌های مسجد، صلوات بر چهارده معصوم است که در محور محراب اصلی مسجد آمده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین کتیبه‌های مسجد، ذکر اسماء خداوند بر آسمانه ایوان مسجد، به خط بنایی و با گرافیکی رمزآلود، بر بستری از یک صد و ده مربع با شیوه آجرچینی معقلی است. ترکیبی از آجرهای لعاب‌دار فیروزه‌ای‌رنگ و آجر بدون لعاب که با خط بنایی اجرا شده و هر یک از آنها نامی از اسماء نیکوی خداوند است. این سطح با کتیبه قرآنی سوره فتح زیر پاکار قوس ایوان به خط ثلث و با شیوه کاشی معرق به رنگ سفید در زمینه لاجوردی، قاب گرفته شده است. کتیبه خط بنایی اسماء الحسنی در واقع متن حدیثی معروف در شمارش نود و نه نام خداوند است که عبارت شروع آن نیز در ۹ مربع آمده است. عبارت «ان الله - تعالی - تسعة - و

تسعین - اسماً مأه - الاواحد - من احصا - ها دخل - الجنة» با اسما «الله - الرحمن - الرحيم» آغاز شده و ۹۹ نام الهی که به الصبور ختم می شود در ادامه چپش ماریچی سقف شمرده شده اند.

اسماء الهی نقش گرفته بر ایوان، در نگاه اول یکی و مثل هم دیده می شوند. این استفاده از قالب مربع هم اندازه برای اسماء مختلف خداوند بر مفهوم «وحدت اسماء الهی» و یکتایی معبود تأکید می کند. کلماتی که هر یک وجهی از ذات اقدس باری تعالی را بیان می کنند و اما در نهایت همه از یک ذات هستند. زیرا الفاظ، قالب‌هایی هستند که هر یک بعدی از ابعاد بی نهایت ذات مقدس ربوبی حکایت می کنند. (اسدی، بی تا: ۵۵) تذکر به تعداد کثیری از اسماء الهی در ایوان مسجد متضمن این مفهوم است که انسان مؤمن باید متخلق به کلیه اسماء الهی شود. لیکن از آنجا که هریک از صفات الهی وجهی از حقیقت را نشان می دهد لازم است در تقرب به سوی حق در جهت تحصیل جامعیت همه صفات قدم بردارد و همه صفات الهی را در خود به وجود آورد و از رشد تک بعدی پرهیز نماید.

در متن حدیث اسماء الحسنی بشارت به ورود و داخل شدن به بهشت به مؤمنانی که در اسماء الهی غور و تأمل نمایند، داده شده است. از آنجا که ایوان مسجد مدخل ورود به فضای گنبدخانه که استعاره از بهشت آسمانی است، هم نوایی مفهومی میان متن کتیبه با جایگاه کاربرد آن مشاهده می شود. این موضوع با کتیبه سوره فتح در پیرامون کتیبه مذکور، تشدید و تکمیل می شود.

دعوت به تفکر و تعمق مؤمنان از اهداف غایی دین است که بر اساس آن معماری قدسی مساجد اسلامی شکل گرفته اند. وجهی از گرافیک دشوار کتیبه اسماء الهی، دربرگیرنده مفهوم دعوت به تفکر و تعمق است. از آنجا که هر یک از اسماء الحسنی الهی واجد «عمق معنایی» هستند، معمار مسلمان این گونه مخاطبان را به معنایی در ورای ظاهر حدیث و تأکید بر مفهوم واقعی «احصاء» که دربردارنده نوعی شناخت عمیق است، دعوت می کند. این تأمل و غور در ورای زمان اتفاق می افتد و محدود به مخاطبانی از یک دوره تاریخی نیست و بدین سان امر متداوم، زنده و جاری و دائمی عبادت و تقرب به ذات حق در مسجد تداوم می یابد و این معنای واقعی مسجد است.

تداوم میراث زنده مسجد جامع یزد

مسجد جامع یزد به‌عنوان مرکز شهر تاریخی از بدو ساخت تا به امروز «مسجد جامع شهر» بوده است، تنها در دوره تیموری مسجدی که بعدها به مسجد امیرچخماق مشهور شد با نام مسجد جامع نو ساخته شد، اما هیچگاه نتوانست جایگزین مسجد جامع شود.

مسجد جامع یزد با تلاش‌هایی که در اوایل قرن گذشته به ابتکار حاج آقای وزیر ریخ داد، سریعاً به مرکز فرهنگی شهر در دوره معاصر تبدیل شد. مرحوم وزیر ری با نگاهی معاصر‌سازانه، هم‌زمان با تعمیرات نجات‌بخش مسجد، یک سازمان مردم‌نهاد برای مدیریت مسجد تأسیس نمود و کتابخانه وزیری را بنیان نهاد. بدین‌گونه مسجد جامع همگام با تحولات شهر معاصر و جامعه شهری انطباق یافته و به‌روزرسانی شد. تأسیس هیئت حامیان مسجد جامع در ۱۳۲۵ ه.ش. نشان از آن دارد که این مسجد نزدیک به ۸۰ سال به‌صورت مردمی و در یک قالب بروز در حال مدیریت بوده است.

امروزه بسیاری از رویدادها و آنچه که ما از مسجد به‌عنوان مرکز شهر انتظار داریم در این مسجد اتفاق می‌افتد. در بسیاری از شهرهای تاریخی که به لحاظ قدمت تاریخی هم‌تراز یزد یا بیش از آن بوده‌اند، تنها نامی از مسجد جامع در ساختمانی متروک یا کم‌رونق باقی مانده است، اما آنچه مسجد جامع یزد را متمایز می‌سازد، «زنده‌بودن» این مسجد است.

در تعریف میراث زنده از وحدت میراث ملموس و میراث ناملموس سخن به میان می‌آید، به این معنا که اثر تاریخی وقتی «میراث زنده» است که حفاظت از وجوه ملموس و کالبدی اثر به‌اندازه وجوه ناملموس آن در یک وحدت و تلازم با یکدیگر قرار دارند. مسجد جامع امروز یزد علاوه بر برگزاری نماز جماعت، میزبان پُرسه‌های مردمی و برگزاری مراسم عزاداری در ایام خاصی از سال برای سالار شهدای کربلاست.

همچنین آیین پوش کشی مسجد جامع در دهه آخر صفر و آیین پیراهن مراد در ۲۷ رمضان از جمله مراسم و آیین‌های ریشه‌دار و ویژه این مسجد است که علاوه بر مردم محلی تعداد زیادی از نسل جدید علاقه‌مند به بافت تاریخی و گردشگران

را نیز مخاطب خود قرار داده است



تصویر ۴ - موقعیت شهری مسجد جامع یزد (توسلی، ۱۸۳۱، ۲۱)

از سوی دیگر این مسجد به عنوان هسته مرکزی شهر تاریخی، جایی برای آموزش ارزش‌های معماری ایرانی - اسلامی و برگزاری کلاس‌های درسی با حضور دانشجویان و گاه دانش‌آموزان است. همچنین مکانی برای آشنایی با شهر تاریخی و معرفی مرکز شهر مسلمانان برای گردشگران خارجی و داخلی است که هر روزه به آن مراجعه می‌کنند. همه اینها وجوهی از «زنده‌بودن مسجد» است که لازم است مورد حفاظت و مراقبت قرار گیرند.

همان‌گونه که معماری این مسجد مظهر اعلای تعادل، جمال و زیبایی است، لازم است مدیریت مسجد نیز هم‌تراز همین زیبایی و تعادل باشد. متأسفانه چند سالی است که گروهی ناآشنا با سنت حفاظت و مدیریت مسجد، به طریقی در مدیریت مسجد دخالت می‌کنند.

اوج این دخالت در برپایی پنل‌هایی بی‌قواره بر روی مهمتایی میانی صحن مسجد در روزهای نوروز امسال بود که با پس از اعتراض اهالی محله مسجد جامع خوشبختانه جمع‌آوری شد. به

نظر می‌رسد لازم است مدیریت مسجد بهتر است در اختیار هیئت حامیان مسجد قرار گیرد و هر اتفاق جدیدی با هماهنگی مدیریت اصیل و آشنا با محله صورت گیرد. باید توجه داشت که برخی رفتارها بدون توجه به ارزش‌های اصیل مسجد جامع یزد به کیفیت زنده‌بودن مسجد لطمه می‌زند و ممکن است به تداوم این میراث زنده خدش‌های وارد سازد.

“

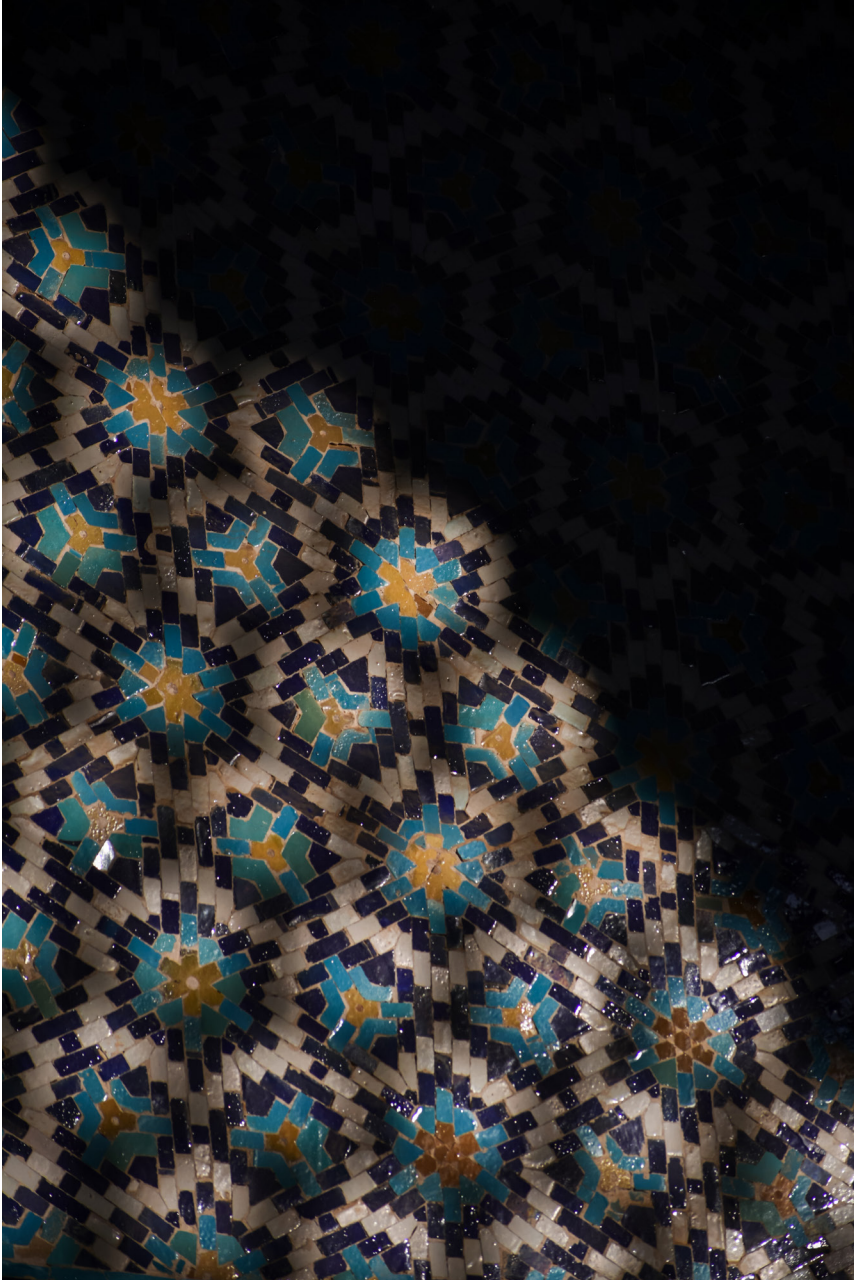
نمادها و جلوه‌های اساطیری

مسجد جامع یزد

سامان قاسمی | عضو هیئت علمی گروه ایران‌شناسی دانشگاه میبد

هر شهر یک مرکزیتی دارد به اسم بنای مقدس. این مرکز می‌تواند معبد، کاخ یا در فرم اسلامی آن، مسجد جامع باشد. در یزد به صورت تاریخی پنج مسجد جامع داریم که موضوع این نوشتار مسجد جامع کبیر یزد است. ما شهری داریم که در مرکز آن یک بنای مقدس و حول این بنای مقدس، بازار است.

در این تصویری که ما از شهر داریم، شهر را به عنوان یک کیهان می‌بینیم، یعنی جایی که قرار است مردمانی زیست کنند و حیات وجود دارد. هر واحد مکانی که در ظرف زندگی می‌شود، یک کیهان است؛ حتی یک خانه هم در ساختار معماری سنتی ما یک کیهان مستقل است و همه المان‌های یک کیهان را دارد. باین حال بیشترین المان‌ها را در خود بنای مقدس می‌بینیم.



◀ عکاس: علی محبوبی مولایی

کیهان آرمانی

در اندیشه ایرانی، اهورامزدا یک کیهان آرمانی را می‌آفریند. در این کیهان آرمانی که می‌شود بهشت، هیچ شری راه ندارد. علت این که شر نمی‌تواند وارد بهشت شود، به‌خاطر فرم بهشت است، یعنی اهورامزدا بهشت را به‌گونه‌ای آفریده که نیروهای تاریک نمی‌توانند در آن ورود کنند. اگر ما بتوانیم آن فرم را هر جایی ایجاد کنیم، همان ماهیت و کیفیت بهشتی را رقم می‌زنیم.

در ساختار اندیشه‌ای که راجع به آن صحبت می‌کنیم که این سنت‌ها متعلق به آن ساختار اندیشه است، صفات من موجودیت مستقل از من را دارد. در واقع صفت من نیستند، کاملاً یک موجود هستند که همراه من هستند. برای همین می‌شود این‌ها را از من جدا کرد. وقتی من وارد بنای مقدس می‌شوم، عملاً آن موجودات (صفات بد) به‌خاطر فرم بنای مقدس که برگرفته از فرم بهشت است، نمی‌توانند من را همراهی کنند. به همین دلیل داخل بنا، من حال متفاوتی دارم، آرامش دارم، حس من خوب است، بدخواه نیستم. مثلاً شاید در طول روز بسیاری از خواسته‌هایی که به ذهنمان می‌رسد منفی باشد، نفرین و بدخواهی باشد، ولی نجواهایی که آدم‌ها در یک بنای مقدسی دارند، عمدتاً مثبت است و آن بدخواهی‌ها همراهشان نیست، خیرخواهی است. این را به‌خاطر ساختار بنا است.

زمانی که راجع به یک کیهان صحبت می‌کنیم، این کیهان نیاز به برکت و حیات دارد. این برکت و حیات متعلق به کیهان ما نیست، یعنی این سطح کیهانی که ما در آن زیست می‌کنیم، هیچ برکت و حیاتی ندارد؛ از نظر ماهیتی مثل بیابان می‌ماند و از نظر زمانی مثل زمستان؛ بنابراین باید برکت و حیات به آن بیاید. مثل آب که زوی زمین نیست، یا از آسمان می‌بارد و یا از زیر زمین بالا می‌آید. به‌خاطر همین وقتی روبروی مسجد جامع ایستادید، باید این تصور را داشته باشید که الان ما در یک طبقه از طبقات کیهانی ایستادیم، یعنی اصلاً ما در یونیورس زندگی نمی‌کنیم؛ زیر پا و بالای سر ما یک کیهان دیگری است. زیر پایمان دوزخ (نه به معنای جهنمی که ما می‌فهمیم) به معنای جهان موجودات تاریک و بالای سرمان، بهشت، جهان موجودات روشن است.

برای این که حیات در این طبقه کیهانی که در آن زیست می‌کنیم تداوم داشته باشد، به ارتباط با طبقات بالا و پایین نیاز دارد؛ چون برکت را از آنجا می‌گیرد. این ارتباط دقیقاً ارتباط به‌وسیله یک وجود مادی و ملموس و در یک‌سری نقاط خاصی است. دقیقاً مثل یک ساختمان که ارتباط ما بین طبقات مختلف فقط از یک‌سری نقاط خاص مثل پلکان و آسانسور است و در بقیه نقاط ارتباطی بین طبقات وجود ندارد، ارتباط بین طبقات کیهانی نیز فقط از طریق نقاط خاصی است که ما به آن می‌گوییم محور و آن‌ها مرکز کیهان دانسته می‌شود. در واقع این مسجد جامع، محل اتصال کیهان ما است به سایر طبقات کیهانی و تمام برکتی که ما داریم در این شهر به‌واسطه آن برکت زندگی می‌کنیم، یعنی آن گوهر زندگی، از طریق این بنا وارد سطح کیهانی ما می‌شود، برای همین ما بازار را حول آن داریم، چون آن چیزی که در بازار کسب می‌شود، برکت است و مشتری فقط یک عامل است؛ آن پولی که به شما می‌دهد، باید برکت داشته باشد تا در زندگی شما کار کند. برکت از جهان دیگری به ما می‌رسد و حول این مکان سرشار از برکت است.

ضرورت ارتباط با کیهان زیرین

ارتباط ما با طبقه کیهانی زیرین خیلی ضروری است، به‌خاطر این که آنجا منبع برکت است. علی‌رغم این که موجودات خطرناکی آنجا هستند، ولی ما نمی‌توانیم ارتباطمان را با آن قطع کنیم، چون یکی از منابع مهم برکت است، مثل این که بخش قابل‌توجهی از آب را ما از زیر زمین می‌آوریم و همه آن‌ها از آسمان نمی‌بارد؛ بنابراین ما ناگزیریم ارتباطمان را با کیهان زیرین نگه داریم و این‌ها نقاط مقدس هستند.

تمام غارهای مقدس، چاه‌های مقدس، آب‌ها و چشمه‌های مقدسی که داریم، همه دروازه کیهان زیرین است و هیچ‌کدام این‌ها ربطی به کیهان بالا ندارد. هر کجایی که آب هست، یک ظرفیتی دارد برای این که به یک دروازه و پرتال به کیهان زیرین تبدیل شود و هر کجا که یک عنصری هست که پای آن روی زمین است و سرش در آسمان، مثل درخت، مثل کوه، همه این‌ها می‌توانند نقش آن محور ارتباطی با کیهان بالا را ایفا کنند.

عمده خاطراتی که نقل می‌شود از مواجهه با مثلاً موجوداتی مثل جن، در حمام‌های قدیمی یا در

بیابان است. یک باوری وجود دارد که آل، جنی است که جگر زائو را می‌دزدد. تا وقتی که این آل نرسیده به آب، اگر بتوانید جگر را از او پس بگیرید، زائو زنده می‌ماند، ولی به محض این که به یک جایی که آب هست برسد، می‌رود به کیهان زیرین. باید برسد به آن دروازه که آب هست

فرم اهورایی، فرم اهریمنی

تصور نیاکان ما از کیهان زیرین، دقیقاً وارونه کیهان بالاست، یعنی تصویری که در آب حوض ورودی مسجد جامع می‌افتد، وارونه همین تصویر سردر مسجد جامع است. در واقع در اندیشه ایرانی دو واقعیت وجود دارد، یکی واقعیت مستقیم و یکی واقعیت وارونه. دروغ، واقعیت وارونه است. وارونگی را در جاهای دیگر هم می‌بینید؛ مثلاً صلیب نشانه مسیح و صلیب برعکس نشانه شیطان پرستی است. یعنی هر فرم اهورایی وقتی وارونه می‌شود، می‌شود فرم اهریمنی.

این تصویر وارونه‌ای که در آب می‌بینید، دقیقاً کیهان زیرین است، در عین این که نما را به صورت کامل داریم. در زیر مسجد جامع قناتی است و این قنات اصلاً مسیرش دور زده و از زیر مسجد جامع رد می‌شود. این که چرا دور زده، مشخص نیست، یعنی هیچ منطقی برای این نیست، چون واقعاً قنات کردن کار سختی بوده و شما یک مسیری را اضافه کنید و دور بزنید، کار عبثی است. مشخص نیست قنات از اینجا عبور کرده و مسجد جامع روی قنات ساخته شده یا این که مسجد جامع بوده و قنات دور زده و از زیر مسجد جامع رد شده، در هر صورت آنچه اهمیت دارد این است که دقیقاً سه طبقه کیهانی در این نقطه به هم متصل شده‌اند و این نقطه یک نقش حیاتی‌ای در کیهان ما ایفا می‌کند.

عناصر مراقبتی؛ هفت گنبد

مسجد و هر بنای مقدسی جزو طبقه کیهانی ما محسوب نمی‌شود؛ یک تکه‌ای از کیهان دیگر است که در کیهان ما قرار گرفته است. برای همین باید به شدت مراقبت شود. این نقطه اتصال نیاز به مراقبت زیادی دارد. در عین این که ضروری است، خطرناک هم هست. در محوطه جلوی مسجد جامع می‌توان عناصر مراقبتی زیادی را دید. زمانی که به سمت در مسجد حرکت می‌کنید، هفت تویزه در سمت چپ و هفت تا در سمت راست می‌بینید که فرم گنبدی دارد، هفت گنبد می‌شود هفت فلک. بهشت بر فراز افلاک هفت گانه است، یعنی ما هفت فلک داریم.

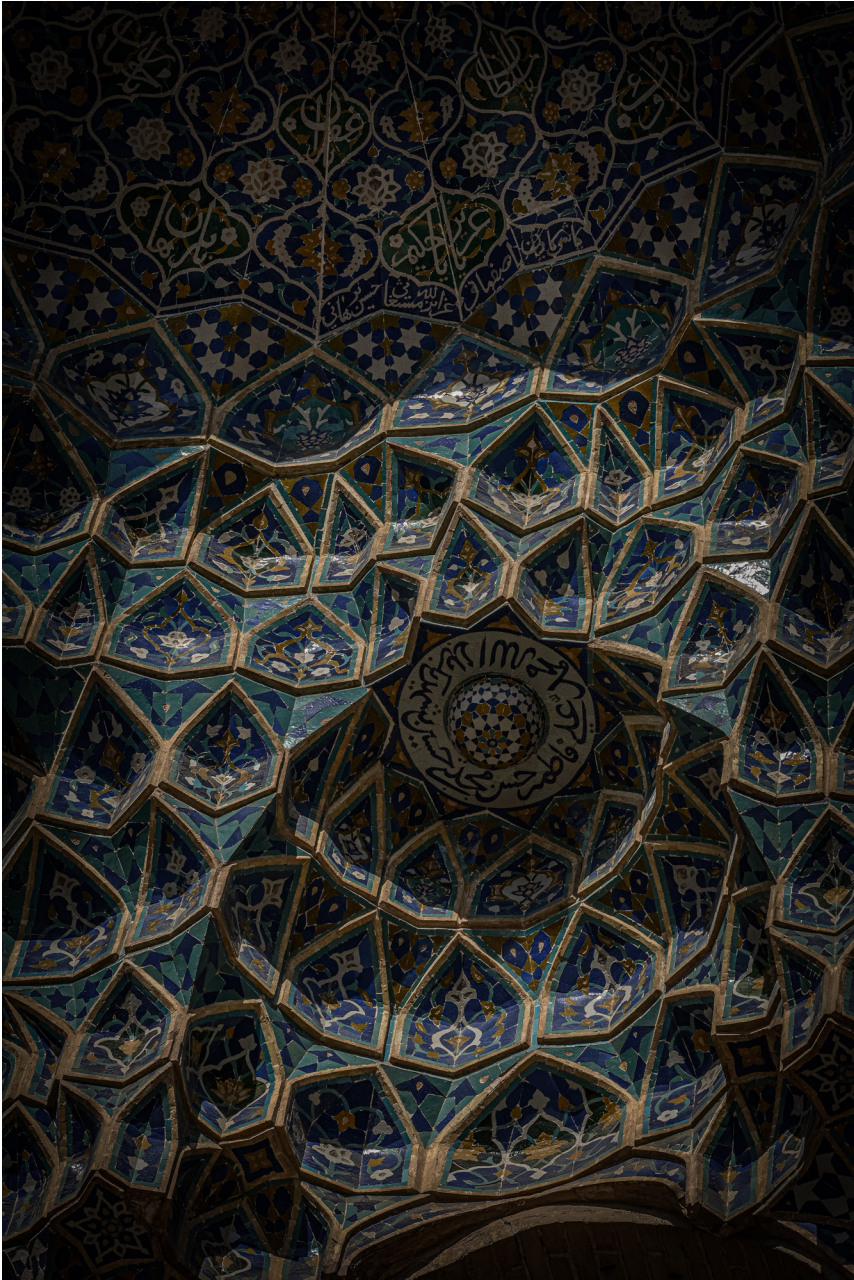
یکی از دلایلی که نیروهای تاریک نمی‌توانند به بهشت برسند، وجود همین ساختار هفت‌فلک است. ما از همین الگو استفاده می‌کنیم تا مانع ورود موجودات شریر به مسجد جامع شویم.

آبی‌های دلربا

دومین نکته مراقبتی، حجم رنگ آبی مسجد جامع است. هیچ چیزی به اندازه رنگ آبی نیروی تاریک را نمی‌راند. نمونه آن رنگ آبی آسمان است. در روز، نیروهای تاریک اصلاً نمی‌توانند به آسمان بروند، دقیقاً به خاطر این که آسمان آبی است، ولی در شب که آسمان آبی نیست، می‌توانند به آسمان بروند. برای همین ما شهاب‌ها را داریم، شهاب‌ها آن شیاطینی که در شب می‌خواهند به سمت آسمان بروند را می‌زنند. به همین دلیل ورودی‌های خانه و اتاق‌ها و حوض را رنگ آبی می‌زنیم که موجودات شریر نتوانند وارد خانه‌مان شوند، برای مراقبت از خودمان، از عناصر آبی مثل سنگ فیروزه استفاده می‌کنیم. در اندیشه ایرانی رنگ آبی بسیار رنگ مراقبت‌کننده‌ای است به همین دلیل در بناهای مقدس‌مان حجم رنگ آبی را داریم.

ابزار کیهان اسطوره

در کیهان اسطوره چند ابزار مهم داریم. کلمه، عدد و فرم. این‌ها کاملاً دارای کیفیت هستند، یعنی چیزی به اسم تزئین محض نداریم. هیچ فرمی تزئینی نیست. درست است که زیبا است، ولی ماهیت صرف دکوراتیو ندارد. فرم‌ها همه کاری انجام می‌دهند. دوم این که اعداد هم همگی دارای کیفیت هستند؛ یعنی این که مثلاً هر چیزی بشود دو تا، یک کیفیتی پیدا می‌کند. حالا دو تا سنگ باشد، دو تا آدم باشد، دو تا کتاب باشد. این کیفیت برای عدد دو است. بشود سه، کیفیت دیگری پیدا می‌کند که برای عدد سه است. در نهایت کلام؛ کلمات هم کاملاً دارای کیفیت هستند. کلمات آن گونه که ما می‌فهمیم که صرفاً یک دال، نشانه و یک قرارداد هستند، نیست، کلمه عین مسما و عین مفهوم خودش را با خودش به همراه دارد. به همین علت ما به واسطه این سه عنصر می‌توانیم در فضايمان تأثیر بگذاریم و کیفیتی را که می‌خواهیم، خلق کنیم. به همین دلیل تعداد نقوش و نوع کلمات و آیاتی که روی کاشی‌کاری‌های مسجد جامع وجود دارد، مهم است.



◀ عکاس: علی محبوبی مولایی

تصویر بهشت

در کاشی‌کاری‌های کناره ورودی مسجد جامع فرمی از طبقات را می‌بینیم که هفت تا است، یعنی هفت قاب داریم و بعد به آسمان متصل می‌شویم. هفت عدد تمامیت است و تکرار هفت تصویری است از هفت‌فلک. تصویری که در بنای مقدس می‌بینید، تصویر بهشت است، یعنی تصویری است که آن گروه اجتماعی از بهشت دارد. تصویری که ما در اسلام ایرانی از بهشت داریم که در مساجد دیده می‌شود، تصور بسیار زیبایی است. این تصویر از عصر سامانی با تزئینات آجرکاری و در ایران آغاز شده است.

در قرون ابتدایی تنها المان ثابتی که در مسجد داریم، فقط جهت‌گیری‌اش است، یعنی بنایی که روبه‌قبله است و هیچ عنصر خاصی ندارد؛ بنابراین تصویری که ایرانیان از بهشت دارند به قصه اضافه شده، البته با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که در اندیشه اسلامی وجود دارد، مثلاً صورت خیلی در آن نیست. تصویری که ما از بهشت داریم، تصویر صورت‌مندی است اما تنها صورتی که در تزئینات مسجد کجاست، فرم‌های گیاهی است. اندیشه‌های ایرانی را که نگاه می‌کنید، یکی از این نموده‌های مهم برکت، گیاه است، یعنی حیات گیاهی. گیاه را در فرم اسلیمی توانستیم وارد قصه کنیم. در افسانه‌ها کیهان ما بیابان است و زمستان، یعنی اصلاً گیاه متعلق به کیهان ما نیست، گیاه آن زندگی‌ای است که از کیهان دیگری آورده می‌شود که بهار گونه است.

اتفاق تأسف‌باری که در دوره صفوی می‌افتد، این است که محورمان را عوض می‌کنیم، یعنی مسجد به حاشیه می‌رود، حسینی می‌آید در مرکز، مثل امیرچخماق. تصویری که ما از کیهان بالا داریم در تشیع به این شکل است که کروبیان دارند گریه و زاری می‌کنند و یک فضای غم‌انگیزی است، چیزی که اصلاً بی‌معنی است. یعنی اصلاً قصه بهشت قرار بوده این باشد که غم به آن ورود نکند و این که کروبیان دارند در سر می‌زنند، یک تصویر مطلقاً بی‌معنی است. در آن خوانش کیهان سنت، این یک تحریف خیلی استثنایی در قضیه است. با این تصویر شما یک‌دفعه می‌بینید که بنای مقدستان، آن محور، آن تصویری که از بهشت دارید، خیلی محزون می‌شود، سیاه می‌شود و طبیعتاً کیهان ما که تابع آن است، به‌مراتب تاریک‌تر می‌شود.

هر گروه اجتماعی، متافیزیک خودش را دارد

دو گروه اجتماعی را در نظر بگیرید؛ مثلاً شما مسلمان هستید، دیگری زرتشتی. او محورش چیست؟ آتش بهرام (ورهرام). شما آتش بهرام او را خاموش می‌کنید و آتشکده‌اش را تبدیل می‌کنید به مسجد. این که شما در ایران مساجد زیادی را می‌بینید که پیشینه آتشکده دارند، دقیقاً به همین خاطر است، به خاطر این که ارتباط آن‌ها را با متافیزیک خودشان قطع می‌کند و کیهان آن‌ها را به یک متافیزیک جدیدی وصل می‌کنند که متافیزیک اسلامی است. بنای آتشکده را نگاه کنید، اصلاً بنای مناسبی برای تبدیل شدن به مسجد نیست، چون مسجد یک بنای عبادی صرف نیست، یک بنای اجتماعی است، یعنی محل تجمع مسلمین است و اذان، اعلام جمع شدن است. برای همین اذان بی‌موقع، نگران‌کننده است. وقتی ساعت نماز است به مسلمین اعلام می‌شود که در مسجد جمع شوید، نگران‌کننده نیست، ولی غیر از آن نمی‌دانید که برای چه دارند می‌گویند که جمع شوید. آتشکده این ویژگی را ندارد، یعنی اصلاً محل تجمع نیست، لذا معماری آتشکده برای کاربرد مسجد مناسب نیست.

تبدیل آتشکده به مسجد برای این است که آن محور که به یک متافیزیکی وصل می‌شود، از بین برود و این گروه اجتماعی ارتباطشان با آن منبع نیرو و برکتشان قطع شود و ناگزیر شوند که زیر محور شما قرار بگیرند. اما یک زمانی مثل دوره صفوی، آن گروه دیگری هم مسلمان اما اهل سنت است. پس نمی‌توان محور او را خراب کرد. زیر آن محور هم نمی‌توان قرار گرفت، باید یک محور جدید بنا کرد و یک علم جدید برافراشت و زیر آن جمع شد. اینجا تکیه می‌آید و مسجد می‌رود کنار.

احادیث جعلی بسیاری ساخته می‌شود که مشهد را جایگزین مکه می‌کند، یعنی مکه را شما نمی‌توانید نفی کنید، ولی می‌توانی بگویی حدیث داریم که هر کسی پسر من را در مشهد زیارت کند، مثلاً ثواب دو هزار تا حج به او می‌دهند. در محله‌ها هم حسینیه جانشین مسجد شده و هویت جمعی به حسینیه برمی‌گردد، نه به مسجد. این‌گونه محور را جابه‌جا و گروه اجتماعی خودمان را درست می‌کنیم، ولی محور جدید، برخلاف مسجد، یک محور سیاه، محزون و ماتم‌زده‌ای است.

میانجی‌گری هشت‌ضلعی‌ها

به این نکته توجه کنید زمین چهارضلعی است، آسمان گرد و دایره‌ای است. حداقل بین مربع و دایره هشت‌ضلعی است. یعنی شما وقتی می‌خواهید گنبد را بگذارید روی چهاردیواری، باید اول با گوشه‌بندی، چهارضلعی را تبدیل کنید به هشت‌ضلعی. این هشت‌ضلعی بعداً به چلیپا تبدیل می‌شود. این هشت‌ضلعی‌ها را می‌توان در شکل حوض مسجد جامع، سقف ورودی و... دید.

در فرهنگ ما هشت‌ضلعی و چلیپا نقش میانجی‌گری دارند. اصلاً این فرم متعلق است به ایزد مهر، گردونه مهر است که نقش میانجی‌گری دارد. دو تا فضای نامتجانس را وقتی کنار هم بگذارید، قطعاً در این مرز تنش خواهید داشت، مثل همسایگی بهشت و دوزخ. هر دو فضای متجانس مثل بیرون و درون. شما یک حداقل، یک میانجی این وسط می‌گذارید که این دو به هم برخورد نکنند و آن تنش اتفاق نیفتد. هشت‌ضلعی‌ها این نقش را ایفا می‌کنند.

مثل هشتی در معماری سنتی که در واقع میانجی بین فضای درون و فضای بیرون است، برای این که دو فضا کاملاً نامتجانس است و دو فضای نامتجانس را نباید مجاور کنید، باید یک میانجی باشد، پس این هشت خیلی مراقبت‌کننده است. مراقبت‌کننده‌ترین فرمی که ما داریم، هشت‌ضلعی است، حوض را ما هشت‌ضلعی می‌سازیم، فرم هشت‌ضلعی را در ورودی می‌بینیم، بعد از در که رد شویم، هشتی را می‌بینیم. یکی از فرم‌های بسیار مراقبت‌کننده ما، هشت‌ضلعی است و هر چیزی که هشت در آن دارد.

قصه گشایش

اشعار کاشی‌کاری‌های ورودی نیز اگرچه اشعار متأخری است، ولی مبتنی بر همان تصور کهن است، همه این‌ها مبتنی بر این است که اینها جزو کیهان ما نیست، یعنی محتوای اشعار این است که شما دارید وارد بهشت و وارد جهان قدس می‌شوید آن نوشته «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» نیز بیانگر همین موضوع است. این عبارت به کسانی که دارند وارد بهشت می‌شوند، گفته می‌شود؛ بنابراین عملاً زمانی که از در مسجد جامع رد می‌شویم، داریم وارد بهشت می‌شویم. به‌خاطر همین باید پاک باشیم، باید آیین‌های اذن دخول را رعایت کنیم.

آیات و احادیث دیگری که اینجا هست، از جمله این دو آیه «انا فتحنا لک فتحا مبینا» و «نصر من الله و فتح قریب»؛ بسیار در ابنیه تکرار می‌شود، به خاطر این که اصل قصه، گشایش برکت است که این در به روی ما باز شود و این برکت به کیهان ما جریان پیدا کند. تمام مشکلات ما به خاطر «بستگی» است، در اصطلاح به آن می‌گوییم طلسم. چیزی جریان برکت را بند می‌کند و گشایش این است که این گره باز شود و برکت جریان یابد.

این جا سطح کیهانی ما است، در محل مسجد جامع شکستی در سطح ایجاد می‌شود و ارتباط، عمودی می‌شود. این نقطه‌ای است که در سطح کیهانی ما شکست ایجاد و ارتباط را عمودی می‌کند. این جا در مجاورت بهشت و دوزخ نقطه تلاقی سه طبقه کیهانی است که برکت به سطح کیهانی ما جریان می‌یابد؛ ما هم برای حل مشکلاتمان همیشه می‌آییم پای محور.

هر مشکلی که ما داریم، در واقع به نوعی کمبود برکت است. مثلاً بیماری، کمبود برکت است؛ غم، کمبود برکت است؛ هر چیز خیری، نمودی از برکت است. برای همین شما هر مشکلی دارید، می‌آیید این جا، پای محور و صبر می‌کنید تا آن برکت به شما برسد و عملاً مشکلاتان حل می‌شود، فقط همان طور که ما همیشه در این پای محور نیستیم، موجودات کیهان بالا هم همیشه سرمحور ننشسته‌اند. باید آن لحظه تلاقی اتفاق بیفتد و آن لحظه نباید خواب باشیم.

شمسه و ستاره پنج پر

فرم شمس در میان قرار دارد و منبع نور است، یعنی ما داریم به کیهان و نور متصل می‌شویم. در کیهان اسلامی، شخصیت‌هایی مثل حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع) یا پنج تن آل عبا جایگزین این شمس می‌شوند، یعنی آن منبع اصلی خیر و نور، این شخصیت‌ها می‌شوند، قبلاً خورشید این نقش را ایفا می‌کرده، جای آن در مرکز است، یعنی از نظر ساختاری تغییری نکرده است. زمانی که از در عبور کرده و وارد مسجد جامع می‌شوید، می‌بینید، انگار از بیابان وارد گلستان می‌شوید، یعنی از یک طبقه کیهانی وارد طبقه دیگری می‌شویم.

یکی از فرم‌های جذابی که روی در مسجد جامع داریم، ستاره پنج پر و پنج ضلع است. در واقع ستاره پنج پر و نقش معکوس آن است. این دو تا فرم وارونه، یکی فرم روشن و دیگری فرم

تاریک است. ستاره پنج پر و عدد پنج متعلق است به ایزد آناهیتا که ایزدبانویی برکت‌بخش و نیرومند است.

آناهیتا از معدود ایزدان ما است که هم توسط مزدیسنان و هم توسط دیویسنان ستایش می‌شود، یعنی آب هم با نور ارتباط دارد، هم با تاریکی. این که وقتی آب زمین می‌ریزد می‌گوییم آب روشنی است، برای این که آن روی تاریکش فراخوانده نشود. در واقع آن روی روشنش را فرامی‌خوانیم. در ورودی مسجد جامع ستاره پنج پر و ستاره هشت پر ترکیب می‌شود، و همچنین دوازده ضلعی را داریم، این فرم کیهان کامل است. دایره را در نظر بگیرید، ۱۲ تا ۳۰ درجه؛ ۳۶۰ درجه است، یعنی ۱۲ برج که کل کیهان است. این تصویری است که ما از کل کیهان داریم با مرکز خورشیدواری که دارد بسط پیدا می‌کند و نور پخش می‌شود.

هشتمین «در» مسجد جامع

بهشت هشت در دارد و دوزخ هفت در. مسجد جامع یزد هم هفت در دارد، ولی در واقع اصل قصه این است که مسجد جامع هشت در دارد، هفت در در طبقه کیهانی ما دارد و هشتمین در آن هم محراب است. محراب دری به کیهان بالاست. در افسانه‌ها شهرهایی که قهرمان در آن زیست می‌کند، هفت در دارد که مردم از آن رفت‌وآمد می‌کنند و یک در دارد که کسی از آنجا رفت‌وآمد نمی‌کند، در هشتم دری است که به کیهان دیگری باز می‌شود.

اینجاست بهشت

در کاشی‌کاری‌های سقف مسجد جامع اسامی خداوند نقش بسته. می‌گویند هر که این ۹۹ اسم خداوند را بخواند، وارد بهشت می‌شود. این که وارد بهشت می‌شود، به این معنا نیست که وقتی مُرد، وارد بهشت می‌شود، یعنی هر جایی که اسماء‌الله هست، بهشت است. ما چون بهشت را یک چیزی در آینده می‌بینیم، همه این‌ها را موکول می‌کنیم به آینده، درحالی که در این ساختار کیهانی اصلاً این شکلی نیست. درست مانند زمانی که می‌گوییم بهشت زیر پای مادران است، نه این که مادران به بهشت می‌روند، یعنی هر جایی که مادر هست، آنجا بهشت است. اینجا هم دقیقاً همین است، یعنی از نمادهایی که الان وارد بهشت شدیم، وجود این ۹۹ تا اسم است که نمی‌شود آن را خواند، ولی روی طاق وجود دارد.

روی دیوار هم آیه معراج پیامبر نقش بسته است. هیچ کدام این‌ها تصادفی نیست، همه المان‌هایی که اینجا می‌بینید، همگی نقل‌گذار از این طبقه کیهانی به بهشت است. این المان و نشان‌ها یعنی مسجد جامع به تکه‌ای از کیهان بالا تبدیل می‌شود.

گردونه مهر

نشان صلیب شکسته یا گردونه مهر در چهار طرف گنبد مسجد جامع گذاشته شده است. این‌ها ابزار انتقال است. وقتی مهر می‌آید به زمین و قربانی‌اش و برکت‌زایی‌اش انجام می‌شود، سوار بر گردانه می‌شود و به آسمان می‌رود، سوار بر این فرم می‌شود. این فرم انتقال‌دهنده است. چون از این مکان قرار است عناصری منتقل شود، یعنی کلام شما منتقل شود به آسمان و چیزهایی از آسمان بیاید پایین، این فرم اتصال این طبقه کیهانی است و آن مثل ماشین انتقالی است، اربه‌ای است که این‌ها را می‌برد.

خداوند بهترین روزی رسان است

آیاتی که اطراف محراب نوشته شده همه حول یک موضوع است اینکه روزی رسان خداست. اینکه خرید و فروش و تجارت را کنار بگذارید و به مسجد بیایید این برای شما بهتر است. اصل قصه برکت شما، اینجاست.

ارتباط دین با روزی همان قصه برکت‌خواهی است. یعنی تصویری که ما از دین داریم، در جهان اصیل خودش، غیر از این جهان متأخر، قصه برکت‌خواهی است. حتی آیین‌های محرم را نگاه کنید. حول همه آیین‌هایی که برگزار می‌کنیم، اصل قصه آن برکت و شفایی است که می‌گیریم و آن گرهی است که باز می‌شود.

روزی معنای وسیعی دارد. گرسنگی یعنی نقص، یعنی یک چیزی در من خالی است، یک جایی، یک فضای خالی وجود دارد. سیری یعنی کمال، یعنی آن جایی که شما پر و کامل هستید و احساس کمبود، نقص و ضعف نمی‌کنید. خداوندی که صمد است، سیر مطلق است، یعنی توپُر است، یعنی هیچ جای عجیب و هیچ نقطه خالی‌ای ندارد که نیازمند باشد؛ بنابراین وقتی ما راجع به مفهوم برکت صحبت می‌کنیم، داریم راجع به مفهوم عجیبی صحبت می‌کنیم و

تصویری که از دین داریم، یک چنین تصویری است، یعنی کارکرد اصلی‌اش این است که قرار است کیهان ما را بهشتی‌تر کند، یعنی حالمان بهتر باشد، روزی بیشتری داشته باشیم، سیرتر باشیم، شادتر باشیم.

اهلیت

در معماری با دو وجه روبرو هستیم؛ یکی این که شما بدانید چرا بدین شکل می‌سازید، یکی این که طبق یک سنت معماری، بدانید باید این گونه بسازید. سازندگان مسجد جامع این که بدانند باید این طوری بسازند را قطعاً می‌دانستند.

در این کیهان کهن، معماری خیلی مهم است. این محوطه مربع شکل مسجد را در نظر بگیرید، در جایی حدود ۱۷ متر، شاید تنها دو سانت اختلاف داشته باشد، مهندسین امروز با هر دستگاهی نمی‌توانند با چنین دقتی این فضا را در بیاورند. درحالی که معمار قدیمی با نخ و با چه وسواسی این قدر دقیق آن را ساخته. این که او سعی کرده دقیقاً مربع در بیاورد، یعنی معمار می‌دانسته که برای اینکه این بنا بشود مسجد جامع و آن نقش خاص خودش را ایفا کند، کف آن باید دقیقاً مربع باشد و سقف آن باید دایره باشد که کیهان بالاست و این محل تلاقی این دو کیهان است.

در تاریخ قدیم یزد، بناهایی که در مسجد جامع کار می‌کردند، همه‌شان عنوان مولانا دارند، مولانا یک عنوان طریقتی است. به گفته دکتر اولیا «معماری اهلیت می‌خواهد»، یعنی باید یک نفر اهلیت داشته باشد که به او آموزش دهید و چیزی که اهلیت می‌خواهد، معمولاً رازی است، سِرّی دارد و امکان سوءاستفاده از آن وجود ندارد. یعنی شما باید اول اهلیت طرف را بسنجید و بعد اگر اهلیت او ثابت شد، به او دانش را یاد دهید.



گزارشی از نخستین مقالات درباره مسجد جامع یزد، ۱۳۵۷-۱۳۲۴

یادی از دختران فرامرز در تختگاه کویر

پیام شمس‌الدینی

گذشته از چند متن و کتاب تاریخی همچون جامع‌الخیرات (وقف‌نامه سید رکن‌الدین، به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۰)، تذکره جلالی (تألیف عبدالغفور طاهری، به کوشش ایرج افشار، ۱۳۴۰) و «وقف‌نامه امیرچقماق» (به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۶) که اطلاعات تاریخی درخوری را از نخستین روزگار بنیان مسجد جامع یزد تا واپسین ایام حکومت قاجار بر ایران در خود جای داده‌اند؛ و صرف‌نظر از چند تاریخ محلی (تاریخ یزد، تألیف جعفری، تاریخ جدید یزد، جامع مفیدی و جامع جعفری)، حجم وسیعی از اطلاعات و مشاهدات درباره مسجد جامع یزد را باید در میان مقالات و یادداشت‌های مطبوعاتی سراغ گرفت. آنچه به دنبال می‌آید، گزارشی است مختصر از نخستین مقالات درباره مسجد جامع کبیر یزد که به امید نگارش کتابنامه‌ای منقح و علمی و توصیفی برای یزد و دیگر موضوعات فرهنگی و تاریخی آن پدید آمده است.

عبدالحسین آیتی یزدی (۱۲۵۰-۱۳۳۱ ش) یکی از نخستین نویسندگان یزدی است که در تاریخ مطبوعات ایران دست‌به‌قلم بُرد و یزد، مسجد جامع و بنیان‌گذاران آن را معرفی کرد. او در دو مقاله با عنوان «سید رکن‌الدین یزدی» (۱۳۲۴) و بخش سیزدهم از «یک‌صد و ده حکایت»

(۱۳۲۵) با عنوان «دختران فرامرز» به گوشه‌هایی از تاریخ بنیان مسجد جامع یزد اشاره کرد. در بخشی از «حکایت سیزدهم...» به تداوم رونق مسجد جامع در قالب مرمت و تعمیرات اساسی نیز اشاره شده است: «این روزها [= زمستان ۱۳۲۵] به همت رؤسای فرهنگ یزد، [ب] -ویژه آقایان [...] قاسمی و دکتر [...] شریف به تعمیرات مسجد [جامع] دست یازیده و از بودجه اوقاف یزد کارهای نیک انجام می‌شود».

آیتی این‌گونه مطالب خود را در نشریه آیین اسلام منتشر می‌کرد. آیین اسلام نشریه‌ای بود مذهبی - سیاسی که انتشار آن از دهه ۱۳۲۰ آغاز شد. نصرت‌الله نوریانی مدیر و مهدی سراج انصاری حامی و ناظر علمی این نشریه بودند. گرایش اصلی این نشریه هم دفاع از تشیع و انتقاد از سیاست‌های فرهنگی دوران رضاشاه بود. البته پیش از نوشته آیتی در مقاله «مساجد قدیمی ایران» (۱۳۱۴)، نوشته آندره گدار (André Godard) نیز معرفی کوتاهی از مسجد جامع یزد چاپ شده بود.

علی جندقی یزدی (؟)، نویسنده‌ای ناشناس از اقلیم یزد، یکی دیگر از نخستین معرفی‌های فراگیر و مبسوط درباره این مسجد را با عنوان «جامع یزد» در مجله یغما نوشته است. در این مقاله هم به اختصار از مشخصات معماری یاد شده و هم طی گزارشی تاریخی، اجزاء مختلف آن که به‌مرور زمان پدیدآمده، به خواننده معرفی شده است؛ در نهایت نیز اطلاعاتی از مرمت‌های اخیر مسجد جامع درج شده که این روزها (مرداد ۱۴۰۳) برای ما خوانندگان به نوعی روایتی تاریخی به شمار می‌آید:

«هزینه تعمیر کلی مسجد به‌طوری که کارشناسان برآورد نموده‌اند، علاوه بر آنچه به مصرف رسیده، در حدود چهار میلیون ریال می‌باشد. معماری مسجد به دستور و عمل استاد حسینعلی محمودی مهریزی، کارشناس اداره فرهنگ انجام گرفته و او جوانی باهوش و در فن خود صاحب‌ذوق و نظر صائب است؛ چنان که در نصب کاشی منارها بدون منجیق به‌وسیله پالکی در عین اینکه کاری خطرناک بود، اقدام کرد و به‌طور کلی در قسمت‌های مهم این ساختمان با سلیقه مخصوصی که دارد از هیچ‌گونه کوشش فروگذار ننموده است. باین‌همه مهندسين و کارشناسان فنی موردنیاز می‌باشند. شرح تعمیرات و اقدامات دوساله هیئت [هیئت حامیان مسجد جامع کبیر یزد؟] و وجوهی که خیرمندان پرداخته‌اند، مبسوطاً در کتابی جداگانه انتشار

خواهد یافت و آقای علی محمد وزیری این خدمت را بر عهده گرفته‌اند.»

یغما خود مجله‌ای ادبی و تاریخی و تحقیقی بود که در بازه زمانی فروردین ۱۳۲۷ - اسفند ۱۳۵۷ به صورت ماهانه به مدیریت حبیب یغمایی (۱۲۸۰ - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳) منتشر می‌شد. از یغما طی ۳۱ سال جمعاً ۳۶۶ شماره انتشار یافت. نویسندگان و ادیبان برجسته‌ای چون محمدعلی اسلامی ندوشن، مجتبی مینوی، جلال‌الدین همایی، محیط طباطبایی و محمد معین با این مجله همکاری می‌کردند. دوره مجله یغما را یکی از مهم‌ترین منابع ادبی ایران در آن سال‌ها و مجموعه‌ای از آثار بزرگ‌ترین محققان معاصر ایران دانسته‌اند. نام خانوادگی علی جندقی یزدی و محل درج این مطلب ما را به این گمان وا می‌دارد که او را نیز یکی از وابستگان خاندان بزرگ و فرهنگی حبیب یغمایی بدانیم.^۱

استاد فقید ایرج افشار (۱۶ مهر ۱۳۰۴ - ۱۸ اسفند ۱۳۸۹) با اینکه مستغنی از معرفی و یادکرد است و در کارنامه ایران‌پژوهی او به عدد ریگ‌های بیابان نکته و مقاله و یادداشت درج شده است، از اینکه گاه‌وبیگاه به شهر نیاکان خود سفر کند و هر چندی یک‌بار مقالاتی در این زمینه بنگارد، ابایی نداشت و این بخش از کارنامه علمی خود را همیشه بر تارک نوشته‌های خویش یاد می‌کرد. در مقالاتی همچون «چند فرمان مربوط به یزد» (۱۳۴۲)، «بیست شهر و هزار فرسنگ» (۱۳۴۵)، «یادداشت‌هایی از شب‌های زندان اسکندر» (۱۳۴۹)، و «سیمای تاریخی یزد» (۱۳۵۲) گوشه‌هایی از عشق و علاقه پیگیر ایرج افشار به یزد و مسجد جامع آن را می‌توان سراغ گرفت.

افشار در «چند فرمان مربوط به یزد» (۱۳۴۲) از دیوارهای مدخل مسجد جامع کبیر یزد و شش سنگ منقور و یک کتیبه کاشی آن که فرامین سلاطین را در بر دارد، گزارشی مختصر به دست می‌دهد. این فرمان‌ها به شرح زیر است: ۱. کتیبه کاشی، مورخ ۸۶۳؛ ۲. فرمان اوزون حسن، مورخ ۸۷۵؛ ۳. فرمان شاه عباس، مورخ ۱۰۲۲؛ ۴. فرمان شاه صفی، مورخ ۱۰۴۶؛ ۵. فرمان [؟] مورخ ۱۰۴۷؛ ۶. فرمان [؟] مورخ ۱۱۱۵؛ ۷. وقف [؟] مورخ ۱۰۲۱.

۱- در تماس تلفنی نگارنده با استاد سید علی آل‌داود روشن شد هویت نویسنده مورد نظر بر ایشان نیز ناشناخته است و به احتمال قوی نامبرده به گروهی از مردم جندقی یا خاندانی از روحانیون تعلق داشته که سالیانی دراز پیش از آن و بنا به دلایل مذهبی از جندقی به یزد و کرمان کوچیده‌اند.

در مقاله «سیمای تاریخی یزد» (۱۳۵۲) درباره مسجد جامع چنین آمده است: «زیباترین و بنامترین بنای چشمگیر و فخیم شهر یزد مسجد جامع آن است. اصل این مسجد از آن عهد دیالمه بود ولی مسجدی که در آن بر پا بود از میان رفته و برجای آن مسجد کنونی در نیمه اول قرن هشتم هجری به وسیله رکن‌الدین محمد یزدی ایجاد شده است و بعدها افراد مختلف در دوره‌های ایلخانان و تیموریان مرمت‌ها و اضافاتی در آن کرده‌اند. زیبایی و ابهت این بنا به سردر بلند منارهای خوش طرح کاشی‌کاری بسیار خوش‌رنگ و خوش‌طرح، شبستان‌های بزرگ، ایوان و گنبد متناسب، صحن باروح و کتیبه‌های متعدد خوش‌نوشته آن است یکی از ظرائف مسجد در بزرگ و بلند چوبی مثبت‌کاری و آلت‌سازی جانب شرقی است که کار قرن هشتم هجری و از آثار چوبی هنری ایران به شمار می‌رود.» سرانجام تمامی این یادداشت‌ها و مقالات در دوره سه‌جلدی یادگارهای یزد، یکی از نخستین منابع و مراجع یزدشناسی گرد هم آمد.

مرحوم استاد محمدکریم پیرنیا نیز یکی دیگر از چهره‌های پیشتاز شناخت، معرفی، حفظ و حراست میراث تاریخی ایران و بخصوص یزد بود که فارغ از تألیفات ارزنده و بس متعددی که در تاریخ معماری ایران نگاشته، در یکی از مقالات مشهور خود با نام «بیماری بولوار» (۱۳۴۷) نیز خطر گسترش خیابان‌کشی‌های بی‌حساب و بلوارسازی‌های شهرداران نوآیین خود را یادآور شده و از زیبایی‌های یزد و مساجد و خانه‌ها و کوی و برزن آن سخن گفته است. در این سال‌ها توجه به حفظ و حراست از آثار باستانی و تاریخی ایران رو به گسترش داشت و در پژوهش‌هایی مانند «آثار تاریخی: مساجد ایران از ابتدای دوران اسلامی» (۱۳۴۷)، نوشته عیسی بهنام نیز می‌توان نکاتی در توصیف مسجد جامع یزد سراغ گرفت. همین‌گونه است مقاله جمال انصاری با عنوان، «یادداشتی بر شهرستان یزد و آثار بازمانده آن» (۱۳۵۳) که در آن مسجد جامع در کنار بقعه سید رکن‌الدین و مسجد امیرچقماق و درنهایت خود شهر یزد به‌عنوان نمادی از نوزایی فرهنگی ایران معرفی شده است.

گذشته از مقالاتی که هر یک از مورخان، ایران‌شناسان یا پژوهندگان تاریخ هنر و معماری ایران و یزد برای معرفی مسجد جامع کبیر نوشته‌اند، در برخی از گزارش‌های سازمانی و رسمی نیز می‌توان شمه‌ای از تاریخ تحولات و تلاش‌ها برای حفظ و حراست از این مسجد را سراغ گرفت: «برنامه اجمالی کارهای باستان‌شناسی...» (۱۳۲۹)، «حمایت معنوی شاهنشاه آریامهر از آثار

باستانی ایران» (مصطفوی، ۱۳۴۵)، «گزارش اقدامات انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۵» (آق‌اولی و حکمت، ۱۳۴۶)، «گزارش کارهای انجمن آثار ملی در سال ۱۳۵۳ با تأییدات پروردگار تعالی»، (قدس نحعی و حکمت، ۱۳۵۴) و «امور باستان‌شناسی در ایران» (۱۳۵۵) نمونه‌هایی از گزارش‌های منتشرشده در مطبوعات ایران در دوره مورد بررسی ما هستند.

در «برنامه اجمالی...» (۱۳۲۹) آمده که در این سال کاشی‌کاری سردر عظیم مسجد جامع یزد همراه با تعمیرات ضروری بام و سایر قسمت‌های این مسجد در دستور کار قرار گرفته و بخشی از درآمدهای اوقاف صرف تعمیرات سفت‌کاری بقعه دوازده امام، تعمیرات ضروری بقعه سیدرکن‌الدین و اصلاح باقیمانده سردر مسجد زاویه شده است.

سید محمود رستگار که در دو شماره از مجله وحید با عنوان دبیر دبیرستان‌های یزد معرفی شده نیز با نشر مقاله «خاطرات نواب» (نواب، ۱۳۴۵)، شمه‌ای از تجدید حیات فرهنگی مسجد جامع به کوشش مرحوم سید علی‌محمد وزیری یزد را در قالب گزارشی از نشست‌های انجمن ادبی مسجد جامع به یادگار گذاشته است.

واپسین جستار جالب‌توجه درباره مسجد جامع در دوره بررسی ما و درست در مهر و آبان ۱۳۵۷ را پرویز ورجاوند (۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۳ - ۱۹ خرداد ۱۳۸۶)، استاد دانشگاه، باستان‌شناس و از فعالان سیاسی تاریخ معاصر ایران، درباره ضرورت حفظ و نگهداری بافت تاریخی شهر یزد به‌مثابه میراث باستانی این اقلیم با عنوان «تا به افسوس ننشسته‌ایم بافت یزد تخته‌گاه کویر را دریابیم (۱)» نوشته است. خوشبختانه این هشدار خردمندانه و آرزوی خبرگان این فن سرانجام به بار نشست و بافت تاریخی شهر یزد نیز همچون دیگر موارث این سرزمین از تخت جمشید و نقش رستم تا معبد چغازنبیل و میدان نقش جهان در فهرست میراث جهانی یونسکو (World Heritage Sites) به ثبت رسید.

منابع:

آق‌اولی، فرج‌الله، حکمت، علی‌اصغر، «گزارش اقدامات انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۵»، یغما، ۰۲/۰۲/۱۳۴۶، ۲۲۶.

صص ۸-۱.

آیتی، عبدالحسین، «سید رکن‌الدین یزدی»، آئین اسلام، ۲۳ شهریور ۱۳۲۴، ص ۷۷.

- آیتی، عبدالحسین، «یک صد و ده حکایت (حکایت سیزدهم، دختران فرامرز)»، آئین اسلام، ۱۱ دی ۱۳۲۵، ص ۱۴۹.
- افشار، ایرج، «چند فرمان مربوط به یزد»، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۲، ش ۱۱، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- افشار، ایرج، «بیست شهر و هزار فرسنگ»، یغما، ۱۳۴۵، صص ۸۷-۹۴.
- افشار، ایرج، «بیست شهر و هزار فرسنگ»، یغما، ۱۳۴۵، صص ۲۵۵-۲۶۲.
- افشار، ایرج، «یادداشت‌هایی از شب‌های زندان اسکندر»، یغما، ۱۳۴۹، صص ۳۲-۳۶.
- افشار، ایرج، «سیمای تاریخی یزد»، گوهر، فروردین ۱۳۵۲، ش ۳، صص ۲۳۰-۲۳۴.
- «امور باستان‌شناسی در ایران»، بررسی‌های تاریخی، دی ۱۳۵۵، ش ۶۷، صص ۱۷۱-۲۴۰.
- انصاری، جمال، «یادداشتی بر شهرستان یزد و آثار بازمونده آن»، هنر و مردم، اسفند ۱۳۵۳، ش ۱۴۹، صص ۴۰-۴۳.
- «برنامه اجمالی کارهای باستان‌شناسی در سال ۱۳۳۹»، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، شهریور ۱۳۳۹، صص ۴-۸.
- بهنام، عیسی، «آثار تاریخی: مساجد ایران از ابتدای دوران اسلامی»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱۷، آذر و دی ۱۳۴۷، صص ۷۱-۸۶.
- پیرنیا، محمدکریم، «بیماری بولوار»، هنر و مردم، ۱۳۴۷، ش ۶۹، صص ۳۹-۴۳.
- جندقی یزدی، علی، «جامع یزد»، یغما، ۱۳۲۷، ش ۲، صص ۷۸-۸۳.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، «وقف‌نامه امیرچقماق»، معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، آبان ۱۳۴۶، ش ۴، صص ۱۰۶-۱۱۷.
- رکن‌الدین یزدی، «جامع الخیرات (وقف‌نامه سید رکن‌الدین)»، دانش‌پژوه، محمدتقی، افشار، ایرج، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۰، ش ۹، صص ۶۸-۲۲۷.
- طاهری، عبدالغفور، «تذکره جلالی»، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۴، ش ۱۳، صص ۱۰۱-۱۵۴.
- قدس نخعی، حسین، حکمت، علی‌اصغر، «گزارش کارهای انجمن آثار ملی در سال ۱۳۵۳ با تأییدات پروردگار تعالی»، یغما، مرداد ۱۳۵۴، صص ۳۳۴-۳۲۲.
- گدار، آندره، «مساجد قدیمی ایران»، ترجمه محمدتقی مصطفوی، آثار ایران، تهران: ۱۳۱۴، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸؛ ج ۲، صص ۹۸-۱۰۷.
- مصطفوی، سید محمدتقی، «حمایت معنوی شاهنشاه آریامهر از آثار باستانی ایران»، بررسی‌های تاریخی، آبان ۱۳۴۵، صص ۱۳-۲۲.
- نواب، محمدحسین، «خاطرات نواب»، به کوشش سید محمود رستگار، وحید، اسفند ۱۳۵۵، ۱۶۲، صص ۱۰۲۲-۱۰۲۵.
- ورجانود، پرویز، «تا به افسوس ننشسته‌ایم یافت یزد تختگاه کویر را دریابیم (۱)»، هنر و مردم، شهریور ۱۳۵۷، ۱۹۱، صص ۲-۱۷.

“

دختران فرامرز

عبدالحسین آیتی | کتاب یکصد و ده حکایت، حکایت سیزدهم

بعد از وفات علاءالدوله که مسجد جامع مهم یزد از یادگارهای اوست (این روزها به همت رؤسای فرهنگ یزد ویژه آقایان قاسمی و دکتر شریف بتعمیرات مسجد دست یازیده و از بودجه اوقاف یزد کارهای نیک انجام می‌شود) حکومت یزد به یگانه فرزند دانشمند علاءالدوله امیرعلی گرشاسب انتقال یافت و چون امیرعلی در گذشت سلطان سنجر فرمانداری یزد را در اختیار فرزند شجاع و دلیر امیرعلی موسوم به امیر فرامرز گذاشت.

فرامرز باحداث یک آبادی مهم موفق شد که یزدیان آنرا کفلا مرز تلفظ می‌کنند و نام اصلی آن گرد فرامرز بوده پس از انجام این کار مقام خود را اجل و اعلی از حکومت یزد دیده بطمع وزارت یزد را گذاشته بطرف خراسان و خوارزم رو گذاشت.

سلطان سنجر او را دلاور و هنر گستر شناخته بترفیع مقامش پرداخت و او را بناخت و امیر لشکر اول ساخت و صیت دلاوری در همه اقطار ایران منتشر گشت طولی نکشید که ترکان ختا بخطا کاری و طغیان برخاسته از رود جیحون گذشتند و قدم تجاسر پیش گذاشته بملک سنجر اعلان جنگ دادند.

امیر فرامرز و امیر تاج‌الدین با سیاهی انبوه مأمور دفع آن گروه شدند و در صحرای بیکند تلاقی دو سپاه رخ داد و جنگی مهیب در پیوسته بقول مورخین پنجاههزار تلفات آن جنگ بود. امیر فرامرز کشته و امیر تاج‌الدین اسیر شد و اگر چه عاقبت جنگ به پیروزی سنجر منتهی شد؛ ولی خسارت و تلفاتش جبران‌ناپذیر بود و از آن جمله ازدست‌رفتن امیری چون فرامرز برای سنجر بسیار ناگوار افتاد خواست یزد را بفرزندان امیر ببخشد؛ ولی پس از تحقیق دانست که فرامرز از اولاد ذکور بی‌بهره است و چند دختر از او باقی است؛ لذا فرمان داد یزد را بدختران وی ارزانی دارند و اتابکی در کارشان گمارند که رتق‌و‌فتق امور بعهدہ گیرد؛ ولی عایدات یزد در اختیار دختران فرامرز باشد.

اما آنچه قابل‌توجه و در خور ستایش است اینست که دختران فرامرز (شماره‌شان در هیچ تاریخی تصریح نشده ولی قرائن نشان می‌دهد که از سه نفر کمتر و از پنج نفر بیشتر نبوده‌اند) تا پدرشان در حیات بود امیرزاده و نازپرورده بودند؛ اما بعد پدر و رسیدن فرمان حکومت بایشان تارک دنیا شدند و در کمال عفت و پاک‌دامنی زیستند و اولین دستورشان به اتابک این بود که باید عایدات یزد از قیراط و قطیر صرف تعمیر یزد و احداث قنوات و ایجاد ابنیه و صدقات خیریه گردد.

مردی که او را وردان روز می‌گفتند و سلامت نفس و پاک‌دامنی او زبانزد خاص و عام بود به مباشرت امور ایشان مأمور شد و این اتابک وردان روز باحادث قنوات و اسواق مشغول گشت و سالی چند دفعه صورت خرج‌ودخل خود را بدختران تحویل می‌داد و چنان که زبان تاریخ ناطق است دیناری از عایدات و بیت‌المال ملت بدست خود تصرف نکردند.

حتی گذران ایشان از رشتن پشم و نقادی ابریشم بود و آنچه هم از املاک بدر بمیراث برده بودند عایدات آنرا صرف خوراک و پوشاک خود نمی‌گردند؛ بلکه مهمان‌سراییی ترتیب دادند که روزی یک گوسفند در آن طبخ و بفقرا و راهگذران اطعام میشه و در جنب مسجد جامع که یادگار جدشان بود جماعت‌خانه‌ای ساخته و پرده میان آن و ساحت مسجد کشیده، جمعه و جماعت ایشان ترک نمی‌شد.

حتی آرامگاه خود را در جوار آن جماعت‌خانه ساخته آنرا مدفن فامیلی خود قرار داده در آنجا

مدفون شدند و تاکنون جماعت‌خانه دختران نزد قدما و مطلعین معروف و زبانزد مردم است؛ ولی نگارنده از مدفن ایشان بطور حتم آگاه نشده مگر به احتمال و قرائن و ای کاش ما این فرد شعر را عامل بودیم:

إذا كان النساء بمثل هذى / تفضلت النساء على الرجال

و همچنین این شعر فارسی:

مردان اگر بخانه بخود پرده می‌تند / بردار پرده فاش بگو کمتر از زنند

* آیتی، عبدالحسین، «یک‌صد و ده حکایت (حکایت سیزدهم، دختران فرامرز)»، آئین اسلام، ۱۱ دی ۱۳۲۵، ص ۱۴۹.



هفت سند تاریخی درباره مسجد جامع یزد

حمیدرضا امیری | کارشناس ارشد ایران‌شناسی

سال ۱۳۸۴ سرگرم پژوهشی شدم با عنوان «مسجد جامع یزد». مقدمه آن پژوهش ۲۷۱ صفحه‌ای را با این جمله آغاز و با تکرار آن به پایان بردم: «هنوز تمام نشده است». به راستی همین بود؛ چرا که شناسایی تاریخ و فرهنگی هزار ساله بلکه بیش از هزار سال، هزاران صفحه کاغذ می‌طلبد و سال‌ها زمان می‌برد. تاریخ و فرهنگی که هرچه بیشتر با آن اُخت بگیری بیشتر به این نکته پی می‌بری: «هزار باده ناخورده در رگ این تاک است». طی سال‌های گذشته تا به امروز کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی درباره مسجد جامع یزد نوشته شده و هر کدام از زاویه‌ای چشم را روشن ساخته اما قطعاً همه‌ی آن‌چه انجام شده تنها خوشه‌ای از خرمن است. پژوهش‌های در دست به مراتب کمتر از پژوهش‌هایی است که هنوز انجام نشده و تحقیقشان لازم است. مخصوصاً این‌که اسناد و مکتوباتی با موضوع مسجد جامع یزد موجود است که تاکنون بازخوانی و بررسی نشده و در بردارنده‌ی حرف‌های تازه‌ای درباره این شاهکار معماری است. از جمله‌ی آن‌ها اسنادی است که بعضاً نزد خاندان آصف‌پور وزیري نگهداری می‌شود.

روزی از روزهای بهاری سال ۱۴۰۳ جناب مرتضی وزیري که در گردآوری عکس‌های تاریخی یزد همتی دارند، از وجود اسنادی درباره مسجد جامع یزد باخبرم کردند که نزد خاندان آصف‌پور

وزیری نگهداری می‌شود. مشتاقانه به دیدار خانم پری آصف‌پور رفتیم. ساعتی بخشی از آن اوراق را مرور کردیم و گرم صحبت شدیم. اجداد ایشان به گواه این اسناد، سده‌ها وزارت یزد را عهده‌دار بوده‌اند. مجموعه وزیر در جوار مسجد جامع یزد یادگاری از آن‌هاست و چنان که مشهور است نسبشان به جناب سیدرکن‌الدین می‌رسد. بدیهی است که خوانش و بررسی اسناد مزبور، تاریخ یزد را روشن‌تر می‌سازد. خاندانی که طی چندین سده، نقش تأثیرگذاری در عمارت و سیاست یزد داشته‌اند. وزارت یزد را عهده‌دار بوده‌اند و بر موقوفات مسجد جامع یزد نظارت کرده‌اند.

به کمک آقای دکتر وحید ذوالفقاری تعدادی از این اسناد بازخوانی شد. امید آن که تمامی بازخوانی گردد و در مجموعه‌ای به چاپ رسد. آنچه در اینجا منتشر می‌شود هفت برگ از آن اسناد است که قدیمی‌ترینش تاریخ ۱۲۹۷ قمری دارد و جدیدترینش ۱۳۲۷. با موضوع نظارت بر موقوفات مسجد و آب و قنات‌های آن. آب‌ها و قناتی‌هایی که یا در مسجد پایاب دارند یا بر مسجد وقفند. توضیح و توصیفشان به مقاله‌ای دیگر موكول می‌گردد که در حال نگارش و تکمیل است. فی‌الحال به انتشار این هفت سند بسنده می‌گردد.

سند اول:

فدای حضور مبارک شویم عرضه داشت کمترینان و اعیان به خاک‌پای مبارک آن است به‌خصوص تمامی قنات وقف‌آباد شهره که آب مظهر آن در قریه فراشاه فوق قصبه تفت می‌باشد وقف است بر مسجد جامع کبیر دارالعباده یزد تخمیناً در پانصد سال الی صدسال قبل از تحریر از قرارداد واقف و موافق وقف‌نامه مزبوره در بلده و بیوتات و مساجد و حمامات خصوصاً در مسجد مزبور جاری، مردم از آن منتفع. چند سال است سبب به هم رسیده و مردم از آن فیض محروم مانده، از جاهای بسیار عمیق آب بالا آورند و استعمال نمایند؛ بسیار بر مردم صعب و دشوار است.

در مظهر مزبور الی مسجد مرقوم تصرف در میاه مزبوره خلاف شریعت مطهره و باعث سخط و غضب جناب اقدس الهی و خلاف قرارداد واقف است باید کالسابق در بلده و بیوتات و مساجد و حمامات خصوصاً در مسجد مزبور جاری باشد و ممانعت و تصرفش حرام است. مستدعی این

که مخصوص مراتب مزبوره آن چه بر جنابعالی معلوم و محقق می‌باشد در صدر عریضه مرقوم و به خاتم شریف خود مزین فرمایند. اجرکم علی‌الله. تحریراً فی بیستم شهر ذیقعدہ الحرام من شهر سنه ۱۲۹۷

[صدر] بسمه‌تعالی. حکم صادر از جناب مستطاب نور چشم اجل افخم آقا زید بیضاء بر کافه آنام و قاطبه اهل اسلام جاری و نافذ است. فی ۷ شهر صفر سنه ۱۲۹۸. محل خاتم مبارک مرحمت شأن خلد مکان جنت و رضوان آشیان آقا شیخ محمداقبر حجه‌الاسلام نورالله مرقدہ

[صدر] بسم‌الله‌تعالی. بلی. نوشته‌جات علمای اعلام در این باب ملاحظه شد و از خارج تحقیق کامل شده وقف مرقومه به حد شیاع است. حسب الشرع الانور تصرف متصرفین ورثه مرحوم میرزا ولی صدر غفر الله له غصب و عدوان است هر متولی شرعی آن، این عین موقوفه را متصرف شود و به مقتضای قانون وقف معمول دارند و قد التزمت بما حررت فی ۵ ذی‌الحجه سنه ۱۲۹۷. محل خاتم مبارک بندگان حضرت مستطاب شریعت‌مدار اجل افخم آقای آقا شیخ محمدتقی اصفهانی دام برکاته

[صدر] هو. بعد المنطبق علم الطباق لاصله متناً و هامشاً سجلاً و خاتماً حرره. [سجع مهر بیضی] مرتضی‌الحسینی

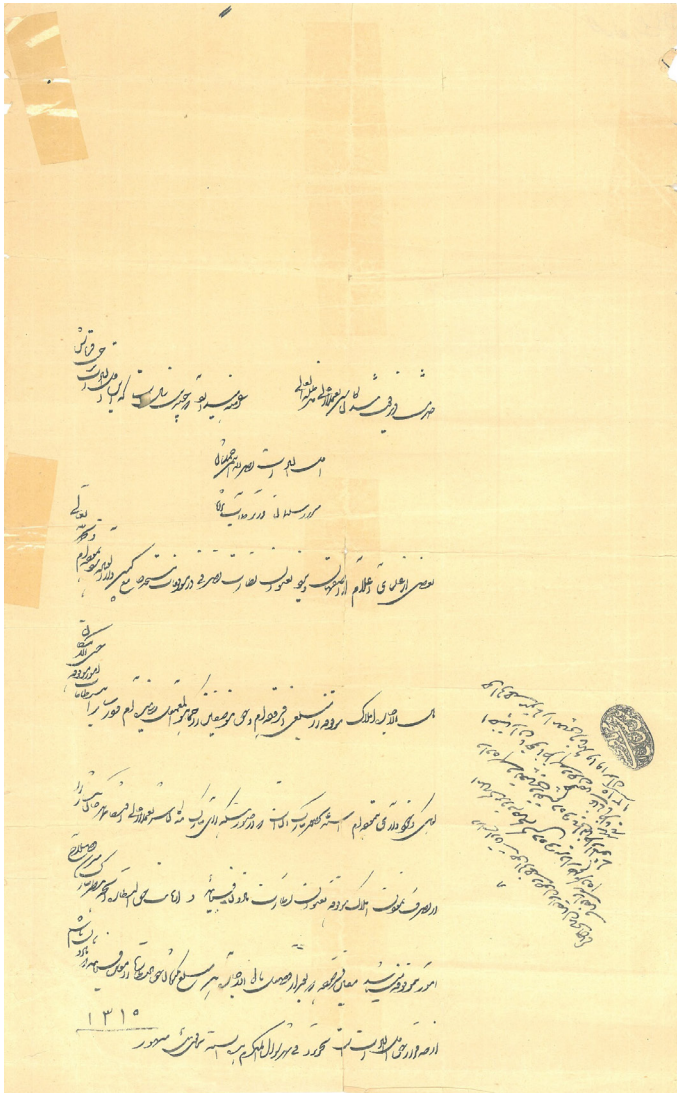
[حاشیه] بلی. قنات مزبوره از موقوفات مرحوم سید رکن‌الدین صاحب‌نقده معروفه است که از پانصد و شصت و چهار سال قبل وقف نموده که در شهر دارالعباده داخل حصار جاری بوده و از مسجد جامع جدید و عتیق گذشته و به مدرسه رکنیه داخل شود و فاضل آب آن را زراعت نمایند و به مصارف معینه در وقفنامه برسانند و میاه مزبوره وقف عام است که اهل داخل حصار عموماً از آن منتفع و حمام و مسجد را به آن آباد دارند و اهل بازار طبخاً و خبزاً استعمال نمایند و دواب را از آن سیراب نمایند و قبل از آن که میاه مزبوره داخل شهر [شود] در جایی استعمال نکنند. هذا ما علمت و العلم عند الله تعالی. حرره محل خاتم مبارک مرحمت‌شأن خلد مکان نواب میرزا محمدصادق رضوی. اعلی‌الله مقامه تعالی.

نظر به این که سنوات عدیده بود که به واسطه سوء تدابیر امور موقوفه مسجد جامع کبیر دارالعباده یزد کمال بی‌نظمی و منتهای اغتشاش را به هم رسانیده بود بنا بر خواهش این اقل مرتبه خادم شریعت مطهره قرار شد که جناب مستطاب مجدت اصلاص آقا میرزا نصرالله وزیر دام مجده رتق و فتق نمایند و آن چه صلاح حال وقف است عمل نمایند. حال مدت چهار سال است که مداخله نموده‌اند به حمد الله تعالی امور موقوفه منظم و منسق است و تمام موضعین مسجد مزبور که حاضرند شاگرد. بنا علی هذا جناب مستطاب معظم سابق الذکر را ناظر موقوفات مسجد مزبور قرار دادم که ان شاء الله تعالی خداوند تعالی را حاضر و ناظر دانسته کما هی به عنوان نظارت رتق و فتق در امور موقوفه نموده کما کان منظم و منسق سازند و همه ساله از عانده یعنی وصولی از منافع موقوفه از قرار تومانی هفتصد و پنجاه دینار رایج خزانه عامره حق الزحمه گماشته جناب ایشان قرار دادیم. گماشته ایشان را مأذون نمودم در اخذ مبلغ مزبور و حضرات مستأجرین و متصدین املاک موقوفه دیناری بدون اذن و اطلاع جناب مستطاب آقا میرزا نصرالله ناظر شرعی موقوفات چیزی به کسی بدهند مگر به صلاح و صورت دید جناب معظم. تحریراً فی شهر رمضان المبارک مطابق بهمن جلالی هذه السنه تخا قوی ٹیل سنه ۱۳۱۰ [سجع مهر بیضی] عبده محمدحسن بن باقر

سند سوم:

[عریضه] اقل السادات نصرالله ابن مرحمت‌شأن میرزا سلیمان وزیر طاب ثراه خدمت ذیرفعت بندگان شریعتمدار عالی مد ظلله العالی عرضه می‌دارد که چند سال است که این اقل السادات بر حسب فرمایش بعضی از علمای اعلام از اصفهان و یزد به عنوان نظارت، تصرفی در موقوفات مسجد جامع کبیر دارالعباده یزد نموده‌ام و بحمد الله تعالی مال الاجاره املاک موقوفه را مبلغی افزوده‌ام و حق موضعین را کما هو المعمول رسانیده‌ام و در سایر انتظامات امور موقوفه حتی الامکان کوتاهی و خودداری ننموده‌ام. استدعا به حضور مبارک آن است که در صورتی که برای مبارک بندگان شریعتمدار عالی اقتضا نماید جان‌نثار را در تصرف نمودن املاک موقوفه به عنوان نظارت مأذون فرمایید و از بابت حق‌النظاره آن چه نظر مبارک می‌رسد و صلاح امور موقوفه می‌باشد معین فرموده از وصول مال الاجاره هر مبلغ یک تومان حق‌النظاره را معین فرمایید که مأذون باشم از چه قرار حق اقل السادات است. تحریراً فی شهر

شوال المکرم هذه السنه تخا قوی ٹیل شهور سنه ۱۳۱۰ [حاشیه] هو. در این اوقات حق الزحمه وصول و ایصال مال الاجاره املاک موقوفه چنانچه کسی ده دو بر دارد ظلم نکرده است و انصاف داده است و تعیین و تقسیم ده دو بین الناظر و المتولی اختیار آن با خود ناظر است و چون خود جنابعالی ناظر می باشید حق الزحمه متولی را معین فرمایید. حرره ۱۹ شوال ۱۳۱۰ [سجع مهر بیضی] عبده حسین بن محمدباقر الحسنی



سند چهارم:

۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحیم

این سند در روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۹/۰۳/۰۳ در شهر یزد در حضور آقایان ذیل
 ۱- آقایان ...
 ۲- آقایان ...
 ۳- آقایان ...
 ۴- آقایان ...
 ۵- آقایان ...
 ۶- آقایان ...
 ۷- آقایان ...
 ۸- آقایان ...
 ۹- آقایان ...
 ۱۰- آقایان ...
 ۱۱- آقایان ...
 ۱۲- آقایان ...
 ۱۳- آقایان ...
 ۱۴- آقایان ...
 ۱۵- آقایان ...
 ۱۶- آقایان ...
 ۱۷- آقایان ...
 ۱۸- آقایان ...
 ۱۹- آقایان ...
 ۲۰- آقایان ...
 ۲۱- آقایان ...
 ۲۲- آقایان ...
 ۲۳- آقایان ...
 ۲۴- آقایان ...
 ۲۵- آقایان ...
 ۲۶- آقایان ...
 ۲۷- آقایان ...
 ۲۸- آقایان ...
 ۲۹- آقایان ...
 ۳۰- آقایان ...
 ۳۱- آقایان ...
 ۳۲- آقایان ...
 ۳۳- آقایان ...
 ۳۴- آقایان ...
 ۳۵- آقایان ...
 ۳۶- آقایان ...
 ۳۷- آقایان ...
 ۳۸- آقایان ...
 ۳۹- آقایان ...
 ۴۰- آقایان ...
 ۴۱- آقایان ...
 ۴۲- آقایان ...
 ۴۳- آقایان ...
 ۴۴- آقایان ...
 ۴۵- آقایان ...
 ۴۶- آقایان ...
 ۴۷- آقایان ...
 ۴۸- آقایان ...
 ۴۹- آقایان ...
 ۵۰- آقایان ...
 ۵۱- آقایان ...
 ۵۲- آقایان ...
 ۵۳- آقایان ...
 ۵۴- آقایان ...
 ۵۵- آقایان ...
 ۵۶- آقایان ...
 ۵۷- آقایان ...
 ۵۸- آقایان ...
 ۵۹- آقایان ...
 ۶۰- آقایان ...
 ۶۱- آقایان ...
 ۶۲- آقایان ...
 ۶۳- آقایان ...
 ۶۴- آقایان ...
 ۶۵- آقایان ...
 ۶۶- آقایان ...
 ۶۷- آقایان ...
 ۶۸- آقایان ...
 ۶۹- آقایان ...
 ۷۰- آقایان ...
 ۷۱- آقایان ...
 ۷۲- آقایان ...
 ۷۳- آقایان ...
 ۷۴- آقایان ...
 ۷۵- آقایان ...
 ۷۶- آقایان ...
 ۷۷- آقایان ...
 ۷۸- آقایان ...
 ۷۹- آقایان ...
 ۸۰- آقایان ...
 ۸۱- آقایان ...
 ۸۲- آقایان ...
 ۸۳- آقایان ...
 ۸۴- آقایان ...
 ۸۵- آقایان ...
 ۸۶- آقایان ...
 ۸۷- آقایان ...
 ۸۸- آقایان ...
 ۸۹- آقایان ...
 ۹۰- آقایان ...
 ۹۱- آقایان ...
 ۹۲- آقایان ...
 ۹۳- آقایان ...
 ۹۴- آقایان ...
 ۹۵- آقایان ...
 ۹۶- آقایان ...
 ۹۷- آقایان ...
 ۹۸- آقایان ...
 ۹۹- آقایان ...
 ۱۰۰- آقایان ...

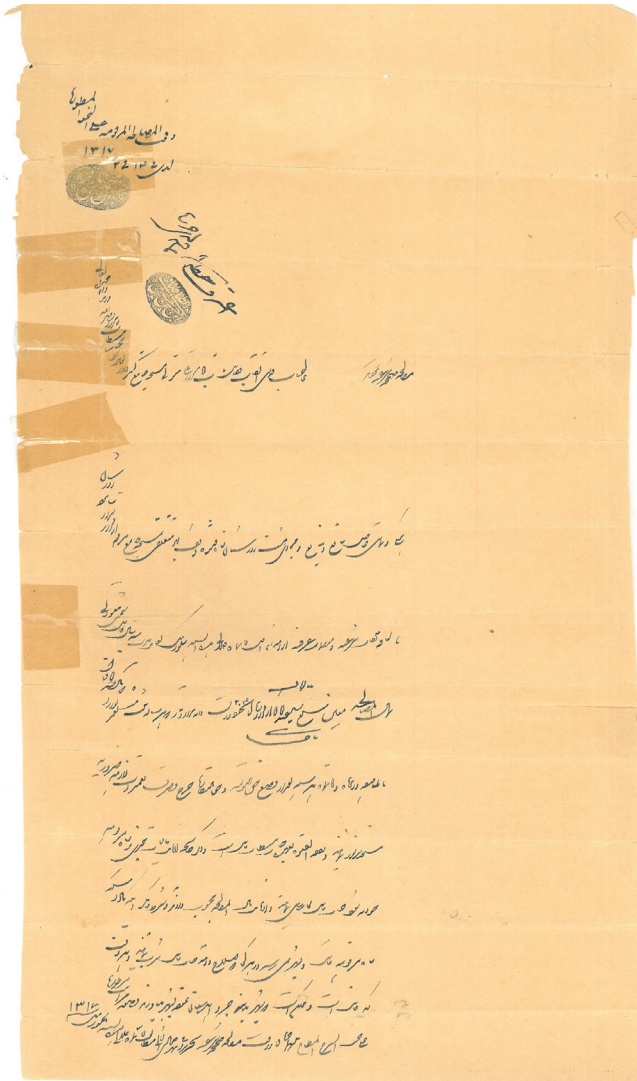
چون چند سال است این اقل‌السادات به اذن و اجازه بعضی از علمای دارالسلطنه اصفهان و دارالعباده یزد کثر الله امثالهم به عنوان نظارت در امورات موقوفه مسجد جامع کبیر دارالعباده یزد مداخله نموده و می‌نمایم و به فضل الله تعالی آن چه اغتشاش و پریشانی در مورد موقوفات مسجد مزبور بود مرفوع و مدفوع گردیده و اهالی قرب به مسجد مزبور و موضعین مسجد مزبور کمال رضامندی را از این‌جانب داشته و دارند استدعا از مرحمت بندگان شریعتمدار عالی مد ظله‌العالی چنانچه مراتب معروضه بیان واقع است از قِبَل جناب مستطاب بندگان شریعتمدار عالی مد ظله عمل نظارت به عهده این‌جانب بوده باشد. امیدوارم که چنانچه صلاح و مصلحت موقوفه مزبوره را دانند در این ورقه در معرض بروز و شهود مبذول خواهند در آورد. زیاده عرضی ندارم.

[حاشیه] بسمه الله تعالی شأنه. بلی. نظر به صلاح امور موقوفات مسجد مرقوم که انتظام صحیح به هم رساند و از خلاف محفوظ باشد این اقل امام امر نظارت موقوفات مرقومه را در عهده جناب مستطاب عالی قرار دادم که همه ساله در امور موقوفات مزبوره نظر صحیح فرموده. متولی باید به استصواب جنابعالی عمل نماید بدون خلاف. حرره فی ۱۴ شهر فی ذالحجه الحرام ۱۳۱۵ [سجع مهر مربع خط نسخ]


سند پنجم:


مصالحه صحیحه شرعیه نمودند عالیجناب قدسی القاب فضائل مآب آقا میرزا علی متولی مسجد جامع کبیر دارالعباده یزد به جناب مستطاب آقا میرزا نصرالله وزیر دام مجده‌العالی همگی و تمامی حاصل منافع و منابع و مجاری هشت روز شبان میاه قنات وقف‌آباد متعلق به مسجد جامع مرقوم از قرار مدار شانزده روز شبان با کافه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه از ابتداء اول آبان ماه جلالی هذّه السنه تن کوزئیل لغایت مدت سه سال کامل شمسی متوالی به مال المصالحه معین مبلغ سیصد تومان از قرار [به سیاق نیز] از قرار ریال ۲۴ نخود درست دانه هزار دینار که هر ساله ثلث مبلغ مزبور را یکصد تومان است بالمناصفه در تیرماه و آبان ماه هر سنه بعد از وضع حق التولیه و حق النظاره خرج و صرف تعمیرات لازمه ضروریه مسجد مزبور نمایند و نفقه القنات به عهده جناب مستطاب قابل است و اگر چنان چه از بابت مالیات چیزی بر میاه مرقومه حواله شد جناب قابل کارسازی نمایند و از بابت مال المصالحه محسوب دارند

و شرط دیگر آن که مادامی که میاه مرقومه [یک کلمه ناخوانا] به شهر نمی‌رسد در هر کجا صلاح دانند جناب قابل شرب نمایند و هر وقتی که [یک کلمه ناخوانا] است و ممکن است که به شهر برسد جزو اهرستان نموده به شهر بیاورند و صیغه مراتب مسطوره علی حسب الشرع المطاع بینهما جریان پذیرفت. مصالحه صحیحیه شرعیه. تحریراً فی شهر جمادی الثانی مطابق ۳ آبان ماه جلالی هذه السنه تن کوز ئیل سنه ۱۳۱۷



سند ششم:


 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه


 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اسرار و اسامی و اسامی
 حضرت در تصفیه علم و ایمان و تقوی و اخلاص
 این سند در تاریخ ...

این سند در تاریخ ...

این سند در تاریخ ...
 در روز ...
 در محل ...

۱۳۱۹
 در محل ...

استشهاد و استعلام و استخبار می‌نماید خدمت ذیرفت بندگان علمای اعلام و فضلالی ذوی العز و الاحترام و سایر جمهور سکنه دارالعباده یزد بر این که هر کدام علیم و خبیر و مطلع و مستحضر بوده باشند که تمامی سبع میاه قنات سلغراباد حومه دارالعباده یزد وقف است بر مسجد جامع کبیر و باید همه روزه در حوض مقابل منار برسد و مسلمانان هنگام نماز تطهیر نموده وضو بسازند و در مسجد مزبور نماز بگذارند و مدت متمادی است از قدیم الایام که از مجرای معین این آب جاری و ساری بوده است و احدی حق ممانعت عبور میاه مرقومه در مجرای خودش ندارد. استدعا از مرحمت هر یک چنان است که محض خوشنودی خدا و رسول حقیقت امر را در صدر عریضه مرقوم فرموده که عندالحاجه حجت بوده باشد. تحریراً فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۱۹

[صدر] هو. الامر کما رقم فیه حرره [سجع مهر بیضی] عبده محمدحسین بن باقر الحسنی

[صدر] هو. [...] لدی الاحقر ابوالحسن الحسنی

[حاشیه] امر به نحوی است که در متن مرقوم است [سجع مهر] محمدعلی الموسوی [سجع مهر طنرا] محمد بن احمد

سند هفتم:

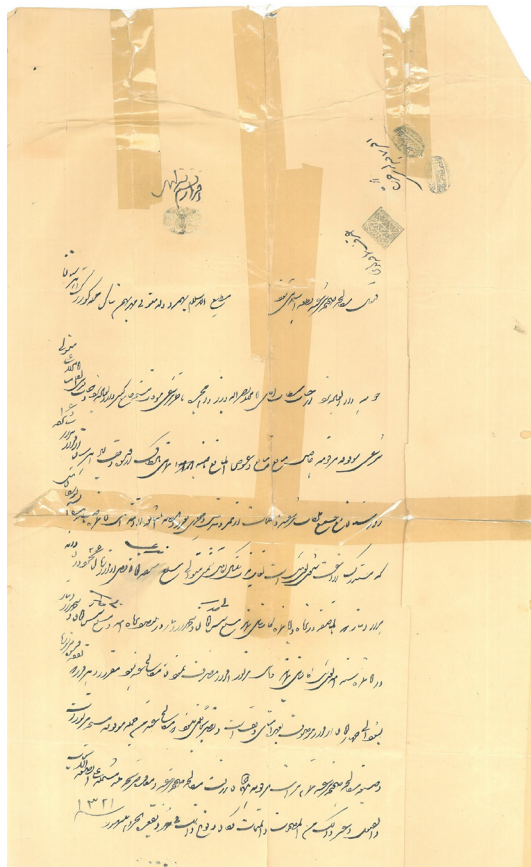
قبول مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه اسلامی نمود مطیع الاسلام بهمرد ولد متوفی مهر بهمن ساکن محله گور ترک اهرستان حومه دارالعباده یزد از جناب مستطاب آقای آقا میرزا نصرالله وزیر دام مجده ناظر شرعی موقوفات مسجد جامع کبیر دارالعباده یزد و جناب قدسی القاب آقا میرزا علی متولی شرعی موقوفه مرقومه حاصل منافع و منابع و عوض المنافع ماضیه تمامی از قنات وقف آباد اهرستان از قرار مدار شانزده روز شبان مع جمیع ملحقات شرعیه و منضمت از ممر و مدخل و مجری مقرر المصلحه المبیعه اول آبان ماه ماضیه هذّه السنه توشقان ئیل که مستدرک زراعت شتوی لوی ئیل است لغایت مدت یک سال کامل شمسی متوالی مبلغ سیزده تومان فضی از قرار ریال ۲۶ نخود وزن دانه هزار دینار که بالمناصفه تیر ماه و آبان ماه کارسازی نمایند مبلغ شش تومان و پنج هزار دینار [به سیاق نیز] در منتصف تیرماه آتیه و مبلغ شش تومان و پنج هزار دینار [به سیاق نیز] در آبان ماه سنه آتیه لوی ئیل کارسازی نماید و

[ناخوانا] مزبور اقرار به تصرف نمود و مصالح عنه نمود هر قرار که نفقه قنات مزبوره بشود الی چهار تومان از قرار موصوف به عهده امنای وقف است و تصریحاً قلمی می‌شود که مصالح عنه من جمله موقوفه مسجد مزبور است و صیغه شرعیه تمام مراتب مرقومه بینهما جریان پذیرفت. مصالحه صحیحه شرعیه و معاهده صریحیه ملیه مشتمله علی الصیغه الایجاب و القبول و عند ذالک من المصحوب و المسماة و کان وقوع ذالک فی شهر ذیقعدہ الحرام من شهر سنه ۱۳۲۱

[صدر] اقر بما رقم فيه لدی [سجع مهر بیضی]

[حاشیه] اعترف بما فيه لدی [سجع مهر مربع]

[حاشیه] هو. اقر بما فيه لدی حرره [سجع مهر بیضی] [سجع مهر بیضی]



“

مسجد جامع کبیر یزد و کارهای بایسته

حسین مسرت

مسجد جامع کبیر یزد، فاخرترین و ارجمندترین بنای تاریخی یزد به لحاظ هنری، معماری و تاریخی است. روند ساخت این بنا از پیش از اسلام تاکنون از زمانی که آتشکده‌ای ساسانی بود تا زمانی که بر زمین سخت آن، مسجد جامع عتیق و سپس مسجد جامع شهرستان و سرانجام مسجد جامع کبیر در دوره‌های گوناگون تاریخی و از سوی فرمانروایان بومی و مردم دین‌دار یزد ساخته شد، پیوسته پایه پژوهش‌های گسترده برای دستداران، پژوهشگران و کارشناسان معماری و پیشینه و سازوکار مسجدهای ایران و نماد سبک‌شناسی معماری ایران در دوره‌های گوناگون تاریخی است.

اوج تلاش، شناخت و کوشش طراحان، مهندسان، معماران، بنایان، کاشی‌کاران، گچ‌بران، سن‌گ‌کاران، گنبدسازان، مناره‌سازان، مرم‌رکاران، کاریزگران، درودگر
ان، مشبک‌سازان، خوشنویسان، کتیبه‌پردازان و غیره یزد را می‌توان در این بنای سترگ و سرافراز دید که سده‌هاست از گزند بادوباران، آسیبی ندیده و چون نگینی درخشان و فیروزه‌ای در دل کویر ایران خودنمایی می‌کند و سالیانه صدها نفر را از گوشه‌وکنار ایران و گیتی بدین

جا می‌کشاند.

مسجد جامع یزد، نماد شکوه معماری اسلام و ایران، به‌ویژه شهر باستانی یزد است. این مسجد باشکوه نه‌تنها جامع مسلمانان یزد در طول بیش از پانزده قرن به‌عنوان نیایشگاهی کهن است، بل جامع هنر، توان، مهارت، هوش و کاردانی معماران، هنرمندان و کاشی‌کاران دیار دیرپای یزد است. بدین روی جای آن داشت که زمانی پژوهشی فراگیر و همه‌جانبه دربارهٔ این عبادتگاه و نیایشگاه که سال‌هاست به‌عنوان یکی از نشانه‌های یزد در دیدگاه ایرانیان و جهانیان شناخته شده، انجام پذیرد تا اینکه در سال ۱۳۸۵ پژوهشی با عنوان «مسجد جامع یزد»^۱ از سوی آقای امیری انجام شد ولی چاپ نشد.

سپس سه پژوهش دیگر به ترتیب با عنوان‌های: «شاهکار فیروزه‌ای کویر»^۲؛ «مسجد جامع یزد، شاهکاری ماندگار»^۳ در دسترس پژوهشگران قرار گرفت که واپسین آن کتاب «مسجد جامع کبیر یزد»^۴ به کوشش و گردآوری نگارنده بود که با پیگیری مدیر «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد» و با همراهی و همکاری گروهی از پژوهشگران و کارشناسان برجسته معماری استان یزد در سال ۱۳۹۰ به سرانجامی خوش رسید و نشانه ای بود از تلاش و کارآگاهی نویسندگانی که بر پایهٔ ظرفیت های معماری و هنری مسجد جامع قلم زده و کوشش نمودند آن را بیش از پیش بشناسد. اما نه تنها نگارنده، که دیگر نویسندگان این مجموعه نیز بدین نکته واقف بودند که هنوز هزار بادهٔ ناخورده در رگ تاک است و صدها ناگفته و ده ها ناشناخته دربارهٔ این مسجد ماندگار و سرفراز مانده است، تا روزی به همت اهل پژوهش رخ بنمایاند.

هنوز دربارهٔ جنبه‌های گوناگون باستان‌شناسی و هندسهٔ نقوش مسجد جامع یزد کاری جدی صورت نگرفته است. شاید در آینده پژوهشگری با بهره‌وری از تمامی نوشته‌های مستند ماکسیم سیرو و آندره گدار (دو تن از معماران نامی فرانسوی) و ایرج افشار (در کتاب یادگارهای یزد، ج ۲) و با بررسی گفتارهای جامع و کتاب‌های موجود^۵ و بهره‌وری از برداشتهای تخصصی و نقشه‌هایی که در مراکز اسناد و بایگانی سازمان میراث فرهنگی کشور و یزد، دفتر آثار تاریخی

ایران، دانشکده‌های معماری شهرسازی دانشگاه تهران، دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و دانشگاه یزد وجود دارد، آن را ساماندهی و چاپ کند.

- ۱ - امیری، حمیدرضا: مسجد جامع یزد، پژوهش برای صدا و سیمای مرکز یزد، ۱۳۸۵، رحلی، ۲۷۱ص، مصور.
- ۲ - اژدر، سوسن و دیگران: شاهکار فیروزه ای کویر (مسجد جامع کبیر یزد از ظهور تا شکوه)، تهران: وراى دانش، ۱۳۸۸؛ رقی، ۱۳۶ص، مصور، رنگی .
- ۳ - دهقان چناری؛ مهران: مسجد جامع یزد، شاهکاری ماندگار، یزد: محمّد هادی، ۱۳۹۰، خشتی، ۳۰۰ص، مصور، رنگی.
- ۴ - مسرت حسین: مسجد جامع کبیر، یزد: اندیشمندان یزد، ۱۳۹۱، رقی، ۲۲۴ص، مصور، رنگی .
- ۵ - بنگرید به گفتار: «کتابشناسی مسجد جامع» در کتاب مسجد جامع کبیر: حسین مسرت، یزد: اندیشمندان یزد، ۱۳۹۱، ۱۹۱-۲۰۰ص.



مسجد جامع یزد و بازارهای اطراف؛ همزیستی گذشته و حال

بازارهای سنتی یزد با رونق گردشگری زنده می‌شوند

شادی شفیعی

در دل شهر بادگیرها، جایی که تاریخ و فرهنگ به زیبایی در هم تنیده‌اند، مسجد جامع یزد باشکوه و عظمت خود از دل خاک برخاسته است. این مسجد هر ساله میزبان هزاران گردشگر است که از سرتاسر جهان به این شهر سفر می‌کنند تا به رازهای نهفته در معماری باشکوه و مناره‌های بلند آن پی ببرند. حضور این گردشگران، نه تنها جان تازه‌ای به تاریخ و فرهنگ یزد می‌بخشد، بلکه رونق و حیات جدیدی به کسب‌وکارهای محلی و کافه‌های اطراف این مسجد می‌آورد. بوی قهوه‌ای که در کافه‌ای سنتی دم می‌شود، رایحه خوش شیرینی‌های محلی و لبخندهای گرم مغازه‌داران، همه‌وهمه داستانی از همزیستی مسالمت‌آمیز گذشته و حال را روایت می‌کنند.

تلفیق تاریخ، هنر و اقتصاد محلی

گردشگرانی که به یزد سفر می‌کنند با قدم‌زدن در کوچه‌های باریک و بازارهای اطراف مسجد، نه تنها به تاریخ و فرهنگ غنی این شهر پی می‌برند، بلکه شاهد زندگی روزمره مغازه‌داران

محلّی هستند که با لبخند و محبت، هنر و دستاوردهای خود را به آن‌ها عرضه می‌کنند. در این بازارها، صدای خوشایند چکش‌هایی که بر مس زده می‌شود، عطر دل‌انگیز ادویه‌ها و دیدن هنر دست‌بافت‌های یزدی، همگی حس و حالی ویژه و فراموش‌نشدنی به بازدیدکنندگان می‌بخشد. در این روزهای داغ تابستانی که از گردشگر خبری نیست، باز هم کاسب‌کاران محلّی با شور و اشتیاق، هر روز به امید بازگشتن مشتریان جدید و قدیمی، در این گوشه دنج یزد نفس می‌کشند و زنده‌اند.

بازارهای سنتی جان دارند

یزد است و مسجد جامع این شهر و بازارهای اطراف آن؛ مطمئنأً هر ایرانی و حتی توریست خارجی که به این شهر سفر کرده، برای یک‌بار هم که شده در بازارها و کوچه‌های اطراف مسجد جامع قدم زده و از مغازه‌های آنجا خرید کرده است. مسجد جامع یزد سالانه هزاران گردشگر را به خود جذب می‌کند؛ گردشگرانی که حضور آنها با روزی کاسبان محلّی گره خورده است. از بازارگردی به‌عنوان یکی از تجربه‌های لذت‌بخش در سفر یاد می‌شود، به‌خصوص بازارهای سنتی و تاریخی که روح و جان دیگری دارند. از طرفی این بازارگردی کمک می‌کند با فرهنگ و هنر اهالی آن شهر آشنایی بیش‌تری داشته باشید. در بازارهای سنتی رنگ و عطر کالاها با معماری به‌جامانده از گذشته عجین شده و هر کسی را شیفته و شیدای خود می‌کند. قدم‌زدن در دالان‌های سرپوشیده بازارهای یزد به‌خودی‌خود حال و هوای قشنگی دارد، چه برسد به اینکه با معماری بی‌نظیری روبرو شوید و مسجد جامع یزد را هم در این میان تماشا کنید.

روزه سکوت بازار

وارد چهارسوق و بازار صراف‌های یزد که می‌شویم انتظار هیاهوی همیشگی بازار، رفت‌وآمد مردم و هیاهوی فروشندگان برای تبلیغ و به فروش رساندن اجناس مغازه خود را داریم، اما گویی امروز بازار هم روزه سکوت گرفته و خبری از آن شلوغی همیشگی نیست! دُکان‌ها باز اما خرید و فروشی نمی‌شود. مغازه‌داران اجناس خود را طبق معمول بیرون از حجره چیده‌اند تا شاید چشم مشتریان را به خود گرفته و دشتی کنند.

از دور که به بازار نگاه می‌کنی، بیشتر شبیه نمایشگاهی برای عرضه محصولات دستی است تا محلی برای عبور و مرور گردشگران و مردم. یکی، کیف‌های سنتی مغازه‌اش را به پرده‌ای که بیرون از مغازه نصب است، آویزان کرده و دیگری تمامی اجناس داخل مغازه را در ویتروینی جلوی مغازه خود گذاشته است. هر کسی به سلیقه خود، بیرون مغازه را چیده و معتقدند که زیبایی بازار به این است که حجره‌داران اجناس خود را بیرون از مغازه بچینند و از دستان مشتری، دشت کنند! اصلاً برای آنها مهم نیست که کسی بتواند از میان شلوغی چیدمان بازار، رد شود یا نه.

تأثیر گردشگران بر کسب‌وکار

مغازه‌های فروش سوغات و صنایع‌دستی بیشترین تعداد مغازه‌ها را در این منطقه تشکیل می‌دهند. این مغازه‌ها انواع مختلفی از فرش، سفال، پارچه‌های دستباف و آثار هنری را به فروش می‌رسانند. نامدار، دو سالی است که یک مغازه فروش پوشاک‌های سنتی در بازار چهارسوق دارد و معتقد است که قراردادن اجناس در بیرون از دُکان، باعث جذب مشتری می‌شود، قدیمی‌های بازار به گرفتن دشت اول صبح اعتقاد دارند و این دشت را از فروش اجناسی که دم مغازه می‌گذارند به دست می‌آورند. از او در مورد وضع این روزهای بازار می‌پرسیم، می‌گوید: وضع کاسبی اصلاً خوب نیست و بیشتر هم به‌خاطر نوسانات نرخ دلار است. بزرگ‌ترین چالش ما نوسانات قیمت مواد اولیه است. بعضی وقت‌ها هزینه‌های تولید بالا می‌رود و این بر قیمت نهایی کالاها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، رقابت بین مغازه‌ها هم زیاد است.

آقای نامدار از تأثیر رفت‌وآمد توریست‌ها بر روی کسب‌وکارش می‌گوید؛ ولی او هم مثل دیگر کاسب‌کاران محل از سوت‌وکور شدن این بازارها گلایه‌مند و شاکی است: «از لحاظ توریست هم آن امنیتی که یک توریست باید داشته باشد، وجود ندارد. علت آن هم به نظر بدگویی‌هایی است که علیه ایران می‌شود که این موضوع باعث سلب اعتماد از گردشگران شده است و به نظرم مسئولین هم باید جوابگوی این موضوع باشند که در مجموع این عوامل، بازار کم‌کم به حالت مرده درآمده است.»

این کاسب میان‌سال که به گفتهٔ خودش از نوجوانی در بازارهای یزد مشغول به کار است، بر این

باور است که در این یک سال اخیر اصلاً خبری از توریست نیست و اگر هم باشد، توریست‌هایی که به ایران سفر می‌کنند به قول معروف کسانی هستند که هیچ جای دیگری نمی‌توانند سفر کنند به ایران می‌آیند.

از او در مورد رونق بازار در میان خریداران داخلی می‌پرسم: «وضع اقتصادی مردم خیلی ضعیف شده و هر کس را سراغ می‌گیریم می‌بینیم به‌عنوانین مختلف ترجیح می‌دهد پول خود را در بانک سرمایه‌گذاری کنند. خرید نمی‌کنند، همه دنبال سود بانکی بیشتر هستند که در واقع نشان می‌دهد پول از گردونه بیرون رفته است. اما اینکه مقصر کیست؟ علت کدام است؟ باید بررسی شود؛ اما به نظر من مقصر اصلی دولت است که بازار را به این روز انداخته و دچار رکود شده است.»

وصله‌های ناجور

بازار صراف‌ها اگرچه هنوز نفس می‌زند؛ اما دیوار این دالان هزار گنبد از گزند بی‌مهری‌ها و غفلت‌ها از سوی بازاربان، مسئولان و ناظران بر خود می‌لرزد. حجره‌هایی که از هویت، اصالت و شخصیت واقعی این بازار تاریخی دور مانده‌اند. فروشگاه‌های عرضه‌کننده شیرینی‌های محلی مثل قطاب، باقلوا و پشمک قسمتی از بازار صراف‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. اما با وجود استقبال خوبی که در بین خریداران داخلی و خارجی دارند، وصله‌های ناجوری برای این بازار سنتی هستند. امید که در یک مغازه فروش سوغات خوراکی در بازار صراف‌ها مشغول به کار است، به ما از اجاره‌دادن تعداد زیادی از مغازه‌های بازارهای اطراف مسجد جامع به شغل‌های دیگر می‌گوید: «این مغازه‌های یا از طرف میراث‌فرهنگی و یا شخصی به افراد اجاره داده می‌شود و صاحبان مغازه‌ها هم خیلی به نوع کسب‌وکار اهمیتی نمی‌دهند و اجاره برایشان مهم‌تر است.» این کاسب جوان هم از تأثیر افزایش گردشگر بر کسب‌وکارش می‌گوید: «ما همیشه در فصل‌های گردشگری شاهد افزایش فروش هستیم. مثلاً قطاب و باقلوا خیلی طرف‌دار دارند و بیشتر گردشگران این خوراکی‌ها را می‌خرند تا به‌عنوان سوغات با خود ببرند، البته فروش در فصل‌های غیر توریستی خیلی کمتر است و بیشتر مشتریان ما در این زمان‌ها، مردم محلی هستند.»

ورشکستگی بازار

همچنان که در بازار سرپوشیده چهارسوق به سمت میدان وقت ساعت می‌رویم، چهره‌هایی خسته و درهم‌تنیده را می‌بینیم؛ چشم‌هایی منتظر با صورت‌های درهم که به راحتی می‌توان تشخیص داد از کساد بازار گلایه دارند. هر چند برخی مغازه‌های جدید فروش خوراکی‌ها، بدلیجات و برخی پوشاکی‌ها کم‌وبیش مشتری‌های خود را دارند؛ اما آن قدیمی‌ترها که اجناس عتیقه و سنتی دارند به نظر رونقی ندارند. «رکود حاکم بر صنعت گردشگری اگر به همین صورت پیش رود بازار دچار ورشکستگی می‌شود. وقتی به دارایی مراجعه می‌کنیم و گله و شکایت داریم می‌گوییم درآمد خود را از مردم تأمین کنید. اما نمی‌توان مردم را مجبور به خرید کرد. دارایی هم می‌گوید "اگر نمی‌توانید مالیات بدهید، مغازه خود را اجاره دهید یا در مغازه خود را ببندید." اما خوب کجا برویم. به فرض هم که مغازه‌ام را اجاره بدهم خودم بروم خانه‌نشینی کنم؟ پس تکلیف من چه می‌شود، این که جواب من نیست.» این را یک فروشنده‌ای به ما می‌گوید که در میدان وقت ساعت صاحب یک گالری فرش سنتی است. این کاسب‌کار قدیمی معتقد است: یزد که به‌عنوان مقصد مهم گردشگران خارجی در طول سالیان گذشته معروف بوده با رکود بسیار جدی مواجه شده و این رکود همه جای بازار را گرفته و دیری نیست که برخی مغازه‌داران با خطر ورشکستگی روبه‌رو شوند.

جذب گردشگر با دست‌پخت محلی

حضور گردشگران در اطراف مسجد جامع یزد تأثیر قابل‌توجهی بر کسب‌وکار مغازه‌داران این منطقه دارد. افزایش تعداد مشتریان و فروش در فصل‌های گردشگری، به رونق کسب‌وکارها کمک می‌کند، اما این کسب‌وکارها با چالش‌هایی همچون رقابت شدید و نوسانات بازار روبرو هستند. در بین کسب‌وکارهای اطراف مسجد جامع، کافه‌های سنتی، با فضای دلنشین و محصولات محلی خود، جاذبه‌ای ویژه برای گردشگران هستند. اکثر این کافه‌ها انواع نوشیدنی‌های محلی نظیر دوغ محلی، شربت‌های گیاهی، قهوه یزدی و غذاهای محلی را در منوی خود دارند.

فصل‌های بهار و تابستان اوج فعالیت کاری آنهاست و در این بین تعداد مشتریان کافه‌ها

به شدت افزایش می‌یابد؛ چراکه گردشگران علاقه زیادی به تجربه فضای کافه‌های سنتی و نوشیدنی‌های محلی دارند. در این بین تعداد زیادی از مشتریان کافه‌ها را گردشگران خارجی تشکیل می‌دهند که برای تجربه فرهنگ و غذاهای محلی به این مکان‌ها می‌آیند. باتوجه به تعداد زیاد کافه‌ها در اطراف مسجد جامع، رقابت برای جذب مشتریان بالا است و هر کافه باید خدمات و محصولات منحصر به فردی ارائه دهد.

جاذبه‌ای برای هر فصل

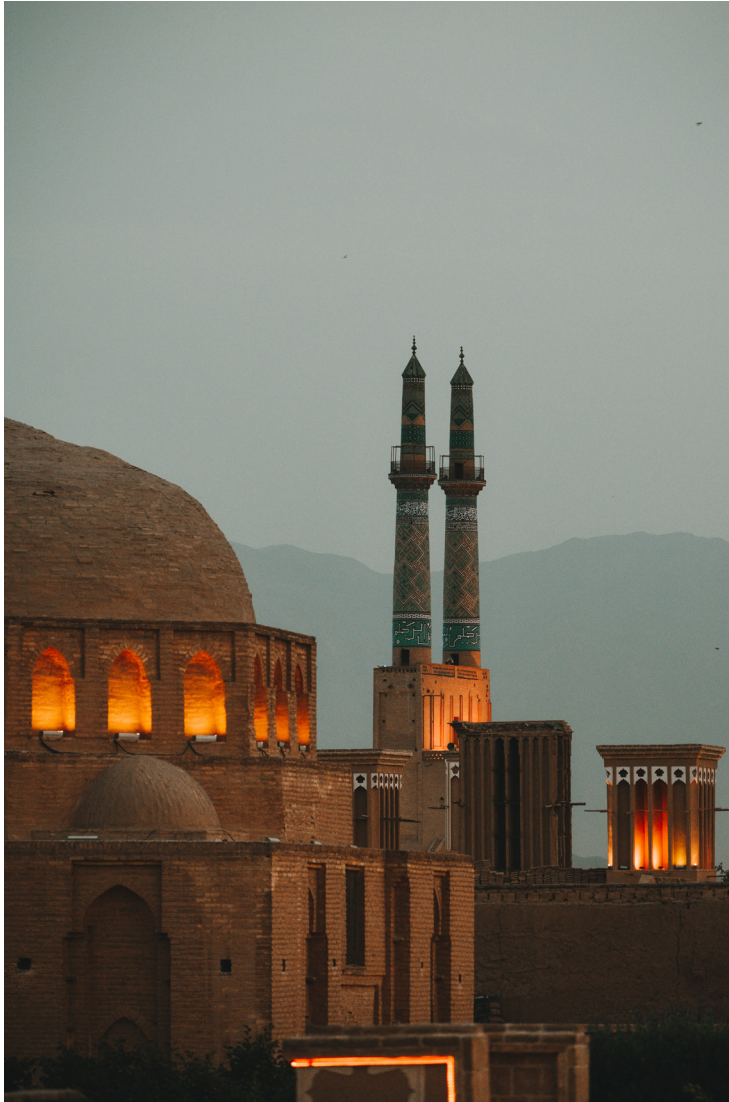
مریم صاحب یک کافه سنتی با فضای دلنشینی است که در کنج میدان وقت ساعت جا خوش کرده است. از او در مورد تأثیر گردشگر بر روی کسب و کارش پرسیدیم: «حضور گردشگران تأثیر بسیار مثبتی بر کسب و کار ما داشته است، به طوری که در فصل‌های گردشگری، به ویژه بهار و تابستان، تعداد مشتریان به طور چشمگیری افزایش می‌یابد و گردشگران علاقه زیادی به تجربه نوشیدنی‌ها و غذاهای محلی ما دارند.» رقابت شدید با سایر کافه‌ها و رستوران‌ها از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کافه‌های سنتی این محدوده با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مریم بر این باور است که برای اینکه بتوان همیشه در کسب و کار خودمان رونق داشته باشیم، باید به فکر نوآوری و بهبود خدمات باشیم تا بتوانیم مشتریان را جذب کنیم. چراکه در فصل‌های غیر توریستی، تعداد مشتریان کاهش می‌یابد و این می‌تواند بر درآمد ما تأثیر منفی بگذارد پس باید همیشه خدمات به‌روزی بدهیم. او بر این باور است که همکاری بین کافه‌ها و رستوران‌ها برای ایجاد رویدادها و جشنواره‌های محلی می‌تواند به جذب گردشگران بیشتر کمک کند.

به امید جانی تازه برای بازارهای سنتی شهر

بازارهای سنتی یزد، با تمامی چالش‌ها و مشکلاتی که تجربه می‌کنند، هنوز هم قلب تپنده این شهر هستند و هر قدمی که گردشگری در کوچه‌های باریک و بازارهای قدیمی یزد می‌گذارد، همچون ضربانی برای حفظ این میراث گران‌بهاست.

با نگاهی به آینده، می‌توان امید داشت که با افزایش تلاش‌ها برای بهبود زیرساخت‌های گردشگری و ایجاد امنیت بیشتر برای گردشگران، یزد بتواند باز هم به‌عنوان یکی از مقصدهای برتر گردشگری جهان بدرخشد. این شهر با تاریخ غنی و فرهنگ بی‌نظیر خود، همیشه جاذبه‌ای

برای هر فصل از سال خواهد داشت و بازارهای سنتی آن، همچنان محلی برای همزیستی مسالمت‌آمیز گذشته و حال باقی خواهند ماند.



◀ عکاس: علی محبوبی مولایی

“

مسجد جامع از محور گردشگری یزد حذف شده است؟

فاطمه رهبر

بر فراز پشت‌بام‌ها به بلندترین دو مناره مسجد جهان و بهشت معماری ایران می‌ماند، آن را با انگشت به گردشگران نشان می‌دهند و می‌گویند: اینجا مسجد جامع یزد بهشت معماری است؛ اما از مقابل آن آهسته عبور می‌کنند مبدا سفیر صلح و ایران‌هراسی جور دیگری از ایران وصف کند و هوس واردشدن به آن داشته باشد.

راهنمایان گردشگری زیادی را در این مدت دیده‌ام که مسجد جامع کبیر را از محور بازدید گردشگران خارجی و بعضاً داخلی حذف کرده‌اند، مسجدی که قلب تپنده نه تنها گردشگری یزد بلکه تاریخ اسلام در دارالعباده و سرزمین زندگی مسالمت‌آمیز ادیان است.

در واقع ترس از آن دارند که رفتارهای بد و زنده‌ای که بعضاً با برخی از گردشگران شده، مشمول حال فردی شود که قرار است وقتی به کشور خود برمی‌گردد سفیر صلح و تأیید بر مبارزه با ایران‌هراسی باشد، پس برای جلوگیری از احتمال ایجاد هرگونه درگیری یا کج‌سلیقگی، از مقابل بهشت معماری ایران می‌گذرند.

وقتی از مسجد جامع یزد صحبت می‌شود در واقع پای یکی از مهم‌ترین میراث‌فرهنگی ایران را به میان کشیده‌ایم که تاریخ چندصدساله و معماری و کاشی‌کاری‌های چشم‌نواز آن در کنار روایت‌های متعددی که در خصوص این مسجد مطرح می‌شود، به میان آمده است.

مسجد جامع یزد که میراث تاریخی و فرهنگی قرار گرفته در عرصه جهانی بافت تاریخی است، در خیابان اصلی مسجد جامع قرار دارد که عمدتاً شروع محور گردشگری نیز همین جاست و به زندان اسکندر و سایت‌های تاریخی دیگر می‌رسد و بعضاً در بازدیدی دایره‌ای مجدد در محور دیگری به مسجد جامع برمی‌گردند تا مانند تور گردشگری ادیان با مهم‌ترین میراث‌فرهنگی یعنی بنایی متعلق به دین مبین اسلام بازدید خود را خاتمه دهند.

راهنمایان گردشگری و آژانس‌های مسافرتی و مردم، مهمانان خود خصوصاً مهمانان خارجی را حتماً به بازدید این مسجد می‌آورند تا شکوه معماری ایرانی‌اسلامی را به رخ بکشند و هم‌جواری آن با کنیسه و استوار شدن مسجد بر زمینی که در واقع بنای یک آتشکده ساسانی بوده است را با باور زندگی مسالمت‌آمیز ادیان در کنار هم تفسیر کنند.

مسجدی که اگر بخواهیم به ذره‌ذره آن بپردازیم ساعت‌ها زمان می‌برد؛ اما باید بدانیم که این مسجد همواره از پایگاه‌های اجتماعی و فرهنگی مهمی بوده است و حاکمان نیز کتیبه‌های زیادی بر دیوار آن نصب کرده‌اند که گواه این جایگاه است.

بر اساس کتب تاریخی و اسناد و کتیبه‌های موجود، رفته‌رفته نه‌تنها جایگاه اجتماعی مسجد جامع در تاریخ، بارها مطرح شده بلکه موقوفه‌های ارزشمند این مسجد، وجود کتابخانه وزیری در یال سمت راست و از همه مهم‌تر باورهای شکل گرفته نسبت به مسجد، آن را خاص کرده است.

داستان‌هایی مانند بخت‌گشایی دختران و گردو شکستن در مناره‌ها، داستان تلخ استاد و شاگرد سازنده مناره‌های مسجد، داستان زنجیر بست نشینی، هفت در مسجد و درهای بهشت، اشعار و موقوفه‌هایش و... روایت‌هایی است که در باور مردم نشسته و آن را متفاوت کرده است.

برخی کج‌سلیقگی‌ها زمینه کاهش حضور گردشگران است

اما ماجرای حذف مسجد جامع از محور گردشگری یزد از کجا شروع شد؟ در چند سال اخیر اجباری شدن چادر در مسجد جامع باب شد، فرهنگی که نه به آن مسجد به طور خاص تعلق داشت و نه قانونی و شرعی موجود بود که آن را تأیید کند، به‌رحال با آوردن چادرهای رنگی و بعداً بهانه آوردن چادرهای نانو! و مقاومت در مقابل حضور افراد بدون چادر، آن را به فرهنگی غیراصیل به نام پوشیدن چادر نه رعایت حجاب اسلامی، تبدیل کردند.

این رفتار به‌نوعی توسط راهنمایان گردشگری و فعالان تبدیل به فرصتی شد تا به بهانه عکاسی با چادرهای رنگی بتوانند گردشگران را به یکی از مهم‌ترین موارد یزد دعوت کنند؛ اما دیری نپایید که این فرهنگ به‌نوعی بدرفتاری و کج‌سلیقگی تبدیل شد، برخوردهای نادرست و سلیقه‌ای با گردشگران به‌خصوص گردشگران خارجی از ورودی مسجد و دنبال کردن گردشگر برای تأکید بر حفظ پوشش با چادر حتی در صحن مسجد زمینه نارضایتی زیادی را فراهم کرد به قدری که این رفتار باعث حذف مسجد جامع از محور گردشگری برخی از فعالان گردشگری شد.

برخی از فعالان گردشگری صرفاً به توضیح در خصوص مسجد در بیرون از آن بسنده کردند و برخی نیز مساجد دیگری مانند مسجد جامع فهرج و ملا اسماعیل و دیگر مساجد را جایگزین کردند.

کج‌سلیقگی‌هایی که برخی معتقدند ریشه در دعوای هیئت‌امنا و هیئت‌مدیره و دیگر مؤثران در رابطه با مسجدی با چنین موقوفه‌هایی دارد و برخی هم به تفکر سیاسی برخی از افراد تأثیرگذار ربط می‌دهند.

تداوم این کج‌سلیقگی‌ها که از پوشیدن چادر رنگی شروع شد و به بدرفتاری، عدم رعایت شان گردشگر و دیگر نکات منجر شد زمینه‌ساز کاهش گردشگران به آن منطقه بود.

نقطه‌ای حساس، مهم و تأثیرگذار در حوزه گردشگری که شاید به‌رغم اهمیتی که داشت کمتر

متوجه آن بودند، مسجد جامع نبض تپنده میراث فرهنگی و میراث ملی و اسلامی یزد در نوروز امسال به دلیل ایجاد سازه‌هایی ناهمگون در مسجد و برنامه‌هایی که منجر به شلوغی نامناسب مسجد شد تقریباً از محور گردشگری حذف و سیر محور فرهنگی یزد را ناقص کرد.

فضای زیبای عکاسی آن پشت بنرها و سازه‌های ناهمگون پنهان شد و لوکیشن عکاسی مهم‌ترین سایت تاریخی فرهنگی یزد برای گردشگران در عرصه‌ای جهانی حذف شد.

مسجدی که هر ساله در غلغله گردشگران، شمشه‌اش را به قابی برای گردشگران خارجی تبدیل کرده و از رئیس مجلس سوییسی تا سفرای زیادی با آن عکس داشتند از قاب‌های گردشگران حذف شد.

به نظر می‌رسد که دست‌بردن در فرهنگ اصالت مسجد و مخدوش کردن آرامش و ازبین‌بردن حس مکان در مسجد جامع با ایجاد برنامه‌ها و سازه‌هایی که به فرهنگ و اصالت این مسجد تعلق نداشته، نشان داد گردشگری فرهنگی یزد به مسجد جامع کبیر تعلق زیادی دارد و بدون آن گویا یکی از مهم‌ترین پازل‌های هویتی یزد هرگز کامل نمی‌شود.



مسجد جامع یزد در فرهنگ عامه

مسجد جامع، قلب شهر است

حمیدرضا امیری

مسجد جامع یزد گوهری یگانه است. یادگاری باشکوه از قرون و اعصار. شاهکار جاودانی هنر. هنر مردمانی که از هیچ، همه چیز ساخته‌اند. هنر زندگی در سرزمینی است که شرایط زیستن در آن فراهم نیست. هنر مدیریت منابع محدود است. نشانگر جهان‌بینی کسانی است که از هیچستان کویر، پله پله تا ملاقات خدا راه ساخته‌اند و به بازآفرینی باغ ملکوت پرداخته‌اند.

طاق و ایوان و رواق از بهر چیست / تا بدانی کاندرون خانه کیست

مسجد جامع قلب شهر است. شهر از آن حیات می‌گیرد و کویر برهوت را مکان ماندن و زیستن می‌کند. مرکز ثقل شهر است. شهر، گرد آن می‌چرخد و می‌بالد. زندگی با وجود آن است که جریان می‌یابد. همه اجزای شهر با آن پیوند دارد. با آن هستی می‌گیرد. کوچه‌ها و گذرها به آن می‌رسد. در تاریخ آمده است: بر مسجد جامع یزد، هفت در گشودند. هفت! چه عدد مقدسی! هفت شهر عشق، هفت‌خان رستم، سفره هفت‌سین، هفت‌رنگ نور، هفت بار طواف. می‌گویند: هفت نماد تمامیت است. نماد کمال است. نماد همه دنیا. نماد همه آدم‌ها. همه روزها. همه شهر. پس مسجد جامع، حیاط تمامی شهر است. همه شهر به آن راه دارد. مسجد که هفت در داشته باشد، آغوشش بر همه شهر گشوده می‌شود. همه شهر، رنگ خدا می‌گیرد. مقدس

می‌شود. با آسمان پیوند می‌خورد. به ملکوت وصل می‌شود و خیرورکت و نعمت بر آن نازل می‌شود.

شهر مسجد بلند جامع کبیر / شاهکار جاودانی هنر / آیت کمال خاکیان پاک / هر کتیبه نقشی از نگار / هر نوشته رازی از جمال / برده تا عروج آسمان دو دست سبز / تا به ارمغان خاک تیره آورد / خوشه خوشه چلچراغ کهکشانش عشق

مناره‌های مسجد، محور اتصال خاک به افلاکند. این نقش محوری را پیش از اسلام شعله‌های یک آتشگاه ایفا می‌کرد. صاحب‌نظرانی چونان آرتور کریستین سن، آرتور پوپ و استاد محمد کریم پیرنیا معتقدند این مسجد بر جایگاه آتشکده‌ای ساسانی بنا شده است. ماکسیم‌سیرو باستان‌شناس فرانسوی نیز بر همین اعتقاد است. او شواهدی را نیز برای اثبات این که بنای اولیه مسجد عتیق یزد به قرون اولیه اسلامی باز می‌گردد، ارائه کرده است.

بر اساس آنچه در کتاب‌های تاریخ محلی آمده است، علاءالدوله کالنجار (یا کالیجار) سنگ بنای مسجد جامع یزد را در قرن پنجم هجری قمری گذاشت. او از امرای عهد کاکویی بود. همسرش ارسلان‌خاتون نیز در آبادانی مسجد همتی داشت. از آن زمان، آبادانی مسجد در دوره‌های مختلف تا عصر حاضر تداوم داشته است؛ و در طول این زمان قصه‌ها و افسانه‌ها و آیین‌ها یافته است.

مراسم اربعین امام حسین (ع)

مراسم اربعین امام حسین (ع) نسبت به دیگر مراسمی که در طول سال در مسجد جامع یزد برگزار می‌شود از شکوه و رونق بیشتری برخوردار است. برای برگزاری این آیین چند روز قبل از اربعین، اهالی محل و محله‌های هم‌جوار با کمک یکدیگر مسجد را می‌بندند. یعنی دورتادور دیوارهای صحن مسجد را با پارچه‌های سیاه و سبز و علم‌ها آذین می‌کنند و پوش بزرگی به اندازه صحن مسجد به حالت خیمه بالا بر پا می‌کنند و به اصطلاح پوش کشیده می‌شود. انجام این کار به بیش از صد نفر نیازمند است و همراهی و همدلی اهالی را می‌طلبد. به این ترتیب مسجد آماده استقبال از هیئت‌های عزاداری می‌شود.

از آغازین ساعات صبح اربعین دسته‌ها و هیئت‌های عزاداری محله‌های شهر به ترتیب وارد مسجد می‌شوند و به نوحه‌خوانی می‌پردازند. در این روز جمعیت بسیاری به مسجد می‌آیند و عزاداری‌شان تا ظهر اربعین ادامه دارد. برگزاری این آیین در مسجد جامع قدمت چندانی ندارد؛ اما از استقبال بی‌نظیر و پرشور مردم یزد برخوردار است.

محرابی متبرک به تربت کربلا

مردم معتقدند که در ساخت محراب مسجد جامع یزد از تربت کربلا استفاده شده است و بر اساس همین باور، معتقدند با نماز گزاردن و رازونیز در آن حاجاتشان برآورده می‌شود. این اعتقاد ریشه تاریخی دارد. در کتاب تاریخ مفیدی آمده است: سنی فاطمه (همسر امیرچخماق شامی) منبری از کاشی الوان در مسجد بنا نهاد و برای ساخت آن «از کربلای معلی خاک عنبربیز در پشت شتران و دواب به یزد نقل نمود». در این سال‌های اخیر در برابر محراب مسجد جامع یزد جداره‌ای شیشه‌ای کشیده شده است و دیگر امکان ایستادن در آن فراهم نیست. اگرچه این جداره شیشه‌ای برای حفاظت بیشتر از محراب مسجد کشیده شده اما مانعی برای نماز گزاردن زنان باورمند یزد در محراب هم ایجاد کرده است!

افسانه استاد و شاگرد

یکی از افسانه‌های عجیب‌وغریبی که درباره مسجد جامع یزد گفته می‌شود حکایت استاد و شاگردی است که گلدسته‌های آن را ساخته‌اند. چنین نقل است: شاگرد معماری بود که مدعی بود از استاد خویش پیشی گرفته و شاگرد به از استاد شده. آن دو وقتی دست‌به‌کار ساخت مناره‌ها شدند، قول دادند و قرار گذاشتند که تا پایان کار، از روش ساخت هم آگاه نشوند و کار هم را نبینند. ساخت مناره‌ها به پایان آمد و روز موعود فرارسید. آنچه استاد ساخته بود با آنچه شاگرد ساخته بود، تفاوت چشمگیری داشت! مناره ساخت دست شاگرد دوراه داشت. یکی برای بالارفتن و دیگری برای پایین آمدن اما آنچه استاد ساخته بود، راه رفت و برگشتش یکی بود. استاد پس از مشاهده شاهکار شاگردش خود را از بالای مناره به پایین انداخت و جان داد! شاگرد هم با دیدن این صحنه به دنبال استاد، خود را به پایین پرت کرد و از دنیا رفت! بعضی می‌گویند: مدفن استاد و شاگرد زیر تقاهای درگاه مسجد است. بعضی می‌گویند دو ستون مرمرین جلو

خان مسجد محل دفن آن استاد و شاگرد است؛ درحالی که این دو ستون متعلق به حمای بوده که زمانی روبروی مسجد بوده است. بعضی هم محل دفن آن استاد و شاگرد را پای مناره‌ها و دقیقه در صفت‌های درگاه مسجد می‌دانند.

از ویژگی قابل توجه در این مناره‌ها بیشتر بودن قطر گلدسته سمت راست نسبت به گلدسته سمت چپ است که این تفاوت بسیار نامحسوس است. به قول حسین زمرشیدی در مقاله «سیری در نماسازی مساجد در ادوار اسلامی»: این نوع ساخت مناره اولین تجربه در گلدسته سازی بوده است. تا قبل از احیاء و بازسازی مسجد که با همت مرحوم حجت‌الاسلام وزیرری صورت گرفت، کاشی‌کاری دو مناره با هم متفاوت بوده است. این تفاوت را در عکس‌های قدیمی مسجد می‌توان مشاهده کرد.

قرائت‌خانه مسجد جامع یزد

در قسمت جنوب شرقی صحن مسجد جامع یزد، فضایی به طول سه و به عرض دو و نیم متر با آجرهای مشبک (فخر و مدین) و به ارتفاع تقریبی یک متر محصور شده است. از قدیم‌الایام این قسمت از مسجد به «قرائت‌خانه» موسوم بوده است. بر دیوار ضلع قبله آن کاشی‌های مسدس آبی‌رنگ به عرض ۵۰ و طول ۶۰ سانتی‌متر نصب است که نام‌های الله، محمد، علی، حسن، حسین آمده و تاریخ ۸۹۰ هجری دارد. ورودی این مکان در ضلع شمالی است.

گفته می‌شود مردم در قرائت‌خانه مسجد جامع، پیش یک روحانی از قرائت صحیح حمدوسوره و نماز خود اطمینان حاصل می‌کردند. بعضی هم آنجا را قدمگاه و محل نماز گزاردن امام حسن عسکری (ع) می‌دانند. احتمال دارد این مکان محل اعتکاف بوده باشد. روایات تاریخی متعددی از معتکف شدن اشخاص در مسجد جامع یزد نقل شده است. مؤلف جامع مفیدی نوشته است: «شیخ اسماعیل صوفی سی‌سال است که در مسجد جامع کبیر گوشه خلوتی اختیار کرده و اوقات را صرف عبادات می‌نماید...» و در جایی دیگر آورده است: «شیخ احمد صایم الدهر مدت چهل سال در غرفه مسجد جامع کبیر مجاور و معتکف بود.»

عنایت حضرت محمد (ص) در کتابت سوره فتح

بهاءالدین هزاراسب از خطاطان معروف و به تعبیر مؤلف جامع مفیدی «سرآمد خوشنویسان» دوره حکومت شاه نظام کرمانی (قرن نهم) بود. زمانی که شاه نظام تصمیم داشت مسجد را به کتیبه انا فتحنا مزین نماید، از بهاءالدین خواست تا با خط زیبایش آن را بنویسد. بهاءالدین که هشتاد سال از عمرش گذشته بود با وجود کهولت و ناتوانی بسیاری که داشت مسئولیت این کار را پذیرفت. او همان شب خواب دید در محضر مبارک حضرت محمد (ص) قرار دارد و ایشان او را به نوشتن سوره امر می‌فرمایند. بهاءالدین در حضور پیامبر از رعشه دست و کم‌سو بودن چشم ابراز ناراحتی کرد. پیامبر به او لطف نموده، قلم تراشیده‌ای به او دادند. زمانی که بهاءالدین از خواب بیدار شد قلم را در دست خود دید. وی نسبت به مسئولیتی که بر عهده‌اش گذاشته شده بود اقدام کرد. متأسفانه در ساخت‌وسازهای شاهزاده محمد ولی میرزا (در دوره قاجار) قسمت اعظم آن کتیبه از بین رفته است و هم اکنون بخشی از آن بر نمای ایوان صحن مسجد باقی‌مانده است.

گلدسته‌های رؤیایی

مناره‌های کنونی مسجد جامع یزد تاریخ دورودراز و پر فراز و نشیبی دارد. از مناره‌های دوران کاکویی و ایلخانی مسجد که بگذریم، سابقه آنچه امروز می‌بینیم به زمان شاه‌طهماسب صفوی باز می‌گردد. در آن هنگام آقا جمال‌الدین معروف به مهتر جمال به وزارت یزد درآمد و ضمن تعمیر مسجد جامع، دو مناره بر درگاه آن ساخت. در کتاب جامع مفیدی حکایتی جالب از ساخت این مناره‌ها نقل شده است. روایت چنین است: جمعه بود. آقا جمال‌الدین محمد برای ادای فرایض دینی به مسجد آمد. عبادت کرد و بر درگاه مسجد نشست. در این اندیشه بود که برای مسجد کاری کند. در همان هنگام شخصی از راه رسید که مشهور به علم غیب و خواب بود. وزیر گفت: «نیتی دارم و می‌خواهم کاری انجام دهم، در عالم خواب از آن باخبر شو». آن شخص اطاعت امر کرد. فی‌المجلس به خواب رفت و بیدار شد و گفت: «دیدم دو شمع سبز در دست داشتی و در دو گوشه درگاه مسجد گذاشتی». مهتر جمال در حق آن مرد اکرام و انعام فراوان کرد و برای ساخت مناره‌ها اقدام نمود.



◀ عکاس: علی محبوبی مولایی

لباس مراد

یکی از باشکوه‌ترین مراسمی که ماه رمضان در مسجد جامع برگزار می‌شود دوختن پیراهن مراد است. روز بیست و ششم ماه رمضان زنانی که حاجت دارند یا بچه‌دار نمی‌شوند و یا با یکی از بستگان خود قهر هستند و خلاصه‌گرهی در کارشان افتاده است به در خانه‌ها رفته و درخواست کمک مالی می‌کنند و پارچه می‌خرند. آن‌ها در شب بیست و هفتم چرخ‌های خیاطی خود را به مسجد برده و بین نماز مغرب و عشاء لباس می‌دوزند. بعضی هم بدون چرخ خیاطی و با دست. در گذشته علاوه بر مسجد جامع در دیگر مساجد یزد نیز پیراهن مراد دوخته می‌شد ولی اکنون برگزاری این مراسم در مسجد جامع رونق بیشتری دارد.

دوختن پیراهن مراد در دیگر نقاط ایران برگزار می‌شود که تفاوت‌هایی با فرهنگ مردم یزد دارد. صادق هدایت در کتاب فرهنگ عامیانه مردم ایران اشاره‌ای کوتاه به این موضوع دارد: «روز بیست و هفتم ماه رمضان که قتل ابن ملجم است، زن‌ها سرخاب‌وسفیدآب می‌کنند و از پول گدایی پارچه می‌گیرند و میان دوناام در مسجد پیراهن مراد می‌دوزند. این پیراهن را هر گاه به نیت سلامتی، بخت‌گشایی و یا اولاد بدوزند مرادشان برآورده می‌شود»

در کتاب «رمضان در فرهنگ مردم» نیز به این رسم اشاره شده است: «از چند روز مانده به شب بیست و هفتم، زن‌هایی که مریض دارند یا بچه‌دار نمی‌شوند به فکر دوختن پیراهن مراد می‌افتند. برای تهیه پارچه آن، زنی که نذر دارد به هفت خانه روبه‌قبله که از سادات است مراجعه کرده و کمک می‌طلبد. صاحب‌خانه هم با روی گشاده، مقداری پول به آن زن داده و جهت برآورده شدن حاجتش دعا می‌کند. برای گرفتن کمک سعی می‌کنند سراغ خانه داغدیده نروند، زیرا معتقدند که شگون ندارد. پس از خرید پارچه در مسجد جمع شده و به دوختن آن مشغول می‌شوند و تا زمانی که حاجتشان برآورده نشده آن را به تن می‌کنند. در یزد بیشتر زنان برای دوختن پیراهن مراد به مسجد امیرچخماق می‌روند. در این مسجد سنگ مرمری است مشهور به سنگ مراد که روی آن کتیبه‌ای حک و بر دیوار محراب نصب شده است گفته می‌شود که دوختن پیراهن مراد در مقابل این سنگ، باعث می‌شود که حاجت زودتر برآورده شود.»

مسجد جامع یزد در روزهای بیست و ششم و به‌ویژه بیست و هفتم ماه مبارک رمضان مملو

از زنان و دخترانی است که گرد هم جمع آمده‌اند و مشغول دوختن لباس مرادند، آنان پس از آماده‌شدن چادر نماز، پیراهن، شلوار، کیسه پول و.... . برخی معتقدند همراه داشتن این کیسه کوچک که در آن آیات ۱۷ و ۱۸ سوره «تغابن» و آیه ۱۰ سوره «اعراف» با تعدادی سکه قرار می‌دهند، باعث افزودن و برکت مال می‌شود.

با لباس دوخته شده در برابر محراب مسجد می‌ایستند و شش نماز دور کعتی می‌خوانند. پنج نماز به نیت پنج تن آل عبا و یک نماز حاجت. برخی معتقدند که هر کدام از نمازها در جایگاه خاصی باید خوانده شود، مثلاً دو رکعت نماز حاجت و دو رکعت نماز حضرت محمد (ص) در برابر محراب، نمازهای حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در سمت راست محراب و نمازهای حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) سمت چپ محراب.

بقعه قل هو اللهی

یکی از بناهای متبرک در استان یزد بقعه قل هو اللهی است. این بنا خارج از مسجد جامع و در برابر درب غربی مسجد واقع شده است. وجه تسمیه این مکان باتوجه به عقیده عوام انتخاب شده، آنها بر این باورند برای رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات باید در این بقعه با نیت خالص هزار مرتبه سوره اخلاص خوانده شود و گروهی دیگر از مردم معتقدند هفت هفته باید به این مکان آمد و در هر هفته هزار سوره اخلاص خواند.

به روایت مردم در این بقعه خاندانی دفن هستند که شجره سیادت آنها به امام جعفر صادق می‌رسد و از سادات عریضی هستند، همچنین در بین عوام نقل است این خانواده در راه یزد مورد حمله و تجاوز گروهی قرار گرفتند و به شهادت رسیدند.

در بقعه قل هو اللهی مراسم خاصی نیز برگزار می‌شود. عصر روزهای دوشنبه بسیاری از زنان یزدی در این محل جمع شده و به نماز و دعا مشغول می‌شوند. بعضی از آنها پس از برآورده شدن حاجات خود سفره می‌اندازند و با دادن نان و پنیر و سبزی نذر خود را ادا می‌کنند و بعضی دیگر برای تعمیر و مرمت بقعه، نذورات نقدی می‌پردازند. ایشان بر این باورند که با توسل در این مکان، بیماران زیادی شفا یافته‌اند و مادران بسیاری صاحب فرزند گشته‌اند.

داستان دو خواهر

از داستان‌های واقعی که سندیت تاریخی دارد داستان دو خواهری است که در آبادانی مسجد جامع نقش بسزایی داشتند. در متون تاریخی نقل است: زمانی که دختران علاءالدوله کالنجار به یزد آمدند، پس از چندی حکومت شهر را در دست گرفتند و به آبادانی و عمران آن مشغول شدند، آن‌ها از متمولین و ثروتمندان بودند و با وجود مکت و دولتی که داشتند بسیار باتقوا و پرهیزگار.

چنین نقل است که این دو خواهر از درآمد پنبه‌ریسی، روشنایی مسجد را تأمین می‌کردند و با فروش طلا و جواهرات خود قسمتی از مسجد جامع را ساختند. آنچه از اوراق تاریخ به‌جای مانده حکایت از این دارد که آنها جماعت‌خانه‌ای در جنب مسجد جامع ساختند که اغلب در زمستان مورد استفاده مردم بوده است.

آقای انتظاری مدیر پیش‌کسوت کتابخانه وزیری یزد، حکایت جالبی را از دختران علاءالدوله کالنجار نقل می‌کند: حدود سال ۱۳۷۳ اداره میراث‌فرهنگی در حال کاوش و مرمت بخشی از مسجد جامع بود. هم‌زمان با کار اداره میراث‌فرهنگی دختر حاج حسین خجسته خواب می‌بیند که دو خواهر به نام‌های «بتول» و «عذرا» به او می‌گویند: به آن‌هایی که می‌خواهند نبش قبر ما کنند بگو ما را از این قبر به آن قبر نکنند! یعنی ما را جابه‌جا نکنند! پس از آن رؤیا اهالی محل مانع انجام کار اداره میراث‌فرهنگی می‌شوند و دو صورت قبر برای آن دختران فراهم می‌آورند در حال حاضر بسیاری از دور و نزدیک برای زیارت این دو خواهر می‌آیند و بر سر قبر آنها نماز و دعا خوانده و حاجت طلب می‌کنند. در کتاب جامع مفیدی و تاریخ یزد از این دو خواهر یاد شده و داستان‌هایی درباره آنها ذکر شده است. مورخان چنین آورده‌اند:

«چون خطه یزد به دختران فرامرز بن علی گرشاسب ابن علاءالدوله کالنجار قرار گرفت سلطان سنجر، یکی از امرای فرامرز بن علی را فرمود که اتابک دختران باشد و ضبط مملکت او بدهد. اهالی یزد اتفاق بر اتابک سام کردند و اتابک سام ضبط مملکت داد و دختران در یزد ساکن شدند و به عمارت و وزارت مشغول گشتند و به‌غایت خداترس و پرهیزگار بودند، به مرتبه‌ای که با وجود سلطنت سلیمان صنعت از کسب دوک و سوزن طعام خوردندی و هر روزه ده گوسفند

شیلان ایشان بود و یتیمان و بیوگان و اسیران را نفقه کرده بودند و در جنب مسجد جمعه قدیم که آن از استحداث علاءالدوله کالنجار بود. جماعت‌خانه مردم بساختند جهت زمستان خانه مسجد و در جنب جماعت‌خانه گنبدی جهت مدفن خود ساختند و در آنجا مدفون هستند و مردم به زیارت روند و حاجت خواهند و به مراد رسند و دائم‌الاقوات در این مسجد به تلاوت و طاعت مشغول باشند و این جماعت‌خانه از اهل الله خالی نباشد و آن را جماعت‌خانه دختران خوانند.»

بخت‌گشایی

یکی از جالب‌ترین آداب و رسومی که در مسجد جامع یزد برگزار می‌شود و امروزه کم‌رنگ‌تر شده است، رسم بخت‌گشایی است. کسان باورمندی که حاجت مهمی دارند و یا می‌خواهند بختشان باز شود، روزهای جمعه (ترجیحاً جمعه اول و آخر ماه) به مسجد می‌آیند و از پله‌های مناره بالا می‌روند. در آنجا دو رکعت نماز حاجت و سوره یاسین می‌خوانند، هفت بار دور گنبد می‌چرخند و حاجتشان را طلب می‌کنند. هنگام بازگشت اندکی نبات یا پول در گوشه چادر خود می‌بندند یا در هر پله گردویی می‌شکنند و مغز گردوها را در گوشه چادرشان می‌بندند؛ و معتقدند اگر مردی گوشه چادر آن‌ها را باز کند، بختشان و گره از کارشان گشوده خواهد شد، و به حاجتشان خواهند رسید. روایت صدیقه رمضانخانی در کتاب «فرهنگ عامه مردم شهر یزد» از این آداب و رسوم، شاخ و برگ‌های دیگری دارد: دختران برای باز شدن بخت خویش مقداری گردو یا بادام و یک عدد قفل بسته را برداشته و به همراه پیرزنی از بستگان یا ملایی که از وی قرآن آموخته بودند به مسجد جامع می‌رفتند. مقداری قند و نبات یا نقل و شیرینی به‌عنوان «دهن شیرینی» به خادم مسجد می‌دادند. خادم در ورودی مناره‌ها مسجد را به رویشان باز می‌کرد. در هنگام بالارفتن در هر پله یک عدد گردو یا بادام می‌شکستند؛ وقتی به مناره می‌رسیدند اگر گردو و بادامی زیاد آمده بود، به فال نیک می‌گرفتند. در آنجا کلید قفلی را که با خود آورده بودند گوشه چادرشان گره می‌زدند و دو رکعت نماز حاجت می‌خواندند. به دور گنبد هفت بار می‌چرخیدند و حاجت خود را طلب می‌کردند و از پله‌ها پایین می‌آمدند. از اولین مردی که با او مواجه می‌شدند، می‌خواستند گره چادرشان را باز کند و با کلید، قفل بسته را بگشاید؛ و چه بهتر آن که آن مرد، هنوز ازدواج نکرده باشد.

چنین رسم و آیینی در برخی از شهرهای دیگر هم رواج داشته است. صادق هدایت در کتاب

نیرنگستان روایت کرده است: در محله جویباره اصفهان مناری به نام «سر برنجی» است که دختران برای بخت‌گشایی بالای آن می‌روند و روی پله‌هایش گردو می‌گذارند و شعری می‌خوانند. هنگام برگشت گردوها را می‌شکنند و معتقدند سفیدبخت می‌شوند. این رسم را آقا جمال خوانساری در کتاب «کلثوم ننه» با آب‌وتاب بیشتری ذکر کرده است. هر که کنجکاو است خود مراجعه کند و بخواند!

یهودی‌نشین بودن اطراف مسجد جامع یزد

یکی از نکات جالب‌توجه و قابل‌تأمل در مورد مسجد جامع یزد، یهودی‌نشین بودن اطراف آن است. یهودیان ساکن یزد در سال‌های اولیه اقامت خود در محلات یعقوبی، مریم آباد و سرسنگ زندگی می‌کردند اما به‌مرورزمان به مرکز اصلی شهر یعنی مسجد جامع نقل‌مکان کردند و در بخش‌هایی چون چهارسوق شاهی، کوچه بقعه، کوچه دارالشفاء و کوچه مشروطه ساکن شدند.

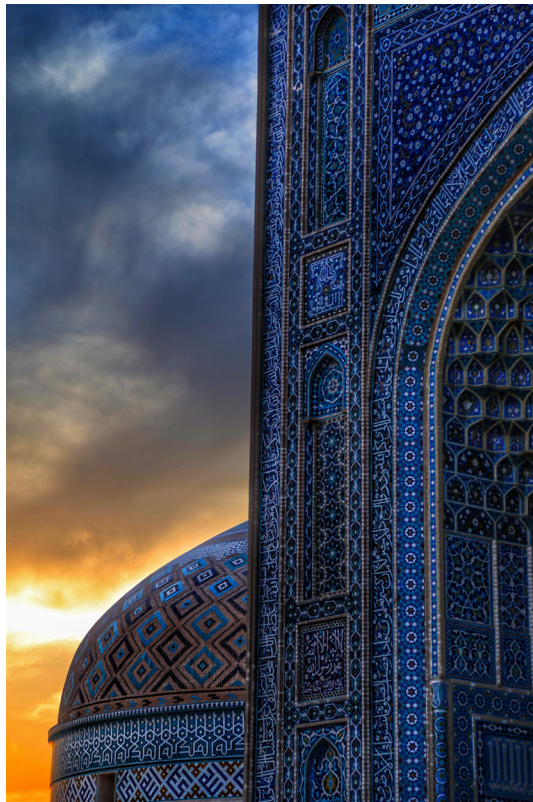
یهودیان در اطراف مسجد جامع به احداث کنیسه‌های زیادی مانند کنیسه یوخوت واقع در خیابان مسجد جامع، کنیسه کمال و کنیسه ملا یوسف در کوچه مشروطه، کنیسه هاداشی و ملا آقا بابا در محله چهارسوق، کنیسه الیاهر در کوچه بقعه و... پرداختند که اکنون تعداد اندکی از آن‌ها باقی است.

سابقه حضور یهودیان در اطراف مسجد جامع یزد، حداقل به دوران صفوی باز می‌گردد، چرا که محمد مفید مستوفی بافقی در کتاب خود به خانه‌های یهودان اشاره دارد که در حوالی چهارسوق بوده است. حتی گاه از چهارسوق شاهی به نام چهارسوق یهودی‌ها هم یاد می‌شود. مهدی مخبری در کتاب «اقلیت‌های دینی زرتشتی و کلیمی» علت نقل‌مکان یهودیان به اطراف مسجد جامع را این‌گونه بیان می‌کند: «باتوجه‌به اینکه [یهودیان] اکثراً به شغل آزاد از قبیل بزازی و خرازی و فروشندگی اشتغال داشته‌اند، سعی نمودند به محله‌هایی عزیمت نمایند که نزدیک بازار باشد و به همین خاطر در محله مسجد جامع سکونت گزیدند.»

بعضی نیز این‌گونه نقل می‌کنند که یهودیان گاهی به‌واسطه اختلافات و تعصبات مذهبی با برخی از مسلمین درگیر می‌شدند و مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. بنابراین از محلات یعقوبی،

سرسنگ و مریم آباد به اطراف مسجد جامع که حرم امن الهی است نقل مکان کردند تا با احساس خطر، سریعاً به خانه خدا پناهنده شوند و در امان بمانند. نمونه‌های زیادی از پناهندگی مجرمان به خانه خدا و اماکن متبرکه در طول تاریخ روایت شده است. ایمان قلبی قوی مردم مانع از این می‌شد تا کسی را (حتی اگر مجرم باشد) در مسجد دستگیر نمایند.

دکتر مهدی بهزاد روایتی شگفت از هم‌زیستی مسلمانان و کلیمیان در یزد دارد: شاهد بوده‌ام در روزه‌خوانی‌های دهه اول محرم که در مسجد جامع برگزار می‌شد دسته کلیمی‌ها همانند دسته‌جات محله‌های دیگر به مسجد می‌آمدند.



◀ عکاس: علی محبوبی مولایی

“

در گفتگو با هنرمندانی که مسجد جامع سوژه فعالیت‌هایشان هست

مسجد جامع یزد، جایی میان زمین و آسمان

ثریا آسایش

استان یزد آثار تاریخی و طبیعی زیادی دارد؛ اما مسجد جامع یزد گویی معرف یزد است البته مسجد جامع یکی از زیباترین مساجد در دنیا است و به حق سزاوار است که شهری را به زیر سیطره خود ببرد و گفتنی است که قریب به اتفاق بازدیدکنندگان به این دلربایی اذعان دارند؛ اما چگونه یک اثر استثنایی می‌شود و گذر زمان نیز خراشی بر روی پیکره آن ایجاد نمی‌کند و همچنان پرصلابت ایستاده است؟

شاید معمار عمارت خاص بوده شاید مردمان آن دوره خواهان مکانی شگرف بوده‌اند و شاید حاکمان قدرت خود را در مساجد فوق‌العاده می‌دیدند حتی شاید خدا نیز آنجا را مستثنی کرده است. به‌رحال مجموعه عوامل امری استثنایی را پدید می‌آورند و به ظن تصادف چنین امکانی ممکن نیست. با تنی چند از هنرمندانی که مسجد جامع یزد را سرمشق کارهای هنری خود کرده‌اند به گفتگو نشستیم تا از زاویه دید آنها مسجد جامع را بیشتر بشناسیم.



◀ نقاش: سیدعلی چیتی

صلابت مسجد جامع دیدنی است

سید علی چیتی هنرمند باسابقه و نقاش یزدی در خصوص مسجد جامع می‌گوید: بنده با آبرنگ همچنین رنگ‌وروغن روی مخمل از مسجد جامع طرح کشیده‌ام و بر اساس علاقه شخصی کار با آبرنگ در طراحی مسجد جامع را ترجیح می‌دهم و در واقع شاید نقاشی روی مخمل نتواند آن صلابتی که در مسجد است را بازتاب دهد؛ اما تاندازه‌ای انسان را نزدیک به حال و هوای خاص معنوی می‌کند.

وی در خصوص مسجد جامع خاطر نشان می‌کند: این مسجد دارای ویژگی خاصی است که افراد را جذب می‌کند نه تنها از جهت معماری بلکه با توجه به قدمت آن که همچنان پابرجا است تمام این ویژگی‌ها باعث می‌شود انسان جذب این اثر باستانی شود و فرقی نمی‌کند افراد در چه رشته و حیطه‌ای باشند؛ اما در نهایت آدم‌ها دوست دارند که در زمینه مسجد جامع فعالیت کنند همچنان که بنده از نماهای مختلف مسجد جامع کار کردم.

چیتی خصوصیت دیگر مسجد جامع را نمای تاریخی آن می‌داند که سال‌های سال صلابت و تازگی خود را حفظ کرده است.

وی با بیان اینکه خود علاقه‌مند به آثار باستانی هستم در بین اثر تاریخی مسجد جامع یزد شاخص است و من تابلوهای زیادی در خصوص آثار باستانی کار کردم؛ ولی بیشترین گرایش من در کشیدن طرح از مسجد جامع بوده است

نقاش یزدی با بیان اینکه در زمان ایلخانیان مردم بیشتر جذب کارهای معماری می‌شده‌اند گفت: در آن دوره به این کارها بیشتر بها داده می‌شده است و مردم تمایل داشته‌اند محل سکونتشان برای خود و گردشگران جذابیت داشته باشد و برای زیست شهروندان لذت‌بخش گردد، بر همین اساس از فضای آنجا به طور مطلوب استفاده می‌کردند.

چیتی ادامه داد: معمارهای در حاضر قابل‌مقایسه با معماران دوره ایلخانیان نیستند و در واقع افکار ساخت مسجد جامع در حال حاضر نیز در بین مردم وجود ندارد.

وی با بیان اینکه مردم بر اساس علاقه، سبک معماری و هنر خود را تعیین می‌کنند؛ زیرا بر اساس ذات و فطرت انسان است که گرایش به چیزی وجود دارد گفت: در حال حاضر زندگی‌ها ماشینی شده و مشکلات اقتصادی وجود دارد و تمام این‌ها باعث شده مردم نتوانند بر اساس علایق خود کاری را انجام دهند و نسل به نسل این هنر ارزشمند از دوره ایلخانیان تا به امروز کمتر شده است و دیگر شاهد شاهکارهای مثل مسجد جامع نباشیم و ضروری است آثاری چون مسجد جامع بیشتر شناسانده شود تا میزان ارزش‌دهی نسل قدیم به معماری و زیست‌بوم معرفی گردد.

چیتی با بیان اینکه سبک معماری نمای منحصر به فرد مسجد جامع آدم را جذب می‌کند می‌گوید: من از چند نما از جمله پشت‌بام و روبه‌رو چندین اتود می‌زنم و بعد بر حسب سلیقه یکی را رنگ می‌کنم و تمام این امور برآمده از حس است و کار ذوقی است و هیچ اجباری در طراحی و نقاشی وجود ندارد که از کدام قسمت طرح بزنم.

مسجد جامع یزد، از لحاظ هنر معماری خاص است

محسنی هنرمند و هیئت‌علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه صنعتی شاهرود می‌گوید: بنده بنا به اقتضای شغل عمده و وقتم صرف تدریس و پژوهش در حوزه معماری می‌شود و در کنار این حرفه گاهی خطاطی و نقاشی نیز می‌کنم. با توجه به پژوهش‌هایی که در زمینه نقوش هندسی و آرایه‌های بناهای تاریخی و نیز معناشناختی آنها داشته‌ام، همیشه در پی فرصتی بودم که به نقاشی این آرایه‌ها پردازم تا بتوانم نسبت به جزئیات طراحی آنها اشراف بیشتری پیدا کنم و در راز و رمز آنها بیشتر تأمل کنم که خوشبختانه فرصتی دست داد و در سال گذشته به طور اخص به برداشت و طراحی و نقاشی چند مورد از کاشی‌کاری‌های بناهای تاریخی ایران، من جمله مسجد جامع یزد، با تکنیک آبرنگ و گواش پرداختم.

مسجد جامع یزد، هم از لحاظ هنر معماری و هم از نظر هنرهای وابسته به معماری حائز اهمیت و قابل بررسی ویژه است. حضور در فضای مسجد جامع خود فرصت بی‌بدیلی است برای آشنایی با این هنرها و برداشت و ضبط آنها جهت به کارگیری در معماری بناهای جدید.

محسنی اذعان می‌دارد که باتوجه‌به این که مسجد جامع به شیوه آذری ساخته شده است، تزیینات جایگاه ویژه‌ای در آن دارند و از لحاظ آرایه‌ها بسیار متنوع و غنی است. این بنا با کاشی‌های معقلی و معرق مزین به انواع گره‌های هندسی، اسلیمی و خطایی و خوشنویسی آیات قرآن و اسماء متبرک پوشانده شده است و در واقع با این کار هم از بنا در برابر مخاطرات و آسیب‌های محیطی حفاظت می‌کردند و هم از لحاظ معنایی با این نقوش و رنگ‌های نشسته بر آن به ماده شرافت می‌بخشیدند و اسباب تعالی فضای روحانی مسجد بودند. هماهنگی هندسی در این بنا و در تزیینات آن به وحدت راه می‌برد و موجب حظ بصر بیننده است و رنگ‌های غالب لاجوردی و فیروزه‌ای آرامشی در جان مخاطب می‌نشانند. اسلیمی‌ها و ختایی‌ها نیز الفبای معنایی ویژه‌ای دارند. در واقع اسلیمی‌ها نماد فرایندهای کیهانی‌اند و ضرب‌آهنگی دارند که حکایت از زمان بی‌آغاز و انجام و سیلان و چرخش ابدی دارند. نگاره‌های اسلیمی و ختایی همچنین نماد کثرت بی‌پایان آفرینش و تجلی‌های پی‌درپی هستند که از "واحد" سرچشمه می‌گیرند و نشانی از کثرت در وحدت‌اند. بدین ترتیب این آرایه‌ها به طور ناخودآگاه تأثیراتی بر مخاطب دارد و فضا را روحانی می‌سازند.

وی در خصوص توانمندی خالقان این اثر ماندگار بیان می‌دارد که معمار مسجد جامع و هنرمندان مؤثر در خلق این بنا، نه‌تنها در زمینه معماری بلکه در حوزه علوم باطنی آگاه بوده‌اند. یعنی در حقیقت نسبت به تأثیرات ظاهری و باطنی فضایی که خلق می‌کردند و نیز به خط و خطوط و رنگ نگاره‌های نشسته بر سطوح فضا واقف بودند.

محسنی با بیان اینکه در دنیای معماری امروز، تکنیک‌های ساخت، جهان‌شناسی و زیبایی‌شناسی معماران نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده است به این مسئله اشاره می‌کند که تقلید مطلق از معماری بناهای گذشته قطعاً راه‌حل مناسبی در طراحی نیست. اما می‌توان با مشاهده و مطالعه معماری و تزیینات معماری، الگوهای کهنی که ریشه در فرهنگ و ملیت ایرانی و پیشینه‌ای به درازای تاریخ ایران دارد را برداشت کرد و از این کهن‌الگوها در طراحی بناهای جدید بهره گرفت.



◀ نقاش: خانم محسنی

استاد دانشگاه شاهرود مساجد قدیم یک را نقطه شاخص در داخل بافت شهری می‌داند که گویی تمام عناصر شهری را به هم پیوند می‌زنند و اشاره می‌کند که مسجد جامع یزد باتوجه‌به اینکه در شیوه آذری ساخته شده قامت بلندی در فضای شهری پیدا کرده است و ایوان و مناره‌های بلند ورودی و تزیینات بسیار بی‌بدیل و فاخر آن در شهر نسبت به دیگر بناها جلوه‌گر است و از نقاط مختلف شهر خودنمایی می‌کند و مخاطب را به خود دعوت می‌کند. جایگاه کلیدی این مسجد زمانی بر ما روشن می‌شود که مشاهده می‌کنیم دیگر فضاهای شهری اعم از خانه‌ها، بازار، آب‌انبار و غیره گرد این مسجد نشسته و گویی شهر از آنجا گسترش یافته است.

وی در ادامه بیان می‌دارد که مسجد جامع و بافت شهری متصل به آن، تاریخ و هنر و فرهنگ شهر را نمایندگی می‌کنند، لذا حفظ و نگهداری این بافت ارزشمند و با هویت شهری در درجه اول و درجه دوم مطالعه و پژوهش در مورد معماری و آرایه‌های تزیینی این مسجد و اثرات آن بر دیگر فضاهای شهری و همچنین مفاهیم پنهان در آنها و برداشت الگوهای کهن نهفته در آن جهت استفاده در معماری امروز ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مسجد جامع، شاخصه یزد است

قنبری نقاش یزدی با بیان اینکه من روی سفال و سرامیک نقاشی می‌کشم و در ابتدا لعاب می‌زنم بعد در کوره پخت می‌کنم، می‌گوید: نقاشی از علایق دوران کودکی من است و در دانشگاه هنر نقاشی خوانده‌ام البته نقاشی دانشگاهی با نقاشی روی سفال تفاوت دارد و برای اینکه شغل داشته باشم و درآمدزایی کنم نقاشی روی سفال و سرامیک را به‌عنوان شغل انتخاب کردم.

وی با بیان اینکه بنده یزدی هستم و این شهر گردشگری است و نماد شهر یزد مسجد جامع است و هر مسافری علاقه‌مند است یک نمادی از یزد را به‌عنوان یادگاری با خود ببرد بر همین اساس نقاشی از مسجد جامع را بر روی سفال اجرا کردم.

نقاش یزدی با اعلام اینکه مسجد جامع از نظر تاریخی خیلی قدمت دارد و کاشی‌های آن خاص

است همچنین مناره‌های ویژه‌ای دارد که متعلق به دوره‌ای است که شیوه‌های بلند معماری رایج بوده است همچنین نقش شمسه‌ای که با کاشی معرق اجرا شده و داخل مسجد به کاررفته و تنها مختص مسجد جامع یزد است، تمام این موارد مسجد جامع را متمایز کرده است.

وی با بیان اینکه شاخص یزد همین مسجد جامع است و جلوه‌های دیگر طبیعی و تاریخی در یزد در سایر نقاط کشور نیز قابل یافت است نقطه منحصر یزد به‌ویژه از نظر معماری مسجد جامع است در واقع کسانی که به تاریخ، هنر و فرهنگ علاقه‌مند هستند مسجد جامع را نماد یزد می‌دانند.

قنبری بلندی و ارتفاع مسجد جامع را یکی از دلایل گیرایی آن می‌داند که به همین دلیل جذب مسجد شده است و می‌گوید: من علاقه زیادی به ارتفاع دارم و مکان‌های مرتفع دلربا هستند به‌گونه‌ای که حس پرواز را به انسان منتقل می‌نماید و به علت ارتفاع زیاد فرد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و حس خیلی خوبی منتقل می‌کند. من به مسجد جامع به‌عنوان مکانی که مردم در آن نماز می‌خوانند نگاه نمی‌کنم؛ بلکه به‌عنوان یک اثر ارزشمند تاریخ، فرهنگ و هنر ایران توجه می‌کنم.

قنبری عظمت و رنگ مسجد جامع را در خور نگرش می‌داند که قابلیت انتقال به مخاطب را دارد و خاطرنشان می‌کند: انتقال وجه عظمت مسجد در آثار هنرمندان به درون خود هنرمند برمی‌گردد که به چه میزان با اثر ارتباط برقرار کرده است وقتی قلم و دست هنرمند روی کاغذ قرار می‌گیرد ناخودآگاه علاقه درونی نیز با قلم و دست به سطح انتقال پیدا می‌کند؛ مانند آشپزی که با عشق غذا می‌پزد و نتیجه کار خوشمزه می‌شود و یا خوشنویسی که دارای صفای دل است و می‌تواند روی مخاطب اثر بگذارد.

نقاش یزدی با اذعان به اینکه افراد زیادی که کارهای من رو دیده‌اند، بیان می‌کنند که حس آرامش دریافت می‌کنند و تمام این‌ها درونی است و صفای درون در واقع یک بی‌آلایشی درونی است؛ یعنی انسان در درون خود به مفاهیمی برسد در نتیجه منجر به انتقال خوب معانی به مخاطب می‌شود به‌ویژه افرادی که دارای گیرایی متفاوت هستند یا آدم‌های عمیق و اهل تفکر هستند که حس ششم قوی نیز دارا هستند.

بارزترین اثر هنر معرق در مسجد جامع یزد است

بردیا محقق معرق کار یزدی با بیان اینکه معرق کاشی هنری با قدمت ۹۰۰ سال است می‌گوید: اوج این هنر در قرن هفتم در دوره ایلخانان بوده است که بارزترین اثر هنر معرق را در مسجد جامع یزد می‌توان یافت.

وی با بیان اینکه قراردادن تکه‌های کاشی در کنار هم که تشکیل یک هندسه با بیان دقیق‌تر شمسه بزرگ می‌دهد را کاشی معرق می‌گویند و خاطرنشان می‌کند: بنده در سال ۹۶ بدون اینکه آموزش ببینم با آزمون و خطا یک روش جدید که با روش قدیمی معرق کاشی از نظر نحوه اجرا کاملاً متفاوت است ابداع کردم در این روش دقت کار بیشتری نسبت به روش سنتی دارد و در واقع ظرافت بیشتر و سرعت کار کمتر است و ۳۰ کار تولید کردم اما در حال حاضر کار معرق به علت عدم درآمدزایی انجام نمی‌دهم.

محقق با اذعان به اینکه مسجد جامع موزه کاشی معرق محسوب می‌شود و در اجرای معرق کاشی از طرح‌های سنتی مسجد جامع با روش ابداعی خودم استفاده کردم.

وی ویژگی خاص مسجد جامع را تنوع طرح در زمینه معرق اعلام می‌کند و می‌افزاید: با نگاه به طرح‌های معرق مسجد جامع این نکته هویدا است که طرح‌ها پخته و فکر شده است و بدون استثنا طرح‌ها دارای برنامه و هدف است.

محقق با بیان اینکه طرح‌های من در زمینه معرق با طرح‌های مسجد جامع باتوجه‌به نحوه اجرا متفاوت، دقیق‌تر است اما نمی‌توان به اساتید و معماران دوره ایلخانی خرده گرفت؛ زیرا مواد، ابزارآلات و تکنولوژی بر روی کار من باتوجه‌به زمان جدید اثرگذار بوده و منجر به دقت کار بیشتری در کار من شده است.

معرق کار حرفه‌ای استان با بیان اینکه تلاش، پشتکار و خلوص نیت در استادکاران آن دوره وجود داشته که آیندگان از آن بی‌بهره یا کم‌بهره بوده‌اند.

محقق با بیان اینکه اوج هنر معرق کاشی در دوره ایلخانی بوده است که البته به علت اینکه سرعت تولید معرق کاشی پایین بوده است در دوره‌های بعد کمتر مورد استفاده قرار گرفته است؛ مثلاً در زمان صفویه به علت ساخت‌وساز زیاد از کاشی هفت‌رنگ استفاده می‌کردند هرچند ظرافت زیادی نداشته؛ اما کاشی معرق جوابگوی ساخت‌وساز زیاد آن دوره به علت سرعت پایین تولید نبوده است.





مروری بر مسجد جامع یزد در سفرنامه‌ها

شاهکار فیروزه‌ای کویر

مهتاب دره شیری

هنر در ایران به قدمت تاریخ است و معماری از کهن‌ترین هنرهای ایرانی است. هنر معماری یکی از بارزترین مظاهر تمدن هر ملت است و بر اساس آنچه از نوشته‌های تاریخی به دست می‌آید، هنر و صنعت از سال‌های بسیار قبل در ایران ریشه دارد و به همین دلیل است که تمامی گستره این مرزوبوم، مانند کتاب زنده‌ای از تاریخ، معماری و هنر ایرانی و اسلامی جلوه‌گر است

معماری ایران، از گذشته تا کنون، شناسنامه معتبر مردم در این سرزمین است و در معماری ایرانی آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسل‌ها به خوبی مشهود است. مساجد در اسلام از ارزش بسیاری برخوردارند و به‌عنوان عبادتگاه مسلمانان، جایگاه خاصی نزد پیروان این دین دارند. ایران نیز به‌عنوان یک کشور اسلامی، تعداد زیادی از این مساجد را در خود جای داده است. در هر شهری، سازندگان مساجد، تمام توان خود را به کار گرفته‌اند تا این بنا را به بهترین شکل ممکن بیاریند و هر شهر و دیار، بسته به مصالح در دسترس یا معماری بومی، مسجدی با ویژگی خاص خودش را دارد.

مسجد جامع یزد نیز جزو یکی از شگفت‌انگیزترین مساجد تاریخی کشور است. مسجدی که در

انتهای خیابان سنگ‌فرش شده‌ای است که تا رسیدن به آن می‌توانی از مغازه‌های ترمه، مس، لباس‌های سنتی و نخ‌ی و ... دیدن و خرید کنی. اندکی هم در کافه‌ها وقت بگذرانید و طعم قهوه یزدی که یکی از نوشیدنی‌های لذت‌بخش یزد است، را بچشید و بعد از آن پا به بنای ۹۰۰ ساله‌ای بگذارید که عظمت و معماری آن با داشتن بلندترین مناره‌ها، قرن‌هاست که مورد توجه معماران و محققان قرار گرفته است.

طبق شواهد تاریخی، بنای اولیه این مسجد در زمان حکومت عمرو لیث صفاری در قرن سوم هجری قمری بنا شد که با نام مسجد جامع عتیق معروف بود که متأسفانه در حال حاضر از بنای اولیه مسجد به جز یک دیوار، چیزی باقی نمانده است. در اوایل دوره آل کاکویه به دستور حاکم یزد یعنی امیر علاءالدوله، بنای مسجد دچار تغییراتی شد و مناره‌ای در کنار آن ایجاد کردند. در نیمه دوم قرن پنجم هجری قمری و در دوره یکی از امرای آل کاکویه، بنای دومین مسجد با نام مسجد جامع قدیم ساخته شد.

بنای این مسجد دارای بخش‌های مختلفی همچون شبستان، کتابخانه، ایوان و گنبدخانه بود. پس از مرگ امیر علاءالدوله، یک شبستان و مقبره نیز به بنای مسجد اضافه شد. امروزه از مسجد جامع قدیم، تنها تکیه‌ای کوچک در بخش پشتی باقی مانده است. در اوایل قرن هشتم هجری و در سال ۷۲۴ ساخت مسجد جامع به همت سید رکن‌الدین محمد قاضی آغاز شد و بدین منظور بنای مسجد جامع قدیم را تخریب کردند. پیش از پایان ساخت مسجد، سید رکن‌الدین محمد قاضی از دنیا رفت و شرف‌الدین علی یزدی در سال ۷۳۲ ساخت مسجد را به پایان رساند. در همان سال مولانا عقیف‌الدین، مناره‌ای به گنبد مقصوره قدیم اضافه کرد.

بیشترین قدمتی که برای بخشی از فضای مسجد جامع یزد که اکنون نیز وجود دارد و در آن فعالیت‌های مذهبی و اسلامی انجام می‌شد، تخمین زده‌اند، مربوط به نیمه قرن دوم ه.ق است. تاریخ احداث مسجد را نیز عصر "صفاریان" یا قبل از سلجوقیان و در دوره حکومت "عمرو لیث" (نیمه دوم سده سوم ه.ق) می‌دانند که به اعتقاد ماکسیم سیرو (محقق مشهور) این مسجد دارای انحراف قبله بود که بعدها در دوره قاجاریه تصحیح شد.

کتاب‌های زیادی از محققان و پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی در مورد سفر به یزد و بازدید

از مسجد جامع یزد به چاپ رسیده است. محمدکریم پیرنیا "پدر معماری سنتی ایران" که در کتاب «سبک‌شناسی معماری ایران» که در سال ۱۳۴۷ به چاپ رسیده، سبک‌های معماری هر منطقه را به زادگاه‌های آن‌ها نسبت داده است و از سبک آذری برای ساخت مسجد جامع یزد نام می‌برد و این سبک را منطبق با دوره ایلخانان می‌داند.

اما دونالد ویلبر پژوهشگر تاریخ معماری ایرانی - اسلامی، «معماری سلجوقی» را معماری می‌داند که برای ساخت مسجد جامع یزد از آن استفاده شده است و در کتابش با عنوان "معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان" از معماری بی‌نظیر این مسجد می‌گوید.

ادوارد براون خاورشناس بریتانیایی نیز در کتاب سفر به کشور ایران، از بادگیرها و مسجد جامع یزد به‌عنوان شاهکارهای معماری دنیا نام می‌برد.

ابن حوقل، جغرافی‌دان بغدادی قرن چهارم در کتاب صوره الارض در مورد یزد می‌گوید: بیشتر بناهای این شهر دراز شکل است و از گل ساخته شده‌اند. در آنجا شهری است استوار که قلعه‌ای با دو دروازه آهنین دارد، یکی به نام اندرو و دیگری مسجد جامع یزد.

یوهانسن اتین در کتابی با عنوان رنگ در خصوص زیبایی‌شناسی و ارزش‌های نمادین کتیبه‌های مسجد جامع یزد سخن می‌گوید و آن را نماد باشکوهی از مفاهیم اعتقادی دینی و مذهبی می‌داند که این کتاب منشأ مقالات و پژوهش‌های بسیار زیاد معماران و باستان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی در مورد این بنا می‌شود.

همچنین ویلیامز جکسون، نخستین ایران‌شناس بزرگ آکادمیک امریکایی نیز در سفر به ایران، به یزد می‌آید و از مسجد جامع یزد بازدید می‌کند و خاطراتش را در کتاب سفرنامه‌اش می‌نویسد

کتاب سال معماری و تزیینات اسلامی نوشته "اولک گرابر" مورخ و باستان‌شناس فرانسوی نیز از هنر و زیبایی این بنای تاریخی می‌گوید و آن را در کم‌نظیرترین بناها با نقوش و هنر اسلامی، دسته‌بندی می‌کند.

همچنین کتاب‌هایی چون "سیر تحول معماری ایران" نوشته غلامحسین نعیم، "مناره‌ها" اثر محمدعلی مخلص، "ماه هنر" اثر مهدی مکی نژاد، "مسجد جامع کبیر یزد" به کوشش حسین

مسرت، "سفرنامه‌ها" به قلم اکبر قلمسیاه، "شاهکار فیروزه‌ای کویر" نوشته علی‌اکبر خدایی، سوسن اژدر و فاطمه اسلامی و بسیاری از کتاب‌ها و مقالات چاپ شده دیگر در این سال‌ها، نشان می‌دهد که بنای مسجد جامع یزد از ابتدا تا کنون، مورد توجه بسیاری از زیباشناسان ایرانی و خارجی بوده است و گذشت زمان هیچ‌گاه باعث فراموش شدن این اثر تاریخی، نشده است.

حفظ بناهای تاریخی و مرمت این آثار در کشور، باید اهمیت داشته باشد و در اولویت کاری مسئولین مربوطه باشد تا همان‌گونه که نسل‌های گذشته به این تاریخ و تمدن و فرهنگ افتخار می‌کردند، نسل‌های آینده هم تاریخی برای سربلندی و افتخار داشته باشند.

“

در گفتگو با فیلمسازی که درباره مسجد جامع، مستند ساخته‌اند

مسجد جامع یزد، یک موزه تمام‌عیار است

سمانه ملازینلی

شما به راحتی می‌توانید با یک جستجو در صفحات اینترنت اطلاعاتی از مسجد جامع یزد به دست بیاورید و با ویژگی‌های این مسجد به صورت تیتروار آشنا شوید ویژگی‌هایی چون کاشی‌کاری‌های زیبا و منحصر به فرد، سر در رفیع و بلند، ارتفاع مناره‌ها، کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها و... مسجدی که به شکل یک ایوان در دل کویر می‌درخشد و یکی از شاهکارهای معماری ایران است. اما آگاهی از این ویژگی‌ها نمی‌تواند ما را با مسجدی که قدمتی دیرینه دارد و در هر گوشه و کنارش یادگارهایی از دوران گوناگونی همچون ایلخانی و تیموری و... به‌جای‌مانده است آشنا کند. برای شناخت این بنای دلربا که دور تا دورش را بافت قدیم یزد و کوچه‌پس‌کوچه‌های کاهگلی گرفته است باید به سراغ فیلم و مستندهایی رفت که مستندسازان با عشق و تعلق خاطر به مسجد جامع یزد ساخته‌اند. مستندسازی که بعد از ساخت مستند مسجد جامع، نگاهشان به این مسجد باشکوه تغییر کرد و حالا می‌توانند ساعت‌ها درباره این مکان مقدس و پر از آرامش به صحبت بنشینند.

موزه در موزه

محسن عباسی سرچشمه، کارگردان صداوسیما، مدرس دانشگاه در رشته ارتباطات تصویری و دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، یکی از مستندسازانی است که در سال ۱۳۹۸ مستند موزه مسجد جامع یزد را ساخت، مستندی که بارها در شبکه‌های سراسری پخش شد. عباسی در خصوص ساخت مستندش می‌گوید: مستند موزه مسجد جامع یک قسمت از سیزده قسمت مجموعه موزه‌های یزد است که در آن با معرفی اشیای داخل موزه، گریزی به مسجد جامع می‌زنیم و به موزه برمی‌گردیم در واقع این مستند رفت و برگشتی است بین اشیا و مسجد جامع

در این مستند به واسطه موزه، مسجد جامع یزد به مخاطب معرفی می‌شود مخاطبی که خیلی به جزئیات اهمیت نمی‌داده با چیزهایی آشنا می‌شود که کمتر شنیده و دیده، از جمله کاشی‌های معرق، درهای چوبی منحصر به فرد، کاشی‌های زرین‌فام، آجرهای نقش‌دار و... مستند موزه مسجد جامع یک مستند بیست دقیقه‌ای است که با اینکه چند سال از ساخت آن می‌گذرد هنوز هم مورد توجه شبکه‌های سراسری قرار می‌گیرد و از آن استقبال می‌شود.

کارگردان مستند موزه مسجد جامع یزد، دلیل ساخت این مستند را علاقه و توجه ویژه‌اش به مسجد جامع می‌داند و ادامه می‌دهد: به نظر من خود مسجد جامع یزد یک موزه تمام‌عیار است، شما از ورودی با در چوبی منحصر به فرد آن روبرو می‌شوید و بعد با سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌هایش، بهتر است بگوییم با موزه‌ای از سنگ‌نوشته‌ها مواجه خواهید شد.

برای ساخت مستند هفت روز فیلم‌برداری داشتیم و برایم جالب بود که مسجد جامع را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد از نظر اجتماعی، معماری، جامعه‌شناسی، خط و خوشنویسی، کاشی‌کاری، فرم و فضا. در تمام این هفت روز با جزئیات و نگاه بصری مسجد جامع یزد را دیدم و به کار خارق‌العاده طراحان، معماران و حتی بنایی فکر کردم که چطور این همه هنر و شگفتی را در اینجا پیاده کرده‌اند و به یاد حرف استاد برجسته گرافیک استاد شیوا افتادم که به ما دانشجویانش می‌گفت گرافیک یعنی مسجد جامع یزد. یا دکتر اولیا که کلاس‌های معماری‌اش را در مسجد جامع یزد برگزار می‌کرد، اینها یعنی مسجد جامع از لحاظ بصری چقدر اهمیت دارد.



◀ عکاس: ناهید صدر - دوختن پیراهن مراد

با زبان سینما مسجد جامع را معرفی کنیم

عباسی، معتقد است ویژگی خاص مسجد جامع یزد عام بودن و در دسترس بودن این مسجد است، او در این باره می‌گوید: مسجد جامع یزد پر از زوایای پنهان است، آنجا نه فقط یک مکان مقدس و مذهبی بلکه یک پایگاه اجتماعی و فرهنگی است. مسجد جامع نماد، معرف و هویت یزد است، جامعیتی دارد که آن را خاص کرده است، می‌توان صدها مقاله درباره‌اش نوشت و صدها فیلم برایش ساخت. جنبه‌های متعددی دارد که هر کدام یک دنیا است، آداب، آیین و سنن، باورها و مناسک مذهبی، معماری و گرافیک، جنبه اجتماعی آن که می‌توان به گردهمایی زنان در روز بیست و هفتم رمضان اشاره کرد که لباس مراد یا لباس بخت را می‌دوزند. من در سال ۹۶ مستند لباس مراد را ساختم که در مورد این آیین سنتی است. در سال ۱۴۰۱ مستند ۴۵ دقیقه‌ای در مورد زندگی حجت‌الاسلام سید علی محمد وزیری با چهار محور اصلی ساختم که یکی از محورها مرمت و احیاء مسجد جامع یزد توسط حاج‌آقا وزیری است که این مرمت و بازسازی چند سال طول کشید، تأثیرگذاری که مرمت مسجد جامع در احیاء و مرمت دیگر بناها گذاشت شنیدنی است به طوری که خیلی از بزرگان به طبع حاج‌آقا وزیری، مکان‌ها و بناهای دیگری که در حال تخریب بود را بازسازی کردند یا حتی به طبع ساخت کتابخانه وزیری، بزرگان شهر کتابخانه‌های دیگری در شهر احداث کردند و مشخص است که حاج‌آقا وزیری در عرصه‌های فرهنگی پیشرو و به نام بوده است.

این مستندساز در پایان اضافه می‌کند: مسجد جامع یزد بسیار جای کار دارد و نیاز است که فیلمسازان به صورت جزئی‌تر ابعاد مختلف مسجد را شناسایی و استخراج کنند و توسط زبان سینما و مستند به مردم داخل یا خارج کشور بشناسانند تا مخاطب بداند که بزرگان شهر ما، معماران و هنرمندان شهرمان چه کار شگرفی انجام دادند و چطور سالیان پیش یک معمار یا بنا توانسته بدون داشتن سواد گرافیکی محاسبه گرافیکی انجام بدهد و در فضای خالی و منفی یک گل، چهار اسم علی (ع) در بیاورد کاری که استادان برجسته گرافیک می‌توانند انجام دهند. به نظر من مسجد جامع یزد باید دغدغه فیلمساز و مستندساز شهرم باشد.

پیوند ناگسستنی با عناصر هویتی و تاریخی شهر

علیرضا دهقان فیلمساز و مستندساز یزدی است او لیسانس بازیگری، ارشد سینما از دانشگاه

هنر، ارشد پژوهش هنر از دانشکده هنر و معماری دارد و عضو هیئت علمی دانشگاه است، دهقان ساخت ۱۷ فیلم داستانی، مستند و مجموعه تلویزیونی را در کارنامه خود دارد و برگزیده ۱۵۰ جشنواره ملی و بین‌المللی است. این مستندساز که با ساخت فیلم ایساتیس و اکران آن در سینماهای یزد اقبال بهتری نسبت به دیگر مستندسازان یزد داشت برای ساخت چهار مستند خود به سراغ مسجد جامع یزد رفت و دلیل این کارش را پیوند ناگسستنی مسجد جامع با عناصر هویتی و تاریخی شهر یزد می‌داند او در این باره می‌گوید: در گذشته مساجد جامع تعیین‌کننده الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی به شمار می‌رفتند، به تعبیری مفهوم شهر اسلامی با وجود مسجد جامع تحقق می‌یافت و در این شهرها به زیباترین وجه هویت کالبدی و بصری آنها به نمایش گذاشته می‌شد. اما امروزه سیمای بیرونی عناصر شهری و در نتیجه کالبد شهر انعکاس‌دهنده هویت ساکنان آن نیست و نیز عنصر هویت‌بخش دیگر در شهرهای جدید دیده نمی‌شود. اما در شهر تاریخی یزد مسجد جامع کبیر به‌عنوان یکی از نمادهای مادی و معنوی و هویت‌بخش به کالبد شهر همچنان مورد توجه شهروندان است.

علیرضا دهقان اضافه می‌کند: اولین مستندی که در فضای مسجد جامع ساختم، بوی گردو بود. یکی از رسوم رایج در گذشته که امروز کم بیش در برخی مناطق رایج است مراسم بخت‌گشایی دختران معروف به رسم "شکستن گردو" است، افرادی که دختر دم‌بختی داشتند، مقداری گردو تهیه کرده و از پله‌های مسجد جامع بالا می‌رفتند و در هر پله یک عدد گردو را زیر پا می‌شکستند و زمانی که به بالای مسجد می‌رسیدند بر گنبد مسجد دعای خاصی می‌خواندند و هفت دور می‌چرخیدند و از پله‌ها پایین می‌آمدند. این آداب در حالی برگزار می‌شد که در دست دختر دم‌بخت، قفل و نباتی بود که وقتی دختر از پله‌های مسجد جامع پایین آمد به اولین نفری که جوان بود می‌رسید، قفل را به وی می‌داد تا آن را باز کند و به وی شیرینی یا نبات تعارف می‌کرد که معتقد بودن بخت دختر، باز شده و همسر مناسبی پیدا می‌کند.

دهقان ادامه داد: دومین کاری که در فضای مسجد کار کردم مستند روز بیست و هفتم بود. دوختن لباس مراد یکی دیگر از مراسم بیست و هفتم ماه رمضان است برخی که نذری یا طلب حاجتی دارند؛ به‌ویژه کسانی که بیمار هستند به نیت سلامتی و برخی هم برای بخت‌گشایی دختران جوان پیراهن مراد می‌دوزند. زنان یزدی در روز بیست و هفتم به نیت سلامتی بیمار

پولی از هفت سید و یا هفت نفر می‌گیرند و سپس با این پول پارچه‌ای خریداری کرده و پارچه را همراه وسایل خیاطی به مسجد جامع آورده و بین دونماز ظهر و عصر به نیت شفای بیماران برش می‌دهند، پس از دوخت، پیراهن را برتن بیمار می‌کنند و اعتقاد دارند این لباس برتن بیمار سبب شفای مریض می‌شود.

به گفته دهقان، برخی هم برای بخت‌گشایی دختران جوان خود پیراهن مراد می‌دوزند و بعد از اتمام دوخت‌ودوز بین افراد در مسجد نقل و شیرینی پخش می‌کنند، دوختن پیراهن مراد همه ساله در مسجد جامع کبیر یزد برگزار می‌شود، در گذشته مسجد امیرچخماق در این روز پذیرایی زنان یزدی بود در این مسجد سنگ مرمری است که به سنگ مراد مشهور است.

مسجد جامع نماد هویت این شهر است

کارگردان فیلم ایساتیس ادامه می‌دهد: سومین فیلمی که در فضای این مسجد کار کردم و چند سکناس از آن در این فضا فیلم‌برداری شد مستند اوسیا است که راجع به مسائل زیست‌محیطی است و در مورد قنات زارچ است که پر از فاضلاب شده بود و پایاب آن در این مسجد بدون استفاده بود و به دلیل وجود فاضلاب قنات زارچ دسترسی به آن را مسدود کرده بودند و من باز هم به سراغ مسجد جامع یزد رفتم و سکناس زیرزمین پایاب قنات زارچ را در آنجا فیلم‌برداری کردیم. اما در آخرین فیلمم، مستند سینمایی ایساتیس برای چهارمین بار به سراغ این مسجد آمدم و فضای عمومی مسجد و معماری و اهمیت آن در شهر تاریخی ایساتیس و یزد کنونی به تصویر کشیدم. یکی از دلایلی که شاید مسجد جامع در حداقل ۴ فیلم من به تصویر کشیده شده این است که مسجد جامع یزد نماد هویت، تاریخ، فرهنگ و زیست‌بوم یزد است و از طرفی به‌خاطر اتفاقات تاریخی و فرهنگی، رسم و رسومات و آیین‌هایی که در آنجا برگزار می‌شود به یک پایگاه اجتماعی نیز تبدیل شده است.

به نظر علیرضا دهقان، مسجد جامع یزد تلاقی فرهنگ، تاریخ و هویت یزد است هویتی که باعث شده است به آن تعلق خاطر پیدا کنیم و از آنجا آرامش بگیریم. وقتی من می‌خواهم فیلمی بسازم که در آن سنن و آیینی را بسازم که از دل مردم برمی‌آید مسجد جامع را انتخاب می‌کنم، وقتی می‌خواهم مستندی تاریخی (ایساتیس) کار کنم در مسجد جامع جای کار هست،

وقتی می‌خواهم مستندی راجع به محیط‌زیست کار بکنم مسجد جامع به‌خاطر پایاب‌ها و مسیر قنات‌ها بخشی از هویت فیلم من می‌شود و اینکه چرا انتخابمان مسجد جامع است به نظر ریشه در هویت تاریخی مسجد جامع دارد و پیوند ناگسستنی‌اش با تمام شهر و شهروندان.

یزد را نمی‌توان بدون مسجد جامع تصور کرد

احمد صراف یزد یکی دیگر از مستندسازان یزدی و عضو انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند ایران است، کسی که ساخت چندین فیلم مستند کوتاه و نیمه‌بلند، همکاری با انجمن سینمای جوانان ایران، همکاری با مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، صداوسیما و حوزه هنری را در کارنامه کاری خود دارد. صراف یزد، سال‌ها پیش مستند روایت هفت هزارساله را در مسجد جامع یزد ساخت و جوایز متعددی را در جشنواره‌ها از آن خود کرد. او نیز دل در گرو مسجد جامع دارد و آن‌جا را نه فقط یک مکان مذهبی بلکه پر از قصه و رمز و راز می‌داند مکانی پر از رنگ و آرامش.

او درباره مستند روایت هفت هزارساله می‌گوید: این مستند نگاهی شاعرانه به کاشی‌کاری‌های مسجد جامع یزد دارد، پژوهش و بررسی می‌کند که این کاشی‌ها از کجا آمده، چگونه تولید شده، چه نقشی داشته، با چه علمی این‌قدر زیبا کنار هم قرار گرفته است. شما ببینید رنگ کاشی، نوع کاشی، نوع چیدمان آن، همه‌وهمه طوری کنار هم قرار گرفته که اتفاقی را می‌سازد که فقط به تو آرامش می‌دهد. مسجد جامع پر از عناصری است که در کنار هم قرار دارند و تک‌تک این عناصر کنار هم چیده شده است. دورتادور سازه مسجد جامع سوره فتح کار شده است و به‌مرورزمان دیواره‌های مسجد را ازدست‌داده‌ایم و الان سوره ناقص است. یک معماری عجیب‌وغریب دارد یک معماری پر از قصه و در کنار سازه‌اش کارکرد اجتماعی و تاریخی‌اش آدم را سمت خودش می‌کشاند.

مشکل یزد بی‌آبی نیست؛ عدم مدیریت فرهنگی است

این مستندساز جوان که دغدغه‌اش یزد است، یزد را به موزه‌های تشبیه می‌کند که هر روز تکه‌ای از آن کم می‌شود، او می‌گوید: یک مستندساز دغدغه شهرش را دارد مخصوصاً اگر آن شهر همچون موزه‌ای گران‌بها باشد، یا آن‌قدر در خود قصه داشته باشد که تو نتوانی سرسری از

کنارش عبور کنی. شما یزد را بدون مسجد جامع یا میدان امیرچقماق تصور کنید آیا دیگر یزد هویتی خواهد داشت، من یزد را جور دیگری می‌بینم و تا جایی که بتوانم در مستندهایم از دغدغه‌هایش از قصه‌هایش و از راز و رمزهایش خواهم گفت؛ اما توانایی ما مستندسازان تا چه حدی است؟ دستان خالی است و خیلی نمی‌توانیم جلوتر بیایم. به نظر من مشکل یزد بی‌آبی نیست، بلکه عدم مدیریت فرهنگی است. آیا ما در مورد بادگیرهای یزد اثر قابل توجهی داریم؟ اما امارات دارد فیلمی راجع به بادگیر می‌سازد، من در اصفهان زندگی می‌کنم و آنجا کار هم کرده‌ام آن قدر به بافت تاریخی‌شان و به میراثی که برایشان به‌جامانده اهمیت می‌دهند و برایش هزینه می‌کنند که در مخیله مدیران شهر من نمی‌گنجد.

احمد صراف یزد ادامه می‌دهد: ما شهری داریم که اوستا بنایش در مسجد جامع یزد آن هم سالیان پیش علمی داشته که توانسته هنر و گرافیک را در ساخت مسجد پیاده کند، شهری داریم که مقنی‌هایش با دست و در تاریکی مطلق طولانی‌ترین قنات را ساخته و توانسته‌اند آب را در دل کویر بالا بیاورند، اما تمام اینها برایمان کم‌اهمیت است و آن را مهم نمی‌دانیم. باور کنید تا دو نسل بعد ما شاید دیگر یزدی وجود نداشته باشد و وسط بافت قدیم اتوبان رد کرده‌اند. ما فقط عناوینی چون شهر قنات و قنوت و قناعت را یدک می‌کشیم آیا توریستی که می‌آید موزه قابل لمس داریم یا او را به دیدار یک مقنی که پر از قصه و تجربه است می‌بریم تا گردشگرمان از نزدیک ببیند چه کسی با دست‌خالی و کفن‌پوش زیر زمین رفته و قنات را ساخته است؟! نه چون اعتقادی به یزدمان نداریم چون دغدغه‌اش را نداریم، خیلی از مستندسازان ما در مورد همین مسجد جامع فیلم ساخته‌اند که در یزد اکران نشده است. من مستند هزار و یک شب بلدی را ساختم که در مهم‌ترین جشنواره سینمای مستند ایران پخش می‌شد و با اینکه مدیران شهرم را برای همراهی و دیدن این مستند دعوت کرده بودم حتی یک نفر از یزد نیامد، چون برایشان اهمیتی ندارد؛ اما من باز هم منتظرم برای یزدمان اتفاق‌های خوب بیفتد.



ملکه هزاران ساله کویر

زهره منتظر

در حوزه ایران و ایرانشناسی کتب زیادی توسط محققان و سیاحان خارجی نوشته شده است. کتاب "ایران و آندلوس، سازه‌های آبی و باغ‌های بهشتی در ایران باستان" نوشته خانم ایزابل بلانکو دل پینیال - مترجم و محقق آلمانی - اسپانیایی - یکی از این کتابهاست. این کتاب که به بررسی سیستم و سازه‌های آبی ایران و مقایسه آن با سیستم و سازه‌های آبی اسپانیا میپردازد، به زبان آلمانی در سال ۲۰۱۹ در آلمان انتشار یافته و موفق به دریافت جایزه سال اروپا در سال ۲۰۲۰ میشود.

در سال ۱۴۰۰ کتاب حاضر توسط اینجانب ترجمه و نویسنده آن را به پایگاه میراث جهانی قنات زارچ تقدیم نمود است.

خانم ایزابل در پی یافتن ریشه و زادگاه فرهنگ موروها (مسلمانان اسپانیا) در آندلوس سالهای زیادی را به تحقیق و پژوهش در کشورهای حوزه جاده ابریشم، از اسپانیا تا مراکش، سوریه، اردن، ازبکستان و ایران پرداخت که حاصل این سفرها انتشار ۵ کتاب در مورد فرهنگ و تمدن موروها در اسپانیا بود.

کتاب حاضر که حاصل ماهها تحقیق و پژوهش وی در ایران است یکی از این کتابهاست. در این کتاب خانم ایزابل از سفر خود به ایران و یافتن جواب آخرین و مهم‌ترین سؤال خود سخن می‌گوید؛ خواستگاه فرهنگ و تمدن آبی آندلوس.

نویسنده، پس از سال‌ها تحقیق بر روی تاریخ هیسپانیا و اشتیاق برای شناخت دستاوردهای موروثی در اسپانیای مسلمان به این نتیجه می‌رسد که میراث آنها برای آندلوس تنها خانه‌های سنتی با حیاط‌های مرکزی نبوده بلکه، فرهنگ برجسته مدیریت آب و سازه‌های آبی نیز حاصل حضور آنها در اسپانیاست.

سازه‌های آبی، علوم مرتبط با آب، باغداری و به‌واسطه آنها قدیمی‌ترین سازمان اروپا یعنی دادگاه حقوق آب والنسیا؛ میراث گران بهایی است که مسلمانان برای اروپا برجا نهادند.

خانم ایزابل طی سه سفر خود به ایران و تحقیق و بازدید از سازه‌های مختلف آبی و باغ‌ها و قنات‌های ایرانی به این نتیجه رسیده است که همه آن علوم و فرهنگ آبی از ایران باستان حاصل شده است. مسلمانان پس از تصرف ایران، این علوم را از ایرانیان فراگرفته در طی قرون مختلف با خود به اسپانیا بردند. کاخ الحمراء، باغ‌های جنه‌العریف، قنات‌های مادرید و جزایر قناری همه یادگار آن دوران است.

کتاب پر از عکس‌های زیبا از سازه‌های آبی ایران و آندلوس است که همراه با متنی روان به شیوه سفرنامه‌ای خواننده را با خود همراه ساخته با گنجینه‌هایی از ایران و آندلوس آشنا می‌سازد

۲۰ صفحه از این کتاب پر محتوا در مورد یزد است و نویسنده اماکن تاریخی، سازه‌ها آبی، قنات‌ها و سیستم مدیریت آب در این کویری را مورد بررسی قرار داده است. در قالب شعری کوتاه اما تاثیرگذار او اینگونه یزد را توصیف میکند:

یزد کهن!

ملکه هزاران ساله کویر

بارگاهش همه از خشت است و گل

با صحنی از گل‌های الوان و آبهای روان آینه فام

سپاه جاودانش کوچه‌های آشتی‌کنان

و بلندای بادگیرانند

بر تاجش چهارگوهر دلبری میکنند

دولت آباد زمردین

امیرچخماق کهربایی

قنات زارچ فیروزه فام

و مسجد جامع!

الماسی که با افشاندن نور

تمام رنگ‌های دنیا در او متلالی می‌شود



بازرزش‌ترین سوژه عکاسی شهر

سجاد راد

مسجد جامع یزد به واسطه معماری، جای‌گیری رنگ‌ها، ساختار و قاب‌ها، فرم‌های هندسی موجود در بنا امروزه به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین و پربازدیدترین مکان‌ها برای بازدید و یکی از بهترین مکان‌ها برای عکاسی است. فضای مسجد جامع آن را به محبوب‌ترین، پررونق‌ترین، شلوغ‌ترین و باارزش‌ترین لوکیشن عکاسی شهر یزد تبدیل کرده است.

با گذشت زمان و رونق گرفتن بازارهای اطراف مسجد جامع همچنین ایجاد کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌هایی که رونق دیگری به فضای مسجد جامع داده است در پی آن نورپردازی‌های انجام شد هم در مسجد جامع (سردر و کاشی‌کاری‌ها) و هم در دل بافت تاریخی، سبب شده زیبایی‌های مسجد جامع در تاریکی شب هم عیان شود. در واقع این‌گونه نیست که با غروب خورشید کاربری مسجد جامع هم تمام شود؛ بلکه زیبایی این بنا در شب دوچندان می‌شود.

مجموعه مسجد جامع یزد در گذر زمان به سمبل، نماد و افتخار برای شهر یزد تبدیل شده است و هنرمندان رشته‌های مختلف از این مسجد در هنرهای خودشان استفاده کرده‌اند از جمله عکاسان که عکس‌های زیبایی از کتیبه‌ها، کاشی‌کاری‌ها، گنبد، فضای داخلی مسجد، بادگیر، آیات قرآنی فضای داخلی و بیرونی مسجد و... ثبت کرده‌اند. یکی از اتفاقات جالب در

این زمینه عکسی است که مایکل یاماشیتا عکاس آمریکایی در سال‌های اخیر از گنبد امامزاده سید رکن‌الدین در جوار مسجد جامع گرفته و در مجله رسمی نشنال جئوگرافیک که یکی از معروف‌ترین و باارزش‌ترین مجله‌های دنیا هست منتشر و باعث توجه بیشتر مردم جهان به این مجموعه شد.

آثار هنری دیگری از جمله نقاشی، منبت‌کاری، خاتم‌کاری، معرق، طراحی لوگو، گرافیک و حتی چاپ نیز با الهام از مسجد جامع تولید شده و هنرمندان تلاش کردند در گنجینه آرشیو خود رد پای از مسجد جامع داشته باشند.

مسجد جامع و هنر عکاسی

یکی از هنرهایی که تأثیر زیادی در شناساندن مجموعه مسجد جامع شده است، هنر عکاسی است. انتشار عکس‌های مسجد جامع توسط سایت‌ها و فضاهای مجازی همچنین اپلیکیشن‌های مختلف در سراسر دنیا سبب شد افراد زیادی از داخل و خارج کشور علاقه‌مند به دیدن این فضا شوند. نمونه مثال‌زدنی آن شمسه مسجد جامع است. در حوزه عکاسی مستند، چهره و حتی خبری آن‌قدر عکس‌های زیبا از شمسه مسجد جامع در شبکه‌های اجتماعی پخش و دست‌به‌دست شد که بسیاری از هم‌وطنان و حتی گردشگران خارجی به دنبال لوکیشن این شمسه بگردند.

در پی این اتفاق، شمسه مسجد جامع چنان برند شد که اکنون وقتی به اطراف خود نگاه می‌کنیم نقش‌ونگار شمسه مسجد جامع را در شال و روسری‌ها، مانتوها و تیشرت‌هایی می‌بینیم که مردم برای سوغات و هدیه و یا حتی استفاده روزمره خود از آن استفاده می‌کنند. این یعنی جاری شدن آن در زندگی.

نکته جالب اینکه با پیشرفت تکنولوژی و باب‌شدن استفاده از دوربین‌های هوایی و هلی‌شات‌ها که به‌عنوان چشم‌پرنده معروف هستند، هنر عکاسی روی دیگر خود را نشان داد، یعنی عکس‌ها و تصویرهای هوایی از این مجموعه مخابره شد که نشان داد این مجموعه حتی از دید چشم‌پرنده و از نگاه آسمان نیز زیبا، چشم‌نواز و دلنواز است.

قرن‌ها از ساخت مجموعه مسجد جامع گذشته است زمانی که خبری از دوربین عکاسی نبوده است؛ اما امروزه تصاویری که ما از این فضا و از این مجموعه می‌بینیم این‌گونه به ذهن می‌رسد که معمارانی که در آن زمان این بنا را خشت به خشت ساختند آن‌قدر از دید و خلاقیت بالایی برخوردار بوده و آن‌قدر رنگ‌شناسی خوبی داشتند و تا چه اندازه قاب و تصویرهای خلاقانه‌ای در ذهنشان بوده که انگار که ۹۰۰ سال پیش آن معمارها این مجموعه را ساختند برای امروز که عکاسان، طراحان و نقاشانی بیایند و از این فضا عکس بگیرند. چه عکس‌های معماری که ثبت می‌شود چه عکس‌های پرتره و چه سوژه انسانی در این فضا آنقدر زیبا و جذاب هست که انگار معمار این مجموعه برای هنر عکاسی و برای هنر فیلمبرداری و برای هنر طراحی و نقاشی این بنا را ساخته و به وجود آورده است.

نکته پایانی اینکه هنوز ابعاد زیادی از این مسجد پدیدار نشده است شاید ترکیب علم و تکنولوژی در آینده و وجود هوش مصنوعی باعث شود ابعاد مختلف این مجموعه خود را نشان دهد تا به هوش و ذکاوت نیاکانمان پی ببریم. همین کافی است تا به اصالت خود پی برده و افتخار کنیم که چگونه نیاکان هنرمند ما صدها سال پیش بنایی ساختند که پس از گذشت سال‌ها تکراری نمی‌شود و از چشم نمی‌افتد.



◀ عکاس: سجاد راد

“

یادی از یک دوست

حمیدرضا امیری

خدا رحمت کند حسین گرگویی را. جوان آرام و نجیبی بود. اهل مطالعه و اهل قلم. تحصیلات دانشگاهی‌اش صنایع دستی بود و در اداره میراث فرهنگی یزد مشغول به کار. نبود که با او هم‌نشینی و هم‌صحبتی کنی و نکته‌ای نیاموزی. تجزیه و تحلیل‌ها و نقدهایش به‌جا بود و گاهی همراه طنز. تعداد قابل توجهی از آثار تاریخی یزد به همت او در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و بسیاری از اموال تاریخی بقاع متبرکه استان یزد به کوشش او مستندسازی شد. برخی از پژوهش‌هایش را در مجله «فرهنگ یزد» می‌توان خواند. از آن جمله: «صحافی سنتی»، «منبر چوبی مسجد جامع ندوشن» و «حصیربافی در استان یزد».

آن جوان نازنین در حادثه تصادف چشم از جهان فروبست و با رفتنش چه بسیار مقاله‌ها و پژوهش‌ها قلمی نشد. این‌گونه در ذهن دارم که روزی این شعر معروف را خواند و گفت: شاعرش یزدی است. تعجب کردم؛ و ادامه داد: از کاظم حلبی کار است.

هر گل که بیشتر به چمن می‌دهد صفا / گلچین روزگار امانش نمی‌دهد

زنده‌یاد حسین گرگویی در پژوهشی به معرفی یکی از زیلوهای مسجد جامع یزد پرداخته است.

جزوه‌ای است در ۴۹ صفحه. مصور و همراه با طرح‌هایی که از آن زیلو ترسیم شده. تاریخ مرداد سال ۱۳۸۰ را دارد. خود نام گزارش را بر آن نهاده است. نسخه‌ای از آن را در دست دارم. چون از نسخه اصلی کپی شده کیفیت عکس‌ها آن‌چنان نیست که بتوان چاپ کرد؛ اما متن و طرح‌هایش را می‌توان. با اندک تنظیمی برای چاپ در مجله پرگار تقدیم می‌شود.

نقش و رنگ زیلوی بزرگ مسجد جامع یزد

حسین گرگویی

در این گزارش، ضمن معرفی زیلوی مسجد جامع یزد توجه ویژه‌ای به نقش و رنگ این زیلو شده است. بررسی مراحل فنی تولید و شیوه بافت همچنین گردآوری کلیه نقوش زیلو خود می‌تواند موضوع یک پژوهش جامع باشد که ان‌شاءالله در آینده به آن پرداخته خواهد شد.

بررسی نقش و رنگ در زیلو:

شاخص‌ترین ویژگی زیلو نقش و رنگ آن است. این ویژگی هم شیوه ایجاد نقش در زیلو را در بر می‌گیرد و هم نوع نقوش مورد استفاده را به‌خصوص در مورد اخیر، بررسی انواع نقوش به‌کاررفته در زیلو می‌تواند به میزان چشمگیری بر غنای نقوش سنتی ایران بیفزاید.

در مورد چگونگی ایجاد نقش در زیلو در فرصتی دیگر و در پژوهشی جامع‌تر، مراحل فنی بافت زیلو و شیوه ایجاد نقش در آن بررسی می‌شود و در این گزارش با تأکید بیشتری به انواع نقوش مورد استفاده در زیلو پرداخته می‌شود. ویژگی خاص زیلوی مورد بحث، این فرصت را به من داد تا تعداد زیادی از نقوش بکار رفته در زیلو را یک‌جا نسخه‌برداری نمایم؛ اما این تنها قدم اول است. گردآوری و تنظیم کلیه نقوش به‌کاررفته در زیلو که همگی به‌طور سینه‌به‌سینه از گذشته دور به ما رسیده، کاری است مهم که تا کنون انجام نگرفته و اهمیت موضوع چنان است که کفه انجام آن را در مقایسه با بسیاری از موضوعات پژوهشی دیگر، سنگین‌تر می‌کند.

در مرحله اجرایی برای تنظیم و ترسیم نقوش در ابتدا تردیدهایی داشتم؛ چرا که یکی از

ویژگی‌های زیلو این است که نقوش بدون نقشه ترسیمی و به صورت ذهنی بر روی آن ایجاد می‌شود و این تردید وجود داشت که ترسیم آن‌ها بر روی کاغذ، بر اصالت آن‌ها لطمه بزند؛ ولی با صحبت‌هایی که با اساتید بافنده داشتیم آن‌ها این موضوع را منتفی دانستند و علاوه بر آن، بر انجام این کار تأکید هم داشتند. این کار تردیدهای ایجاد شده را برطرف کرد و انگیزه‌ام را در کار قوی‌تر نمود.

این نکته هم گفتنی است که سابقاً تلاش‌هایی در جهت ثبت این نقوش در کارگاه زیلوبافی میراث‌فرهنگی یزد در شهرستان میبد انجام شده که بسیار ستودنی است. روش کاری آن‌ها به این صورت است که زیلوهایی به ابعاد کوچک حدود ۸۰×۱۲۰ سانتیمتر می‌بافند و نام نقش زمینه را در حاشیه آن می‌بافند. این کار به همت آقای عبدالعظیم پویا - پژوهشگر فعال یزدی - و آقای باغستانی - استادکار زیلوباف - هم اکنون در حال انجام است. همچنین تلاش‌هایی هم توسط ایشان در جهت طراحی نقوش جدید برای زیلو انجام شده است.

نقش در زیلو:

چند خصوصیت، بررسی نقش در زیلو را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده است:

۱. داشتن هویت مشخص یعنی آنچه که از یک هنر بومی انتظار می‌رود.
۲. تنوع نقوش در عین داشتن چهارچوبی مشخص.

این ویژگی‌ها در کنار برخی از خصیصه‌های دیگر که صرفاً در این نوع دست بافته وجود دارد، بیانگر میزان ارزش این نقش‌ها در هنر سنتی ایران است. یکی از این ویژگی‌های منحصر به فرد، تقسیم‌بندی است که به لحاظ مکان استفاده در مورد نقوش اعمال می‌شود. اثر این عامل هم در رنگ و هم در نقش زیلو، انجام می‌گیرد. در نقش برای زیلوهایی که برای مساجد و تکایا و مکان‌های مذهبی بافته می‌شود، همیشه در قسمت حاشیه و یا کتیبه زیلو نقشی بنام محراب بافته می‌شود که دیده شدن این نقش در هر زیلو نشان‌دهنده تعلق آن به یک مکان مذهبی است. همچنین تعدادی از نقوش هستند که فقط در زیلوهای مساجد بافته می‌شوند؛ مانند نقش گره و کلید.

تقسیم‌بندی که به لحاظ رنگ در زیلو انجام می‌گیرد در قسمت بررسی رنگ زیلو آمده است. بی‌شک بررسی و شناسایی کلیه نقوش مورد استفاده در زیلو می‌تواند منابع ارزشمندی از نقش‌های اصیل هنر سنتی ایران را که تا کنون ناشناخته مانده، آشکار نماید و از این راه ضمن حفظ و احیاء بخشی از فرهنگ فولکلوریک این سرزمین، زمینه برای گام‌های بعدی در جهت تحول این نقوش و استفاده از آن‌ها در سایر رشته‌های هنری نیز فراهم می‌گردد.

رنگ در زیلو:

رنگ‌های اصلی در زیلو منحصر است به دورنگ آبی لاجورد و صورتی که به طور معمول در هر زیلو تنها یکی از این رنگ‌ها در کنار رنگ سفید، برای ایجاد نقش استفاده می‌شود. در موارد محدود از رنگ سبز نیز جهت رنگ‌آمیزی استفاده می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، ضابطه معینی برای انتخاب رنگ در زیلو وجود دارد و آن این که در زیلوهایی که برای مساجد و تکایا بافته می‌شود همیشه از رنگ آبی استفاده می‌شود و در زیلوهایی که برای منازل بافته می‌شود رنگ معمول، قرمز و یا صورتی است. گفتنی است، گاه برای بافت زیلوهای منازل از الیاف با رنگ طبیعی استفاده می‌شود و برای این کار از نوعی پنبه مخصوص که رنگ الیاف آن به طور طبیعی کمی خاکی‌رنگ است، استفاده می‌شود. این محصول به طور محدودی در محل تولید می‌شود و ویژگی اصلی آن ثبات بالای رنگ آن است. در مورد نوع ماده رنگی که برای رنگ‌رزی الیاف زیلو استفاده می‌شود، باید گفت در گذشته از نیل برای رنگ آبی و از روناس برای رنگ قرمز استفاده می‌شده است؛ اما امروزه این کار با رنگ‌های شیمیایی انجام می‌شود.

زیلوی بزرگ مسجد جامع یزد:

در قدیم رسم چنین بود که برای جلوگیری از تشریفات و رعایت سادگی برای فرش کردن مساجد از قالی استفاده نمی‌شد حتی همان‌طور که گفته شد، زیلوهایی که برای مساجد بافته می‌شد دارای نقش و رنگ ویژه‌ای بودند که اصل سادگی در آن‌ها نیز رعایت می‌شد. این رسم

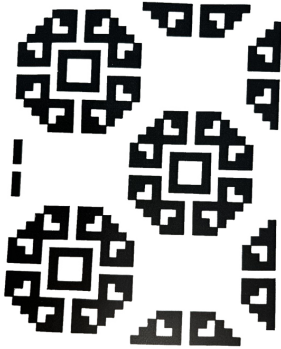
پسندیده، امروز دیگر به فراموشی سپرده شده و صحن مساجد با قالی‌های الوان ماشینی پوشیده شده است. در مسجد جامع یزد هم زیلوهای مورد استفاده همه جمع‌آوری شده و در یکی از شبستان‌های مسجد بر روی هم تلبار شده است. زیلوی مورد نظر ما در این گزارش نیز یکی از آن‌هاست که مشخصات آن ذیلاً آورده می‌شود.

مشخصات:

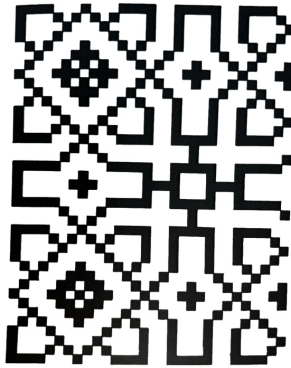
طول زیلو ۱۶ متر و عرض آن ۳۲۷ سانتیمتر است. تاریخ بافت این زیلو که در کتیبه آن ذکر شده، ماه رجب ۱۱۵۲ (اثان و خمسین و مائه بعد الف) است و نام دو بافنده نیز در کتیبه به چشم می‌خورد؛ به نام‌های استاد نبی والد حاجی سلطان و استاد علی ولد محمد میبیدی.

رنگ زمینه زیلو آبی لاجورد است و حاشیه‌های عرضی قرمز رنگی طول زیلو را به ۲۱ قسمت تقریباً مساوی تقسیم کرده است. عرض هر قسمت حدود ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر است. همچنین کتیبه‌ای به عرض ۲۰ سانتیمتر در امتداد طولی زیلو سه مرتبه عیناً تکرار شده و زمینه زیلو را به سه قسمت مساوی تقسیم نموده است. (یک کتیبه در لبه زیلو قرار گرفته و دو کتیبه در وسط فواصل بین هر یک از کتیبه‌ها نیز حدود ۸۰ سانتیمتر است. فاصله‌ای که از تلاقی کتیبه‌ها و حاشیه‌های قرمز رنگ ایجاد شده. نقش زمینه زیلو در ۲۰ طرح مختلف اجرا شده و بر بالای هر قسمت، نقش محراب تکرار شده است که مجموعاً ۶۳ بار این نقش در زیلو تکرار شده است. در ادامه، طرح تمامی نقوش زمینه همراه با نام و عکس هر یک از آن‌ها ارائه شده است

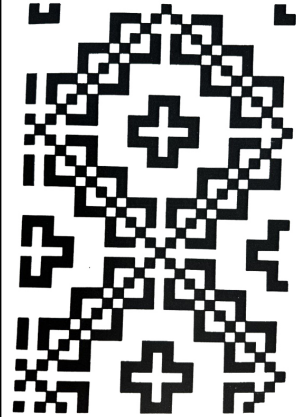
گفتنی است بیشتر زیلوها به طور معمول در اندازه‌های ۴×۳ و ۳×۲ بافته می‌شوند و در موارد خاص با توجه به سفارش شخص واقف و یا کارفرما، اندازه زیلو به دلخواه وی انتخاب می‌شود. همچنین تقسیم‌بندی که در مورد ترکیب نقوش و حاشیه‌ها در زیلو انجام می‌گیرد، تقریباً ثابت و بدون تغییر است. در زیلوهای خاص نظیر زیلوی مورد بحث این ترکیبات تغییر می‌کند. مانند استفاده از رنگ قرمز در زیلوی مورد اشاره و حاشیه‌های افقی که از ویژگی‌های خاص این زیلوست.



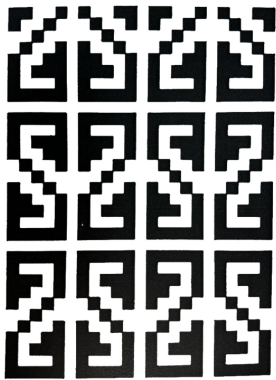
◀ گل مر بزرگ



◀ گره



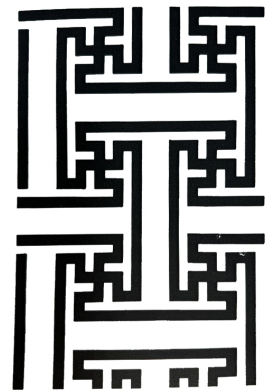
◀ پیله



◀ نوع دوم چهار کله گرد



◀ نوع اول چهار کله گرد



◀ کلید

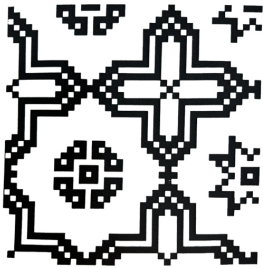
«محراب» (Mehrab): همان طور که گفته شد در زیلوهایی که برای مساجد بافته می‌شدند، نقش محراب در حاشیه‌های آنها بافته می‌شد. این نقش علاوه بر این که تعلق داشتن زیلو را به مسجد بیان می‌کرد به نوعی سمت قبله را نیز نشان می‌داد. نقش محراب همواره به طور ثابت در تمام زیلوهای مساجد تکرار می‌شد. گاهی حاشیه دو طرف محراب را به نوشتن کتیبه اختصاص می‌دادند و گاهی نیز حاشیه با نقوش معمول، ترسیم می‌شد. در زیلوی مورد بحث، این نقش ۶۳ بار در سه ردیف عمودی (در هر ردیف ۲۱ بار) تکرار شده و نقوش زمینه آن در ۲۱ نوع مختلف طراحی و در هر ردیف ۳ بار تکرار شده است. در داخل تمام محراب‌ها گردونه مهر یا صلیب شکسته دیده می‌شود و هر نقش فضایی به اندازه ۸۰×۷۰ سانتیمتر را در بر می‌گیرد یعنی فضایی به اندازه ایستادن یک نمازگزار.

«پيله» (Peela): حالت پله‌ای نقش احتمالاً سبب این نام‌گذاری بوده است. پيله اگر با زمینه آبی و نقوش سفید بافته شود، پيله سفید خوانده می‌شود و برعکس اگر زمینه سفید و نقوش آبی در نظر گرفته شود پيله آبی نامیده می‌شود. نقش زیلوی مذکور پيله سفید است.

«کلید» (Keleed): شکل ظاهری نقش، حالت کلیدهای درهمی را نشان می‌دهد. این نقش در عین سادگی، زیبایی خاص خود را دارا است. نقش گردونه مهر، در آن کاملاً با محکمی و استقامت جافتاده و کنتراست زیبایی را با خطوط ساده آن ایجاد کرده است.

نوع اول «چهار کله گرد» (Char Kala Gerd): این نقش از نقوش قدیمی است که امروزه کمتر متداول است. تناسبات نقش و یک‌دستی سفیدی‌ها و آبی‌ها در آن نظر را بر روی خود نگاه نمی‌دارد و به‌جانب نقش محراب معطوف می‌کند. امتداد نگاه در هر دو جهت عرض و طول، خطوط موازی عمودی را تجسم می‌بخشد.

نوع دوم «چهار کله گرد» (Char Kala Gerd): توضیحاتی که در مورد نوع اول این نقش داده شد، در این مورد نیز صادق است. در اینجا سفیدی‌ها و آبی‌ها به میزان مساوی تقسیم شده‌اند.



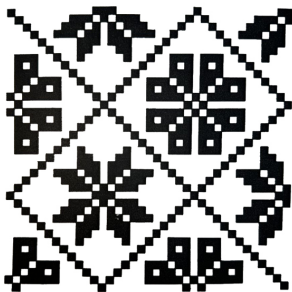
◀ گچ کن یا گچبر



◀ رکنه دونی کوچک



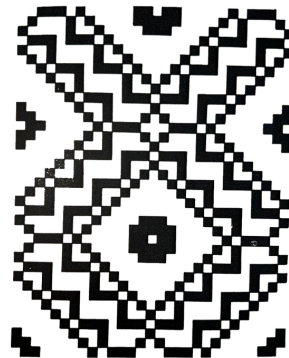
◀ هشت پر بریده



◀ هشت پر برگ بید
و پنجه شیر



◀ نوع دوم بالنگ



◀ نوع اول بالنگ

«گره» (Gere): این نقش یکی از نقش‌های پیچیده و زیبایی است که بیشتر در زیلوهای مساجد بافته می‌شده است. نمونه‌های الهام گرفته از این نقش را در کاشی‌های مساجد و نرده‌های چوبی آن‌ها می‌توان مشاهده کرد.

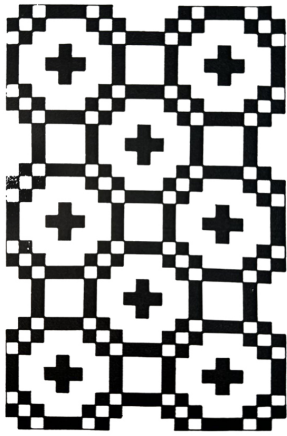
«گل مر بزرگ» (Gole more bozorg): نقش چلیپا در اصطلاح محلی زیلوبافان تحت عنوان «گل مر» شناخته می‌شود. چلیپاهای کوچک را «مورک» می‌نامند. «ک» علامت تصغیر است که یزدی‌ها در زبان محلی خود همراه با ضم حرف قبل خیلی آن را به کار می‌برند حتی برای کلماتی مثل میخ و سه‌پایه!

«گچ کن یا گچبر» (Gach Kan (Gach bor)): نام این نقش و خطوط شکسته آن، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که منشأ آن احتمالاً از گچ‌بری‌های دیوارها الهام گرفته شده و دو نقش از معروف‌ترین موتیف‌های ایرانی یعنی شمسه و چلیپا اجزاء اصلی آن را تشکیل می‌دهد. نقش درون شمسه که شامل دو نقش گل مر و هشت پر شکسته است در هر ردیف به طور یک‌درمیان تکرار شده است.

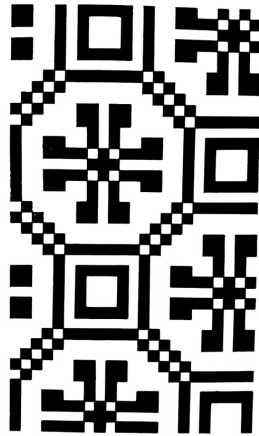
نوع اول «بالنگ» (baleng): منشأ این نام‌گذاری معلوم نیست؛ ولی نقش آن از نقش‌های بسیار معمول در زیلوبافی است.

نوع دوم «بالنگ» (baleng): در نظر اول تفاوتی بین نوع اول و دوم این نقش به چشم نمی‌خورد؛ ولی تفاوت‌های جزئی با آن دارد که در طرح اجرا شده آن بهتر مشخص است.

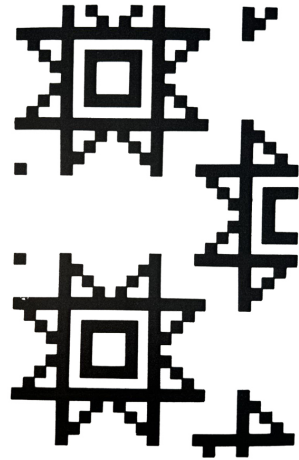
«پنجه شیر و هشت پر برگ بید» (Pange sheer & hasht Par barg) (beed): نقوشی این‌چنین که از ترکیب چند نقش در یک زمینه تشکیل شده را اصطلاحاً «چنتک» می‌نامند که از کلمه «چند تا» گرفته شده. نقش اصلی این زمینه را گل‌هایی تشکیل می‌دهد که یکی به علت شباهتش به جای پای شیر به این نام خوانده شده و دیگری که هشت پری است که هر یک از اضلاع آن شکل برگ بید را تجسم می‌بخشد و هشت پر برگ بیدی نامیده می‌شود.



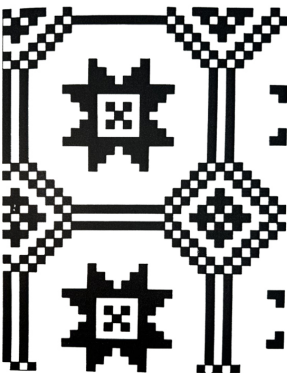
بافتک کوچک



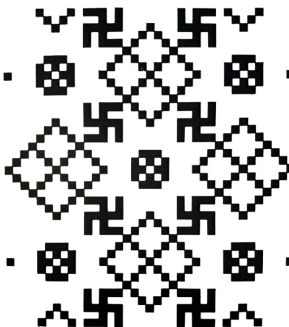
بافتک بزرگ



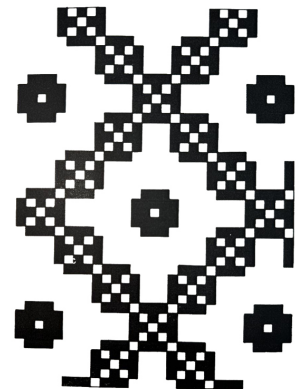
هشت بر شاخ گابی



چنتک



مورک و چهار کله



مورک

«**هشت پر بریده**» (**hasht Pare boreeda**): نام نقش و شکل آن جایی برای توضیح باقی نمی‌گذارد. این نقش گاهی به صورت منفرد و گاهی در ترکیب با نقوش دیگر اجرا می‌شده است.

«**رکنه‌دونی کوچک**» (**rokne doonee Koochak**): رکنه‌دونی بی‌شک از کلمه رکن‌الدین مشتق شده است. حال چرا این نقش به این نام خوانده شده، دست کم برای نگارنده به درستی معلوم نیست؛ ولی آنچه که مشخص است اینکه سید رکن‌الدین از رجال مهم یزد است که در قرن هفتم و هشتم هجری در این شهر می‌زیسته است. وی نقش مهمی در گسترش هنر زیلوبافی داشته و در تاریخ ثبت شده که برای مفروش نمودن بناهای موقوفه زیادی که او ساخت و یا بازسازی آن‌ها را بر عهده داشته (و مهم‌ترین آن بنای مسجد جامع یزد است) زیلوهای بسیاری را سفارش می‌داده است. (نگ به تاریخ یزد به کوشش ایرج افشار

«**هشت پر شاخ گابی**» (**hasht Pare shakh Gabee**): مقایسه این طرح با طرح شماره ۱۲ نشان می‌دهد که طرح کلی در هر دو نقش ستاره هشت پر است و تنها نحوه اجرای نقش و طراحی آن در دو نمونه تفاوت دارد. بادقت در طرح نیز می‌توان علت این نام‌گذاری را دریافت.

«**چنتک**» (**Chantok**): نقوشی را که از ترکیب چند نقش به وجود آمده باشند به این نام می‌خوانند. مورک و هشت پر شاخ گابی اجزای تشکیل‌دهنده این طرح هستند.

«**مورک**» (**Morok**): همان‌طور که گفته شد چلیپاهای کوچک در اصطلاح زیلوبافان به این نام خوانده می‌شود و از آنجاکه جزء اصلی تشکیل‌دهنده این نقش را «مورک» تشکیل می‌دهد، کل طرح به این نام خوانده می‌شود.

«**بافتک بزرگ**» (**baftoke bozorg**): این طرح با طرح بافتک کوچک دو نوع مختلف از یک طرح را نشان می‌دهد. طرح بافتک بزرگ با چله ۱۳ مجی و طرح بافتک کوچک با چله ۷ مجی بافته شده است. ظرائف فنی و تفاوت‌های این دو نوع بافت بسیار مفصل است؛ ولی

همین قدر اشاره کافی است که هر چه مقدار مج بیشتر شود تعداد نقش در عرض زیلو کمتر ولی ظرافت‌های نقوش بیشتر است و هر چه تعداد مج کمتر باشد امکان بافت نقوش پیچیده کمتر می‌شود. توضیح بیشتر در مورد طریقه ایجاد نقش و روش بافت نیاز به بررسی کامل مراحل فنی بافت زیلو دارد که ان‌شاءالله در پژوهشی جداگانه به آن پرداخته خواهد شد.

«بافتک کوچک» (baftok Koochak): به توضیحات بافتک بزرگ مراجعه شود.

«مورک و چهار کله» (Morok & char kalla): این نقش را هم می‌توان چنتک نامید که اجزاء تشکیل دهنده آن شامل مورک، گردونه مهر و چهار کله (مربع‌های سفید) می‌باشد.

روش‌های نگهداری منسوجات:

از آنجاکه زیلوی مورد اشاره، وضعیت مطلوبی را به لحاظ مکان نگهداری، دارا نمی‌باشد، مختصری در مورد روش‌های نگهداری منسوجات و عوامل آسیب‌رسان آن‌ها آورده می‌شود. باشد که مفید واقع شود. از آنجاکه منسوجات از مواد آلی (الیاف و رنگ) تشکیل شده‌اند، در مقایسه با سایر آثار هنری در مقابل اثرات محیطی نیاز به دقت بیشتری جهت حفظ و نگهداری دارند. خاصیت ارتجاعی و جذب فیزیکی و شیمیایی، آن‌ها را در مقابل آسیب‌های ناشی از حمل‌ونقل، انبارکردن، بررسی و مطالعه و نمایش، بسیار حساس می‌سازد. فساد و زوال منسوجات هر لحظه در حال انجام است و سهل‌انگاری، حمل نادرست، آب‌وهوا، آلودگی محیط و نور زیاد می‌تواند موجب تسریع آن شود. با همه این‌ها اگر در موزه‌ها و گالری‌ها و انبارها شرایط مطلوبی فراهم شود تا حد زیادی می‌توان مراحل زوال پارچه را کند کرد.

مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب منسوجات عبارت‌اند از:

نور، رطوبت، در دسترس عموم قرارداشتن، کثیف‌شدن و شستشوی مداوم، حیوانات مودی، حرارت محیط.

ذیلاً شرح مختصری در مورد دو عامل اصلی یعنی نور و حرارت آورده می‌شود. در تهیه مطالب این قسمت از کتاب «نگهداری و مراقبت اشیای هنری» نوشته مارگری شلی با ترجمه زهرا

باستی و مجموعه مقالات نخستین همایش مرمت آثار تاریخی استفاده شده است:

نور: نور باعث ضعیف شدن و کم‌رنگ شدن و ازدست‌دادن جلای رنگ‌ها می‌شود. میزان پوسیدگی و آسیب، بستگی به کیفیت و شدت نور دارد و عملکرد تخریبی آن باحرارت و رطوبت افزایش می‌یابد؛ ولی از همه مهم‌تر اشعه ماورای‌بنفش است که بیشترین تأثیر را می‌گذارد.

نور طبیعی به میزان کم، بسیار مخرب‌تر از نور مصنوعی با مقدار زیاد است. چنان‌که منسوجاتی که پس از شستشو، رنگ دوانیده‌اند را در آفتاب می‌اندازند تا در مدت کوتاه رنگ دادگی آنها از بین برود و یا فرش‌های نو را در آفتاب می‌اندازند تا حالت رنگ‌پریدگی و کهنگی پیدا کند.

حرارت: به‌منظور حفظ و نگهداری مواد آلی، وجود دما و رطوبت نسبی ثابت از اهمیت بالایی برخوردار است. تغییرات ناگهانی و افزایش یکی از آنها به الیاف صدمه شدید وارد می‌کند. حدود تغییرات قابل قبول در مکان‌های نگهداری منسوجات عبارت است از ۴۵ تا ۵۵ درصد واحد رطوبت نسبی و دمای بین ۲۰ تا ۲۱ درجه سانتی‌گراد. محیط بسیار گرم می‌تواند موجب فشار الیاف شود و افزایش رطوبت نسبی تا ۷۰٪ امکان رویش قارچ را فراهم می‌سازد. هوای راکد در هر قسمت از انبار و یا اتاق، موجب افزایش سرعت زوال پارچه و جذب حشرات می‌شود

“

اشعاری درباره مسجد جامع یزد

آسمان بود رها روی پر کاشی‌ها

شگفت‌انگیز و پر از قصه، شاید این عبارت خوبی برای توصیف مسجد جامع یزد باشد، مسجدی که قلب این شهر است. برای این بنای زیبا متن‌ها و شعرهای زیادی گفته شده است. به مناسبت پرونده مسجد جامع، دو شعر از غلامرضا محمدی و سید فضل‌الله طباطبایی را منتشر می‌کنیم.

«برای مسجد جامع کبیر یزد و گلدسته‌های بلندش!

غلامرضا محمدی کویر

آسمان در آغوش توست!

و تو سرمست، در همیشه زلالِ عروج، ایستاده‌ای!

و من در هاله‌ای از اندیشه‌های پریشان، تبسمِ گلدسته‌های تو را به تامل نشسته‌ام!

تسبیح تو در پیشگاه عشق، شنیدنی‌ست..!

و دست‌های تجسم تو سل ماست!

دیری ست آسمان، در پیمان اجابت به اصالتِ خلوص تو دل بسته است!

و زلال قنات‌های تمنا در قنوت دست‌های نجیبِ تو جاری ست!

من هر پگاه، دلم را به پیشانی‌بلندت پیوند می‌زنم!

و همت را از پلکان عروج تو سراغ می‌گیرم...

از آن روز که در پایکوبیِ مستانِ پاک‌بازت پا گرفتی،

زیبایی‌ها به دامت آویختند!

و پلیدی‌ها از پایگاهت پا کشیدند!

ای اسطوره بدیع توازن در ترازوی هنر!

باور کن کوچه‌های پیچ‌درپیچ شهر، بی‌ترنم عاشقانه‌های تو هیچ در هیچ‌اند!

بادهای تب‌آلود کویر، تنها در باران اذان دل‌انگیز تو طرب‌انگیزند،

و بیدها جز در طنین ترانه‌های تو، به رقص بر نمی‌خیزند!

ای کاش پیچکی بودم پنجه در پنجه اسلیمی‌هایت!

و در پنجگاه هزاردستانت مستانه مدهوش می‌شدم!

ای رها در همیشه‌شکوه که شرف، شکوفه‌شاخسار توست!

بی‌قرار آن شمایلیم که در بیشه‌شکیب، تماشایی است!

تبسم کتیبه‌های سبزت حماسه‌شکفتن من است!

و جلوه‌جمیلت پاداش پارسایانی که عشق را پاس می‌دارند!

و مسیره‌های رو به تو پنجره‌هایی است به پایان پریشانی‌ها...

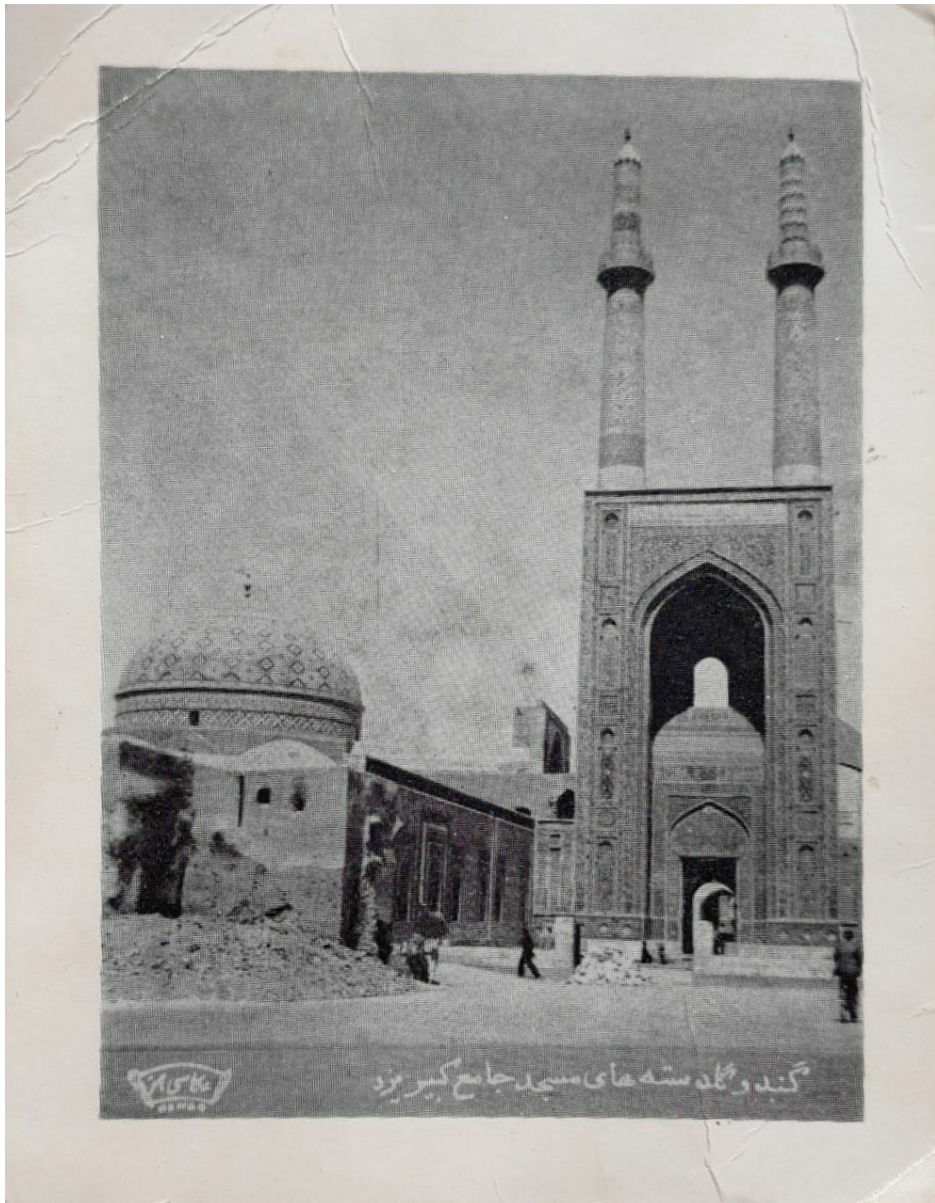
بگذار شش‌دانگ اشتیاقم را به تاروپود پرنیان پیراهنت تقدیم کنم!

ای بلندای عشق در تجسم هنر!

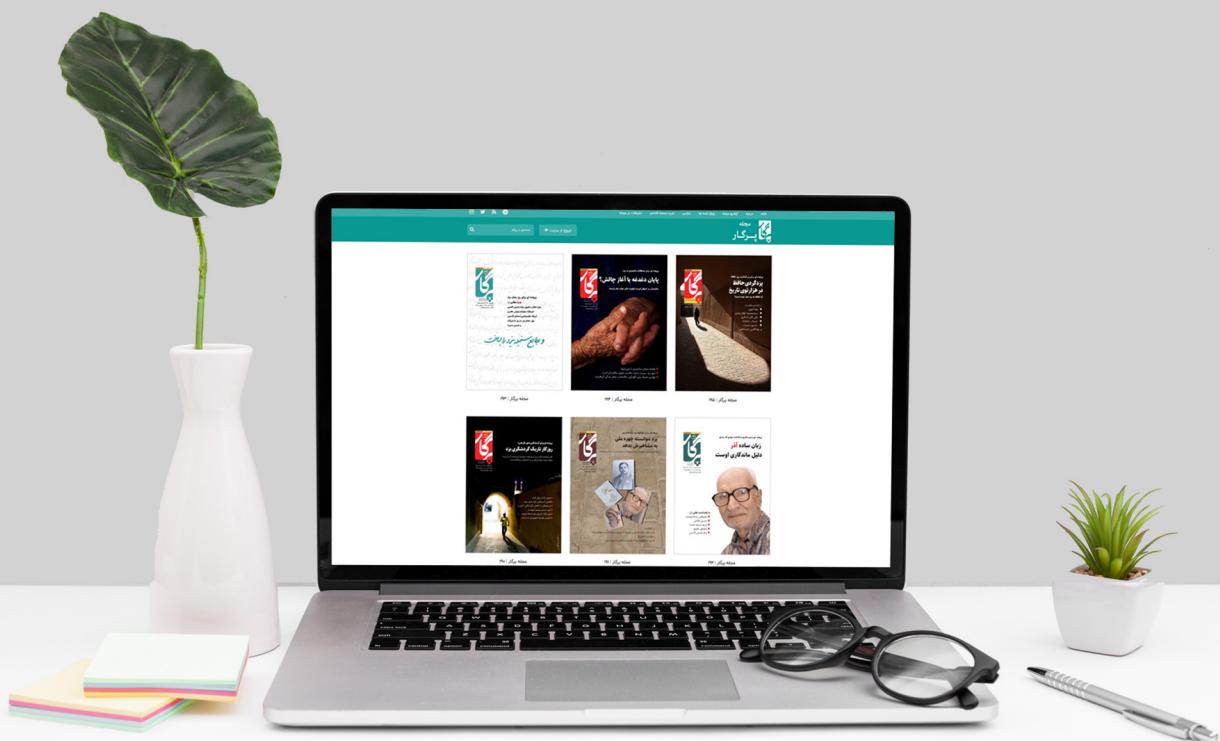
◀ یادی و نگاهی

سید فضل‌الله طباطبایی ندوشن

آسمان بود رها روی پر کاشی‌ها
پلک می‌زد نفسش دوروبر کاشی‌ها
سال‌ها در سحر سبز تماشا می‌خورد
باور آبی‌اش از نیشکر کاشی‌ها
بال در بال نسیم سحری می‌بخشید
جرئت شب‌شکنی بر جگر کاشی‌ها
چشم خورشیدی او سیب صفا را می‌چید
از فراسوی افق در سحر کاشی‌ها
سرخوش از بوی ملک چشم سحرسازش بود
تا خدا بود مگر هم‌سفر کاشی‌ها
به سرانگشت تحیر نکند حس می‌کرد
نبض یک معجزه در زیر سر کاشی‌ها



احتمالاً اولین کارت پستالی است که از مسجد جامع یزد، چاپ و منتشر شده است.
متن کارت پستال: گنبد و گلدسته های مسجد جامع کبیر یزد | عکاسی هنر



شماره جدید پرگار منتشر شد
www.pargarnews.ir